

کتاب سی روز سی دعا شرح دعا‌های روزهای ماه مبارک رمضان

بر گرفته از فرمایشات

آیه الله مجتهدی، آیه الله مکارم، آیه الله قرهی، حجة الاسلام محمودنیاکان و جوادمحدثی

تهیه و تنظیم جهة طرح در مجالس ماه مبارک رمضان و بهره بردن مؤمنین

توسط حجة الاسلام سیدمحمدباقری پور در مؤسسه فرهنگی هدایت

www.hedayat.org

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۳	دعای روز اول ماه رمضان	۵۱	دعای روز شانزدهم ماه رمضان
۷	دعای روز دوم ماه رمضان	۵۴	دعای روز هفدهم ماه رمضان
۱۰	دعای روز سوم ماه رمضان	۵۶	دعای روز هجدهم ماه رمضان
۱۳	دعای روز چهارم ماه رمضان	۵۸	دعای روز نوزدهم ماه رمضان
۱۶	دعای روز پنجم ماه رمضان	۶۱	دعای روز بیستم ماه رمضان
۱۹	دعای روز ششم ماه رمضان	۶۴	دعای روز بیست و یکم ماه رمضان
۲۲	دعای روز هفتم ماه رمضان	۶۶	دعای روز بیست و دوم ماه رمضان
۲۶	دعای روز هشتم ماه رمضان	۶۹	دعای روز بیست و سوم ماه رمضان
۳۰	دعای روز نهم ماه رمضان	۷۱	دعای بیست و چهارم ماه رمضان
۳۲	دعای روز دهم ماه رمضان	۷۳	دعای روز بیست و پنجم ماه رمضان
۳۶	دعای روز یازدهم ماه رمضان	۷۶	دعای روز بیست و ششم ماه رمضان
۳۹	دعای روز دوازدهم ماه رمضان	۷۸	دعای روز بیست و هفتم ماه رمضان
۴۱	دعای روز سیزدهم ماه رمضان	۸۰	دعای روز بیست و هشتم ماه رمضان
۴۴	دعای روز چهاردهم ماه رمضان	۸۵	دعای روز بیست و نهم ماه رمضان
۴۷	دعای روز پانزدهم ماه رمضان	۸۷	دعای روز سی ام ماه رمضان

از ابن عباس روایت کرده اند: که حضرت رسول (ص) برای روزی هر روز ماه مبارک رمضان مزیت و برتری بسیار بیان فرمود و برای هر روز دعای مخصوصی با فضیلت و ثواب بسیار برای آن ذکر کرده است. دعا‌های روزهای ماه رمضان در کتاب‌های البلد الامین و مصباح از پیامبر اکرم (ص) نقل شده اند ولی ترتیب دعای برخی روزها یا برخی عبارات با هم متفاوت است. همچنین در کتاب مفاتیح الجنان این دعاها ذکر شده است که بهتر است دعای روز بیست و هفتم مفاتیح {اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ فَضْلَ لَيْلَةِ الْقَدْرِ} در روز بیست و سوم خوانده شود. و دعای روز بیست و سوم {اللَّهُمَّ اغْسِلْنِي فِيهِ مِنَ الذُّنُوبِ} روز بیست و هفتم خوانده شود.

#دیباجه کتاب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالسَّلَامُ عَلَى أَشْرَفِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ . وَاَمَّا بَعْدُ اِنَّ كِتَابَ مُسْتَطَابِ سَيِّ رُوزِ سِی دَعَا «شرح دعا‌های روزهای ماه مبارک رمضان بر گرفته از فرمایشات آیه الله مجتهدی و آیه الله مکارم» برای استفاده وعاظ و سخنرانان وائمه جماعات تهیه وتنظیم گردید ، هرچند که ران ملخی است نزد سلیمان بردن ، ولکن امیداست که ذخیره یوم لاینفع مَالٌ وَلَا بَنُونَ باشد انشاءالله.

نظر به اینکه اینجانب سیدمحمد باقری پور «طلبه ای از جمع طلاب و فضلالی حوزه علمیه مشهد مقدس فرزند شهید سیدرضا باقری پور و نوه حجة الاسلام شیخ محمد حسین سیّاره از باز ماندگان واقعه مسجد گوهرشاد مشهد در ۲۱ تیر ۱۳۱۴ که قیام مردم مشهد علیه کشف حجاب رضاخاننی بوقوع پیوست» ، از سال ۱۳۵۰ تحصیل در حوزه علمیه مشهدرا آغاز کردم . و سالهای ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶ که طلیعه ی انقلاب اسلامی آغاز شد مجالس وعظ و خطابه و به اصطلاح روضه خوانی در تکلیا و بعضی از سراها «کاروانسراهای آن زمان که محل تجمّع تجار و کسبه و ئنکداران بود بجای پاساژهای امروزی» زیاد شده بود مخصوصاً در ماه محرم وصفر و دهه فاطمیه ، و استقبال خوبی هم میشد و بیشترین مجالس مشهد به منبرهای مرحوم کافی اختصاص پیدا کرده بود البته غیر از ایشان وعاظ دیگری هم مانند موسوی محب الاسلام ، دانش سخنور ، شیخ عبدالله یزدی سخنرانی داشتند ، اینجانب که اوائل طلبگی ام بود به منبرهای مرحوم کافی علاقه بیشتری داشتم هر موقع شب یاروز که ایشان جایی منبرداشتند اینجانب حضور پیدا میکردم «معمولاً محرم یا صفر و دهه فاطمیه هرسال حدود پنج سال قبل از انقلاب تا زمان شهادتشان مشهد میآمدند از ساعت هشت و نه قبل از ظهر تا دوازده شب گاهی یک بعد از نصف شب سخنرانی داشتند» و همچنین از بیانات شیخ عبدالله یزدی ، موسوی محب الاسلام صاحب کتاب اقوال الانمه، دانش سخنور فردوسی ، علامه بهلول گنابادی ، شیخ محمد رضا نوغانی هروقت در مشهد سخنرانی داشتند استفاده میکردم، لذا بعد از گذشت چهل سال ، انگیزه ای درونی مرا بر آن داشت که شنیده های از این بزرگان را که بعداً با خواندن احادیث در کتب روائی مورد نظر تطبیق میشد را تحت عنوان مباحث منبری به رشته تحریر در آورم و احادیثی را که در اکثر منابع از آنها استفاده میشد را شرح دهم که دوستان اهل منبر و خطباء وسخترانان و مبلغین رسالات الله از آن استفاده نمایند و اینجانب را هم دردعای خیر خود شریک فرمایند.

کتابهای چاپ شده از تهیه کننده این کتاب: مبانی اسلام«شرح حدیث بُنِی الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ از امام باقر علیه السلام» ، بانوان وجامعه امروز«شرح حدیث کَیْفَ یَکُمُ إِذَا فَتَدَّتْ نِسَاؤُکُمْ» ، قصّه های قرآنی«شرح حال مختصر پیامبران در آیات قرآنی» ، مردان و زنان بافضیلت «شرح آیه ۳۵ سوره احزاب» ، هفت پایه اسلام«شرح حدیث شریف قَوَاعِدُ الْإِسْلَامِ سَبْعَةٌ از امام علی علیه السلام» ، چهارپایه دین ودنیا«شرح حدیث قَوَائِمُ الدِّینِ وَالْدُّنْیَا بِأَرْبَعَةٍ از امام علی علیه السلام» ، شرح حدیث شریف سلسله الذهب از امام رضا علیه السلام دریاب توحید وامامت و... ، شرح حدیث عبدالعظیم حسنی از امام رضاعلیه السلام ، ذکر خدا«دعاهای مورد نیاز مؤمنین در طول هفته» مکالمات عربی ، شهر رمضان«دریاب اعمال ودعاهای ماه مبارک رمضان» ، حدیث زیارت ، زیارت رفتن پیاده ، کتاب مختصر دعا‌های ماه رجب شعبان ورمضان ، زیارتنامه امام رضاعلیه السلام، روضه های محرم وصفر ، همراه زائرین عتبات عالیات ، همراه زائرین مشهد الرضاعلیه السلام ، همراه زائرین حضرت معصومه شاه عبدالعظیم وشاه چراغ علیهم السلام، همراه زائرین مکه ومدینه«برای آشنائی زائرین با عربستان، مکه، مدینه ومختصر مناسک حج وعمره» ، پرسشهاوپاسخهای حقوقی ، مواعظ حسنه، چنته حکایات باقری ، کشکول حکایات باقری ، کشکول اشعار باقری، کشکول مواعظ باقری ، کشکول مدایح و مرائی باقری ، کشکول ضرب المثلها ، بزرگان علم ودین ، مردان وزنان با فضیلت ، وظایف انسانی ، توصیه های اخلاقی ، احادیث مناسبتها ، آداب اسلامی ، دعا‌های مجالس ، تعقیبات نمازها ، صرف افعال عربی ، احکام اموات ، شرح دعای اللهم ارزقنا ، توضیح الحکم شرح وتوضیح ۴۸۰ حکمت نهج البلاغه ، توضیح الاربعین «شرح چهل حدیث» ، توضیح الجنود«شرح حدیث جنود عقل و جهل» ، طب المعصومین بیان نظرات استاد آیت الله سید حسن ضیایی ، مجموعه اشعار باقری. وبعضی از کتابهای موبایلی ساخته شده که در آخر کتاب اسامی آنها ذکر شده و قبلاً در سایت هدایت انتشار یافته است آماده ویراستاری و فهرست بندی و ... است برای چاپ کاغذی انشاء الله تعالی. وما توفیقی الا بالله علیه توکلت والیه انیب. تحریر شد در تاریخ ۱ ماه مبارک رمضان مصادف با بهار ۱۴۰۰ - مشهد مقدس پایتخت معنوی جمهوری اسلامی ایران ، سیدمحمد باقری پور

#دعای روز اول ماه رمضان

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِيْ فِيْهِ صِيَامَ الصَّائِمِيْنَ، وَ قِيَامِيْ فِيْهِ قِيَامَ الْقَائِمِيْنَ، وَ نَبْهَنِيْ فِيْهِ عَنْ نَوْمَةِ الْغَافِلِيْنَ، وَ هَبْ لِيْ جُرْمِيْ فِيْهِ يَا اِلَهَ الْعَالَمِيْنَ، وَ اَعْفُ عَنِّيْ، يَا عَافِيَا عَنِ الْمَجْرَمِيْنَ. خداوندا! روزه گرفتن مرا در این ماه چون روزه ی روزه داران قرار بده، و سحرخیزی و شب زنده داری مرا چون سحرخیزی و شب زنده داری سحرخیزان و شب زنده داران قرار بده، و مرا از خواب گران غفلت و بی خبری بیدار کن، و جرم و گناه مرا بر من ببخش ای معبود جهانیان، و مرا عفو کن ای عفوکننده گناه گناه کاران.

در این دعا چند نکته وجود دارد، ۱: انواع روزه و چگونگی روزه گرفتن. ۲: سحرخیزی و شب زنده داری، ۳: بیدار شدن از خواب گران غفلت و بی خبری، ۳: بخشش جرم و خطای بنده توسط خداوند، ۴: عفو و گذشت و بخشش خداوند.

اقسام روزه : اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِيْ فِيْهِ صِيَامَ الصَّائِمِيْنَ . خدایا روزه مرا روزه صائمین قرار بده ؛ چه بسیارند روزه دارانی که از روزه، جز «گرسنگی و عطش»، دستاوردی ندارند... [پیامبر خدا : مَا أَقَلُّ الصَّوَامِ وَ أَكْثَرُ الْجُوعِ . چه اندکند روزه داران و چه بسیارند گرسنگان! من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۰۹]. صائمین چه کسانی هستند ؟ سه نوع روزه داریم ؛ ۱- روزه عام ۲- روزه خاص ۳- روزه خاص الخاص .

روزه عام : همان روزه ای است که عموم مردم می گیرند ؛ نمی خورند و نمی آشامند، ولی متأسفانه به نامحرم هم نگاه می کند ؛ گناه هم می کند ؛ حجابش را هم مراعات نمی کند . بنابراین روزه عام روزه ای هست که انسان تنها از اموری که روزه را باطل می کند خودداری می نماید.

روزه خاص : روزه ای است که روزه دار علاوه بر اینکه از خوردن و آشامیدن خودداری می کند اعضاء و جوارحش هم روزه دارد ؛ چشمش را هم از معصیت می بندد ؛ سحر که روزه می گیرد نیت می کند که خدایا من همه اعضاء و جوارحم روزه است؛ گوشم غیبت نمی شنود ، زبانم غیبت نمی کند ، و ... این روزه خاص است. حدیث : عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِذَا صُمْتَ فَلْيَصُمْ سَمْعُكَ وَ بَصَرُكَ وَ شَعْرُكَ وَ جِلْدُكَ وَ عَدَدَ أَشْيَاءَ غَيْرَ هَذَا وَ قَالَ لَا يَكُونُ يَوْمٌ صَوْمِكَ كَيَوْمِ فِطْرِكَ [الكافی، ج ۷، ص ۴۳۶] وقتی روزه می گیری باید گوش تو هم روزه باشد (از گناهان مربوط به گوش مثل گوش دادن به غیبت و....) جداً پرهیز کنی، چشمت هم باید روزه باشد ، پوستت هم باید روزه باشد ؛ موی سرت هم باید روزه داشته باشد ؛ خانمها باید حجابشان را رعایت کنند این نکته را باید

توجه داشته باشیم که تعیین حدود حجاب بر عهده مرجع تقلید است نه رئیس جمهور، رئیس مجلس و یا هر مسئول دیگری، بانوان باید مرز حجاب خود را از مرجع تقلیدشان بپرسند مراجع تقلید اسلام شناس هستند و هرکسی نمی‌تواند خودش در مسایل دینی رای دهد.

روزه خاص الخاص: روزه ای هست که غیر از خدا هیچ چیز دیگری در دل روزه‌دار نباشد؛ ای یک دله صد دله؛ دل یک دله کن - مهر دگران را ز دل خود یله کن. اگر در ماه رمضان همه کارها برای خدا باشد؛ روزه خاص الخاص تحقق می‌یابد و از این رو در دعا از خدا می‌خواهی **اللَّهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي فِيهِ صِيَامَ الصَّائِمِينَ** یعنی خداوندا روزه مرا روزه خاص الخاص قرار بده. در حدیثی گران قدر از پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) نیز داریم که فرمودند: «إذا غتاب الصائم أفطر [عوالي اللئالی، ج ۱، ص ۲۶۳] یعنی "هرگاه روزه دار غیبت کند روزه اش را خورده است". در حدیث دیگری می‌فرمایند: "من اغتاب امرء مسلماً بطل صومه ونقض وضوؤه" [من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۵] یعنی "هر که غیبت مسلمانی را نماید روزه و وضویش باطل می‌گردد. که از این دو حدیث گران بها در می‌یابیم که روزه فقط با گرسنگی و تشنگی کشیدن محقق نمی‌گردد و غیر از موارد ذکر شده در رساله عملیه که باعث ابطال روزه می‌گردد، عوامل دیگری چون غیبت نیز روزه فرد مسلمان را باطل می‌نماید و از این رو روزه واقعی روزه‌ای است که باید در آن تمام اعضا و جوارح انسان روزه دار باشد. به طوری که فرد روزه دار باید از تمام اعمال قبیح چون (غیبت، فحش و ناسزا، خشم و غضب، نگاه به نامحرم و...) دوری نماید. امام صادق علیه السلام نیز در حدیثی چنین می‌فرمایند که: "پدرم فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله از زنی روزه دار شنید که به کنیزش فحش می‌داد پس دستور داد طعامی حاضر نمودند و به آن زن فرمود: بخور، پاسخ داد: ای رسول خدا! من روزه‌ام، آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: 'یف تکونین صائمه وقد سببت جاریتک؟ ان الصوم لیس من الطعام و الشراب و انما جعل الله ذلک حجاباً عن سواهما من الفواحش من الفعل و القول یفطر الصائم ما اقل الصوام و اکثر الجوع' [الکافی، ج ۷ ص ۴۳۷] یعنی "تو چه روزه داری که به کنیزت فحش دادی؟ به راستی که روزه، خودداری از خوردن و آشامیدن نمی‌باشد، فقط و فقط خداوند آن را (روزه را) به عنوان مانعی از سایر زشتی‌های گفتاری قرار داده است، زشتی‌هایی که روزه روزه دار را می‌شکند (باطل می‌کند) چقدر روزه داران (حقیقی) اندک و گرسنگان فراوانند" روزه صحیح و کاملی که خدا برای کامل نمودن روزه‌دار مقرر فرموده، قطعاً شامل خودداری اعضای بدن از گناه می‌باشد، و روزه کاملترین است که علاوه بر آن، قلب را از یاد غیر خدا باز داشته و از هر چه غیر اوست روزه بگیرد.

سخنی از میرزا جواد ملکی تبریزی : در روایات آمده است: «غیبت، دروغ، نگاه (حرام) پی در پی، دشنام دادن و ظلم - کم باشد یا زیاد-، باعث باطل شدن روزه می‌شود، و روزه، فقط خودداری از خوردنی و آشامیدنی نیست، هنگام روزه گوش، چشم، زبان و ... باید روزه بگیرند. دست و پایت را نگهدار و بسیار سکوت کن مگر از خیر. و با نوکرت رفق و مدارا نما. از جدال و آزار رساندن به نوکر خودداری کن و وقار روزه را داشته باش و وقتی روزه ای با زمانی که روزه نیستی باید با هم فرق داشته باشند.» رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «آسان‌تر این چیزی که خداوند در روزه بر روزه‌دار واجب نموده، خودداری از خوردنی و آشامیدنی است.» فقها به صحت روزه بعضی از آن‌ها فتوا داده اند. جمع بین روایات بالا با روایتی که از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وارد شده و سخن فقها در این است که بگوییم، منظور از صحت در احادیث فوق این است که «چنین روزه‌ای مورد قبول خداوند است» و منظور از صحت در کلام فقها این است که «چنین روزه‌ای قضای آن را ساقط می‌کند». خلاصه این که روزه صحیح و کاملی که خدا برای کامل نمودن روزه‌دار مقرر فرموده، قطعاً شامل خودداری اعضای بدن از گناه می‌باشد، و روزه کامل‌تر این است که علاوه بر آن، قلب را از یاد غیر خدا باز داشته و از هر چه غیر اوست روزه بگیرد. هنگامی که انسان ماهیت روزه، درجات و فلسفه تشریع آن را فهمید، ناچار باید از هر گناه و حرامی، به خاطر قبول روزه اش خودداری کند، و الا مسئول بوده و به خاطر اینکه اعضای بدنش روزه نگرفته‌اند، مجازات می‌شود، و ساقط شدن قضای روزه به این معنا نیست که انسان را در روز قیامت از مجازات نجات دهد. [میرزا جواد، ملکی تبریزی، ترجمه المراقبات، ص ۲۱۰]

ویژگی قائمین : وَ قِيَامِي فِيهِ قِيَامُ الْقَائِمِينَ ، خدایا در ماه رمضان قیام مرا قیام قائمین قرار بده؛ یعنی شب که نماز شب می‌خوانم، قیامم قیام قائمین باشد، قائمین آن‌هایی هستند که در نماز از خوف خدا گریه و زاری می‌کنند. باید نماز، نمازی باشد که از روی عشق باشد؛ چرا که خروس هم نماز شب می‌خواند، ولی عشق ندارد لذا شاعر گفته: ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز - کان سوخته را جان شد و آواز نیامد [گلستان سعدی]. «قیام ما را قیام قائمین قرار بده»؛ یعنی نماز مرا نماز عاشقانه قرار بده؛ برای نماز شب از خواب باید بپريم نه اینکه ساعت کوک کنیم تا بیدار شویم. بعد دیگری که از این قسمت از دعا برداشت میشود اینست که؛ در اینجا منظور از قیام شاید اقامه نماز و یا به عبارت دیگر هر نوع برخاستی که امر خیری در آن باشد، همانند (بیداری در سحرهای ماه رمضان برای سحری خوردن و یا دعا و مناجات نمودن، افطار نمودن روزه، کمک

نمودن به مستمندان و...) که همه اینها نوعی قیام میباشد، فقط مهم اینست که هدف و قصد و نیت، رضای خداوند باشد یعنی اراده هرکاری را نمودیم فقط رضای خدا را در نظر بگیریم.

پرهیز از غفلت: وَ نَبِّهْنِي فِيهِ عَنْ نَوْمَةِ الْغَافِلِينَ، و در این روز اول ماه رمضان مرا از خواب غفلت بیدار بکن؛ این هم دعای خوبی است، گناه نکنیم هر لحظه ممکن است مرگ از راه برسد مثلاً فلان آقای فروشنده دارد آب توی شیر می‌ریزد، یک مرتبه سخته می‌کند، مرگ که خبر نمی‌کند و این‌ها غفلت است. امیر مؤمنان حضرت علی علیه‌السلام در نامه ای به یکی از صحابه خویش می‌نویسد: «تدارک مابقی من عمرک ولا تقل غدا بعد غد فانما هلك من كان قبلک باقامتهم علی الامانی و التسویف حتی اقامهم امر الله بغته و هم غافلون فنقلوا علی اعداؤهم الی قبورهم المظلمه الضیقه و قد اسلمهم الا و لا دوا الا هرن» [الکافی ج ۳ ص ۳۵۱] یعنی "پس باقیمانده عمرت را دریاب و نگو فردا بعد از فردا (چنین خواهیم نمود) همانا انسان‌های قبل از تو به خاطر آرزوها و به تأخیر انداختن‌ها هلاک شدند تا ناگهان امر خداوند (یعنی مرگشان) فرا رسید و آن‌ها غافل بودند، پس بر روی چوب‌هایشان (تابوت‌هایشان) به سوی قبرهای تاریک و تنگ خود منتقل شدند و فرزندان و خویشان و دانش‌آنان‌ها را تسلیم (گور) نمودند" پس در اینجا در می‌یابیم که اکثر انسان‌ها در خواب غفلت به سر می‌برند، خوابی که انسان را از معبود و پروردگار خویش جدا می‌سازد، خوابی که چشمان انسان در آن باز است اما دل انسان واقعیت‌ها را نمی‌بیند. پس در این روز از خداوند می‌خواهیم که ما را از خواب غفلتی که انسان را به هلاکت و نابودی می‌کشانند بیدار نموده و نجات بخشد... "روزه ای است که روزه‌دار علاوه بر اینکه از خوردن و آشامیدن خودداری می‌کند اعضاء و جوارحش هم روزه دارد؛ چشمش را هم از معصیت می‌بندد؛ سحر که روزه می‌گیرد نیت می‌کند که خدایا من همه اعضاء و جوارح من روزه است؛ گوشم غیبت نمی‌شنود، زبانم غیبت نمی‌کند، و... این روزه خاص است.

بخشایش جرم: وَ هَبْ لِي جُرْمِي فِيهِ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ وَاعْفُ عَنِّي يَا عَافِيَا عَنِ الْمُجْرِمِينَ. و بخشش گناهم را در آن ای معبود جهانیان، و از من درگذر، ای در گذرنده از گناه کاران. اگر بنا باشد که خداوند با «عدل» با بندگان رفتار کند، کمتر کسی است که بتواند از عذاب و دوزخ نجات یابد. انسان‌ها گرفتار نافرمانی‌ها و خطاهایند، به اندازه ریگ بیابانها، و موج دریاها و برگ درختان و قطرات باران، اما آنچه بیش از اینهاست، کرم و بخشش خداست. خطاپوشی از صفات خداست، چرا که او «ستار العیوب» است، و بخشایش گناه، از ویژگیهای اوست، چرا که خداوند، «غفار الذنوب» است. اوست که میبخشد و عذاب می‌کند، اوست که میپذیرد و رد نمی‌کند، اوست که از «جرم»، درمیگذرد، پاداش و کیفر می‌دهد. «يَذَرُهُمْ لِيَلْعَنُ الشَّيْءُ كُلُّ شَيْءٍ» [یس، آیه ۸۳].

#دعای روز دوم ماه رمضان

اَللّٰهُمَّ قَرِّبْنِيْ فِيْهِ اِلَى مَرْضَاتِكَ، وَجَنِّبْنِيْ فِيْهِ مِنْ سَخَطِكَ وَنَقِمَاتِكَ، وَوَفِّقْنِيْ فِيْهِ لِقِرَاءَةِ آيَاتِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ . خدایا مرا در این ماه به آنچه مورد رضایت و خشنودی تو است نزدیک کن، و از کارهایی که موجب ناراحتی و خشم و غضب و عقوبت تو است دور بدار، و برای خواندن آیات قرآن به من توفیق بده، به حق رحمت ای مهربان‌ترین مهربانان.

در این دعاچند نکته وجود دارد، ۱: موجبات رضایت و خشنودی پروردگار، ۲: موجبات خشم و غضب و عقوبت پروردگار، ۳: قرائت آیات پروردگار و قرآن مجید، ۴: رحمت رحمانی و رحیمی و اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ بودن خداوند .

جایگاه مقام رضا : «اَللّٰهُمَّ قَرِّبْنِيْ فِيْهِ اِلَى مَرْضَاتِكَ»؛ «خدایا مرا نزدیک کن به آنچه مورد رضای تو است». یعنی خداوند به آن اعمالی که مایه رضای تو است مرا نزدیک کن. مقام رضا مقام بالایی است که بندگان خالص خدا به آن می‌رسند و هر کسی لیاقت دست یابی به این مقام را ندارد. در پایان سوره مبارکه فجر که به سوره امام حسین (علیه‌السلام) مشهور است سخن از مقام رضا صحبت شده است، می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِيْ اِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً فَادْخُلِيْ فِيْ عِبَادِيْ وَ ادْخُلِيْ جَنَّاتِيْ» [فجر، آیه ۲۷-۳۰] ای نفس آرام گرفته به سوی پروردگارت باز گرد در حالی که تو از او راضی هستی و او از تو راضی، پس داخل بندگان من شو، و وارد بهشت من شو. حالات سیدالشهدا (علیه‌السلام) در روز عاشورا تجلّی مقام رضا است؛ حضرت در لحظات آخر تجلّی صبر و رضای خود را در قالب مناجات نشان داده است که از درک آن عاجزیم، آن کلمات و عبارات در حالی صادر شده است که خود غرق در خون بر روی زمین افتاده و در حالی است که او عزیزترین افراد خویش در مقابل چشمانش پَرِپَر شده و خاندانش در آستانه اسارت قرار گرفته اند. در فراز اول دعای این روز از خداوند می‌خواهیم که ما را به آنچه مورد رضای اوست نزدیک سازد؛ گامی برداریم و کاری انجام دهیم که مورد رضایت و خوشنودی او باشد؛ چون اعمال ما بر دو دسته است: دسته اول: کارهایی که ما را به خدا نزدیک می‌کند، دسته دوم: کارهایی که ما را از خدا دور می‌کند، در این فراز از خدا می‌خواهیم اعمال و کارهای ما را جزء اعمال دسته اول قرار دهد. اولین تقاضای روزه دار باتقوا (پرهیزگار) رضایت پروردگار است. آن گونه که از قرآن استفاده می‌شود، نعمت‌های جاودان بهشت برای مؤمنان آماده شده، ولی بالاترین نعمت برای این مؤمنان، رضایت خداوند است. «وَعَدَ اللّٰهُ الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ خَالِدِيْنَ فِيْهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِيْ جَنَّاتِ عَدْنٍ وَ رِضْوَانٌ مِنَ اللّٰهِ اَكْبَرُ ذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ» [توبه، آیه ۷۲] .

نشانه رضایت خدا : امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) فرمودند: «نشانه رضایت خداوند از بنده، رضایت بنده به تمام مقدرات خداوند است (چه آن مقدرات خوش آیند، و چه ناخوشایند باشند)». چگونه بدانیم خدا از ما راضی است؟! در دعای امروز از خداوند می‌خواهیم در ماه رمضان کاری کند که به رضایت و خشنودی او نزدیک بشویم؛ در روایت وارد شده، اگر می‌خواهی بدانی خدا از تو راضی است، ببین که تو از خدا راضی هستی یا نه؟! بعضی‌ها از خدا راضی نیستند و به درگاه الهی گله می‌کنند که خدایا چرا همه دارند و من ندارم؟! یا چرا همه سالم اند و من مریضم؟! نباید این طور حالتی داشت بلکه باید در هر حالتی که هستی از خدا راضی باشی. پس اگر می‌خواهی بدانی خدا از تو راضی است یا نه؛ به دلت مراجعه کن، ببین در زندگی از خدا راضی هستی؟! اگر راضی هستی بدان که خدا هم از تو راضی است و اگر در گوشه دلت از خدا ناراضی هستی؛ متوجه باش که خدا هم از تو ناراضی است. تعجب خداوند از سه گروه : خداوند از سه گروه تعجب می‌کند . در روایت آمده است که خدای تبارک و تعالی از سه گروه تعجب می‌کند! ۱. کسی که نماز می‌خواند و می‌داند مقابل چه خدایی ایستاده است، ولی در نماز حضور قلب ندارد و حواسش به نماز نیست. بزرگی می‌گفت: ما باید از نماز خواندنمان هم استغفارکنیم. عاصیان از گناه توبه کنند، عارفان از عبادت استغفار کنند. [حکایت دوم گلستان سعدی]. ۲. کسی که عمری است روزی خدا را می‌خورد و غصه روزی فردا را دارد. ۳. کسی که می‌خندد در حالی که نمی‌داند خدا از او راضی هست یا نه!

مصادیق رضا و سخط الهی : اینک به بیان مختصر چند نمونه، از مصادیق رضا و سخط الهی در روایات می‌پردازیم: امام باقر (علیه‌السلام) فرمودند: «خشنودی خداوند بلند مرتبه در اطاعت از امام، پس از کسب معرفت اوست». [الکافی، ج ۱، ص ۱۸۵]. در حدیث دیگری نیز امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) فرمودند: «نشانه رضایت خداوند از بنده، رضایت بنده به تمام مقدرات خداوند است (چه آن مقدرات خوش آیند، و چه ناخوشایند باشند)». [غررالحکم، ص ۱۰۴]. پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند: «رضایت خدا در رضایت پدر و مادر و خشم خداوند در خشم آنهاست» [مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۷۶]

پرهیز از خشم و سخط الهی : «وَجَنِّبْنِي فِيهِ مِنْ سَخَطِكَ وَ نِقْمَاتِكَ» سخط در مقابل رضا است و نقمت به معنای غضب است. معنای این فراز از دعا آن است که «خدایا! از کارهایی که موجب ناراحتی و خشم و غضب توست، من را دور مدار.» خدایا کاری نکنم که در ماه رمضان از من ناراضی باشی.

اهمیت تلاوت قرآن کریم : «و وَفَّقْنِي فِيهِ لِقِرَاءَةِ آيَاتِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»؛ «و برای خواندن آیات قرآن به من توفیق ده، به حق رحمت‌ای مهربان‌ترین مهربانان!». ماه مبارک رمضان ماه قرآن و بهار تلاوت قرآن است. حضرت زین العابدین (علیه السلام) در ماه مبارک رمضان چهل بار ختم قرآن می‌کردند. یعنی هر روز یک ختم کامل به علاوه یک مقدار اضافه‌تر. امام خمینی نیز با توجه به این که بار بسیار سنگین رهبری انقلاب و مرجعیت دینی را بر دوش داشتند، با توجه به کهولت سن و کسالتی که داشتند، ولی با این همه مقید بودند که در ماه مبارک رمضان، روزی ده جزء از قرآن را تلاوت می‌کردند و تمام جلسات سخنرانی خود را تعطیل می‌کردند. ماه رمضان ماه نزول قرآن در مهمترین شب آن یعنی شب قدر است، تلاوت قرآن در ماه مبارک رمضان جلوه خاصی دارد و بسیار با اهمیت است چنان که در این فراز از دعا از خداوند می‌خواهیم توفیق تلاوت در ماه مبارک را داشته باشیم. کفعمی در ثواب این دعا نقل کرده است: «کسی که این دعا را بخواند، خدای تبارک و تعالی به ازای هر گام او یک سال عبادتی که روزهای آن را روزه باشد و شب‌های آن را به عبادت گذرانده باشد عطا می‌کند.» این‌ها همه تفصّل خداوندی است که راه میان بر برای بندگان خویش می‌نمایاند، و آنان را برای پیمودن این راه تشویق و ترغیب می‌سازد، این گونه تشویق‌ها برای بیان لزوم ایجاد ظرفیت و فراهم آوری زمینه برخورداری انسان از نعمت‌های ویژه‌ای است که در این ماه وجود دارد.

فواید و ثواب تلاوت قرآن : در قرآن کریم و روایات ماثوره و سیره اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مطالب فراوانی در آثار، فواید و ثواب تلاوت قرآن و آداب آن ذکر شده است که به نمونه‌هایی از آن می‌پردازیم: قرآن می‌فرماید: «فَأَقْرَؤُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ»؛ [مزل، آیه ۲۰] هر چه می‌توانید قرآن تلاوت کنید. «وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا»؛ [مزل، آیه ۴] قرآن را آرام و شمرده و با دقت و تأمل بخوان. «فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»؛ [نحل، آیه ۸۹] هر گاه قرآن تلاوت کردی، پس از شیطان رانده شده به خداوند پناه ببر. «ماه رمضان ماه قرآن است و باید قرآن خواند؛ اگر کسی می‌خواهد زنگار دلش پاک بشود، باید موقع سحر قرآن بخواند. دل ما با گناه زنگ می‌زند برای پاک شدن زنگ دل چند کار را باید انجام داد: یکی اینکه در سحرها قرآن بخوانیم [ارشاد القلوب، ترجمه رضایی، ج ۱، ص ۱۹۱]. امام صادق علیه السلام فرموده است: «قرآن، عهد خدا با خلق است و سزاوار است که هر مسلمان، به این «عهدنامه» نگاه کند و هر روز مقداری (۵۰ آیه) از آن را بخواند.» [القرآن عهد الله الی خلقه، فقد ینبغی للمراء المسلم أن ینظر فی عهده و أن یقرء منه فی کل یوم خمسین آیه. جامع الاخبار، ج ۱، ص ۳۳۵]. برحمتک یا ارحم الراحمین . به حق رحمت و مهربانیت ای مهربان‌ترین مهربانان.

#دعای روز سوم ماه رمضان

اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِيْ فِيْهِ الدَّهْنَ وَالتَّنْبِيَةَ، وَبَاعِدْنِيْ فِيْهِ مِنَ السَّفَاهَةِ وَالتَّمْوِيهِ، وَاجْعَلْ لِّيْ نَصِيْباً مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تُنْزِلُ فِيْهِ، بِجُودِكَ يَا اَجْوَدَ الْاَجْوَدِيْنَ. خدایا در این ماه مرا ذهن و حافظه خوب و تیزهوشی و هشیاری و بیداری نصیب فرما، و از سفاهت و تزویر و بی‌خردی و جهالت و کار باطل و اشتباه دور گردان، و از هر خیر و خوبی و نیکی که بر بندگان خوبت نازل میکنی بهره ای نصیب من فرما، به حق جود و کرم، ای جود و بخشش دارترین عالم.

در این دعاچند نکته وجود دارد، ۱: داشتن ذهن و حافظه خوب و تیزهوشی و هشیاری و بیداری و آگاهی، ۲: دور شدن از سفاهت و تزویر و بی‌خردی و جهالت و کار باطل و اشتباه، ۳: بهره بردن از خیر و خوبی و نیکی، ۴: جود و بخشش بی‌حدومرز خداوند.

هوشیاری و داشتن حافظه قوی : «اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِيْ فِيْهِ الدَّهْنَ وَالتَّنْبِيَةَ» خدایا در این ماه رمضان روزی کن که من هوشیار بشوم و حافظه «قوی» پیدا کنم. «ذهن» و «تنبیه»، دو نعمت گرانبه‌تر است که در این دعا از خدا می‌خواهیم. اگر این دو نباشد، دیگر کدام آینده نگری و روشن بینی و «خودآگاهی» و توجه و بصیرت پیدا می‌شود که دستگیر انسان باشد؟ اگر از خداوند، این دو مشعل روشن‌گر و راهگشا را می‌طلبیم، باید از هرچه که خرد را تیره و جان را آلوده می‌کند و از هرچه غفلت‌آور است خود را دور بکشیم، تا چراغ ذهن و مشعل تنبیه، بتواند راه را بنمایاند. وگرنه... «انارة العقل مكسوف» . هواپرستی، فروغ خرد را می‌پوشاند و خورشید عقل را در کسوف کلی قرار می‌دهد...

علت ضعیفی حافظه : یکی از نعمت‌های بزرگ خدا ذهن است در این دعا از خدا درخواست ذهن و حافظه می‌کنیم، اگر می‌بینید حافظه ضعیف است و حافظه درست و حسابی نداریم علت آن گناه است؛ به نامحرم که نگاه کنی حافظه می‌رود. شخصی به دانشمندی مراجعه می‌کند و می‌گوید؛ من حافظه ندارم آن دانشمند گفت: گناه نکن و علت آن را هم ذکر کرد و گفت: علم یک نوع فضیلت و برتری است و خدا این برتری را به شخص گناه کار نمی‌دهد لذا کسی که اهل گناه است مجتهد و ملا نمی‌شود و اگر بخواهد ملا بشود و به درد مردم بخورد باید حافظه داشته باشد و لازمه آن ترک گناه است. مرحوم آیت‌الله بروجردی گاهی در درس شعرهای سیوطی می‌خواندند؛ با این که حدود هفتاد الی هشتاد سال از زمانی که سیوطی می‌خواندند و مجتهد شده بودند فاصله بود، ولی به علت دوری از گناه از حافظه بسیاری قوی برخوردار بودند.

دعایی برای تقویت حافظه : خدایا در این روز مرا از کارهای باطل و سفیهانه دور گردان؛ غیبت نکنم، دروغ نگویم و.. سفاهت به معنای؛ کار بی‌خردانه و بچگانه است پس از خدا؛ حافظه

بخواهیم و ترک گناه کنیم؛ این دعا را هم بعد از هر نماز بخوانید: عَنِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله وسلم) قَالَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَحْفَظَ كُلَّمَا تَسْمَعُ وَتَقْرَأَ فَادْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ وَهُوَ «سُبْحَانَ مَنْ لَا يَعْتَدِي عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَأْخُذُ أَهْلَ الْأَرْضِ بِالْوَأَنِ الْعَذَابِ سُبْحَانَ الرَّؤُوفِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِي قَلْبِي ذُورًا وَبَصْرًا وَفَهْمًا وَعِلْمًا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله وسلم) در این حدیث

خطاب به امیرالمومنین علی بن ابیطالب (عليه السلام) می‌فرماید: ای علی؛ اگر می‌خواهی که هر چیزی را که می‌شنوی و مطالعه و قرائت می‌کنی بخاطر بسیاری بعد از هر نماز این دعا را بخوان «سبحان من لا يعتدي...» [مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۷۸] که باعث تقویت حافظه می‌شود؛ قرآن حفظ کنید؛ حافظه زیاد می‌شود؛ خواندن آیت الکرسی حافظه را زیاد می‌کند و...
معنای سفاقت و تمویه : «وَبَاعِدْنِي فِيهِ مِنَ السَّفَاهَةِ وَالتَّمْوِيهِ». خدایا در این ماه مرا از سفاقت و تمویه دور کن، سفاقت درست مقابل ذهن و آگاهی است؛ سفیه کسی است که حقیقت را نمی‌فهمد و گاهی سفاقت در مقابل رشد به کار می‌رود؛ رشد یعنی رو به تکامل بودن و لازمه رشد درک حقیقت است پس سفاقت به معنی نفهمی و جهالت است، اما کلمه تمویه به معنای ظاهر سازی کردن و حقیقت را به گونه دیگری جلوه دادن است، در حقیقت تمویه در مقابل تنبیه است در تنبیه شخص، آگاه نسبت به حقیقت شی است. اما در تمویه، با یک ظاهر سازی؛ خلاف حقیقت را در ذهن خود جای داده است، بشر برای سعادت خود باید هم حقایق را بفهمد و هم مراقب باشد که امر غیر واقعی به جای امر واقعی در ذهنش ننشیند.

خواستن سهمی از هر نیکی : «وَاجْعَلْ لِي نَصِيبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تُنْزِلُ فِيهِ» مؤمن، در هر چه هم قناعت کند، در «طلب خیر»، آن هم از سرچشمه خیر و منبع فیض (الله) قانع نیست و می‌خواهد که در هر خیری که خدا نازل می‌کند، بهره و نصیبی داشته باشد. این خواسته، وسعت نظر و همت بلند «دعاخوان» را می‌رساند. وقتی طرف خواسته ما، خداوند است، که دریای جود و بخشش است، بزرگی او اقتضای آن را دارد که حاجت بزرگ نیز از او بطلبیم. در زیر این آسمان، دستهای بسیاری به طلب، به درگاه خدا بلند است. زیر سپهر، دست دعا موج می‌زند... (صائب) و خیلی‌ها، به خواسته‌هایشان می‌رسند و با دعا، از آستان الهی، رحمت و خیر را فرود می‌آورند. شرکت در همه این خیر و برکت‌ها و سهم و بهره داشتن در همه این تفضّل‌ها کم چیزی نیست! چه دعایی زیبا و پرباری! راستی که «خواستن» را هم باید از اولیاء خدا آموخت. خدایا... از هر خیری که در این روز نازل می‌کنی، مرا نیز بهره مند ساز!...

درخواست خیر از خدا: «وَاجْعَلْ لِي نَصِيباً مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تُنْزِلُ فِيهِ» همه خیرها در این فراز است، خدایا نصیب و بهره‌ای از هر خیری که در این ماه نازل می‌کنی روزیم فرما؛ ماه رمضان، ماه نزول جمیع خیرات است، میهمانی‌های خدایی است که اکرم الاکرمین است و در حقیقت کریمی جز او نداریم، آنگاه از چنین کریمی درخواست می‌کنیم که هر خیری که در این ماه داری روزی ما بفرما این درخواست بسیار مهمی است. خوشا به حال کسانی که با روزه‌داری کامل در اخلاق و رفتار به این دعا مترنم هستند و از خداوند چنین خیری را می‌خواهند و خدا هم با کرم خویش به ایشان لطف می‌کند، مهم این است شخصی که دعا را می‌خواند، متوجه این مطلب باشد، این دعا چقدر توسعه دارد. وَاجْعَلْ لِي نَصِيباً مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تُنْزِلُ فِيهِ؛ دعا کننده در این عبارت، انواع خیرات را درخواست می‌کند، سؤال می‌کنیم، انواع خیرات را برای کجا می‌خواهد؟ در این دنیا، یا در آخرت و یا در عالم برزخ؟ دایره این دعا وسیع است و همه عوالم وجودی را در بر دارد، حتی در زندگی شخصی و اجتماعی خویش خیراتی متصور است که از خدا می‌خواهیم که ما را از همه این خیرات بهره‌مند گرداند.

معنا و مقام جود: «يَجُودُكَ يَا أَجُودَ الْأَجُودِينَ». خدایا متوسل می‌شوم به مقام جوادیت تو. جود به بخشش رایگان بدون توقع عوض، اطلاق می‌گردد، خداوند جواد است و در مقابل همه نعمت‌هایی که داده است از ما مطالبه‌ای ندارد، اما این که او را اجود الاجودین می‌خوانیم، به دلیل این است که گاهی کثرات را می‌بینیم و گاهی توجهمان به واحد من جمیع الجهات است، تمام نعمت‌ها و از جمله جود از ذات احدیت سرچشمه گرفته است، بنابراین یک جواد بیش نداریم و هو الله و او خداست. هر گاه که یکی از بندگان گنه کار پریشان روزگار دست انابت به امید اجابت به درگاه حق جل و علا بردارد ایزد تعالی در وی نظر نکند بازش بخواند باز (دیگر بار) اعراض کند بازش به تضرع و زاری بخواند (باز اعراض فرماید، بار دیگرش به زاری بخواند) حق سبحانه و تعالی فرماید: يَا مَلَأْتُكَ قَدْ اسْتَحْيَيْتُ مِنْ عَبْدِي وَ لَيْسَ لَهُ غَيْرِي فَقَدْ غَفَرْتُ لَهُ. دعوتش را اجابت کردم و حاجتش بر آوردم که از بسیاری دعا و زاری بنده (دعوتش اجابت کردم و اومیدش بر آوردم که از بسیاری دعا) همی شرم دارم. بنابر روایتی از امام موسی کاظم علیه السلام، مراد از جود برای مخلوق غیر از جود خالق است. جودی که از مخلوق سر می‌زند عبارت است از ادای واجبات مالی (مانند زکات) که خدا بر بندگان فرض کرده است، اما خالق همواره جواد است خواه عطا کند و خواه امتناع ورزد؛ زیرا آنچه را او می‌دهد یا از دادن آن امتناع می‌ورزد، از آن مخلوق نیست. [وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۳۹]

#دعای روز چهارم ماه رمضان

اَللّٰهُمَّ قَوِّنِيْ فِيْهِ عَلٰى اِقَامَةِ اَمْرِكَ، وَادِقِّنِيْ فِيْهِ خِلَاوَةَ ذِكْرِكَ، وَ اَوْزِعْنِيْ فِيْهِ لِادَاءِ شُكْرِكَ بِكَرَمِكَ، وَ اخْفِظْنِيْ فِيْهِ بِحِفْظِكَ وَ سِتْرِكَ، يَا اَبْصَرَ النَّاطِرِيْنَ . خدایا مرا در این ماه برای برپا داشتن امرت قوت بده و نیرومند ساز، و به من شیرینی و خلوت ذکر را بچشان، و ادای شکر را با لطف و کرم به من الهام فرما و مرا برای ادای شکر را مهیا ساز، و مرا با حفظ و نگهداری و پوششت حفظ فرما و در پناه خودت قرارم بده، ای بیناترین بینایان و بینندگان.

در این دعا چند نکته وجود دارد، ۱: قوت و نیرو پیدا کردن برای پیاداشتن امر و فرمان خداوند، ۲: خلوت و شیرینی ذکر و یاد خدا، ۳: الهام شدن شکر نعمت به انسان و مهیا شدن برای شکر خدا، ۴: محفوظ شدن به حفظ و ستر خدا و قرار گرفتن در پناه خدا، و ابصر الناظرین بودن پروردگار .

قوه و نیرو در اقامه امر خدا : «اَللّٰهُمَّ قَوِّنِيْ فِيْهِ عَلٰى اِقَامَةِ اَمْرِكَ» خدایا به من قوه بده تا در ماه رمضان بتوانم به خوبی عبادت و امر تو را اطاعت و اجرا کنم. و اجرای «فرمان»، «نیرو» لازم دارد. هم قوت بدنی و هم قدرت فکری و هم تصمیم و اراده جدی، تا سخن خدا در روی زمین حاکم شود و فرمان حق، بر زمین نماند. عبادت هم قوه می‌خواهد و قوه عبادت غیر از قوه جسمانی است؛ نباید فراموش کرد قوت عبادت غیر از قوت بازو است. امام زین‌العابدین (علیه‌السلام) در دعای چهل و چهارم صحیفه سجاده چنین با خداوند مناجات می‌فرمایند؛ واعنا علی صیامه؛ یعنی: خدایا مرا برای روزه گرفتن در ماه مبارک رمضان یاری فرما. که اگر به مفهوم آن توجه نماییم می‌بینیم اولاً به پا داشتن روزه در ماه مبارک رمضان همان اقامه امر خداوند در این ماه می‌باشد، آن هم روزه واقعی که در دعای روز اول مختصراً در مورد آن شرحی داده شد، که مجدداً برای فهم بیشتر، اشاره می‌نماییم به ادامه دعا که آن حضرت می‌فرمایند: بکف الجوارح عن معاصیک؛ یعنی: ما را یاری کن تا بتوانیم اعضای بدن خود را از آلوده شدن به گناه و آنچه مورد پسند تو نیست بازداریم. که این قسمت از دعا نیز نشان دهنده این است که روزه واقعی تنها پرهیز از خوردن و آشامیدن نمی‌باشد بلکه تمام اعضا و جوارح انسان باید روزه‌دار باشد و امر به روزه نیز از طرف خداوند امر به روزه واقعی می‌باشد، ثانیاً برای انجام دادن هر امری نیاز به نیرو و قوه الهی داریم چرا که لا حول و لا قوه الا بالله العلی‌العظیم: نیست نیرو و قوتی مگر (از طرف) خداوند بلند مرتبه و بزرگ، و اگر خداوند در این امر ما را یاری نکند به واقع ما در انجام اعمال (چه عبادی و غیر عبادی) با شکست مواجه خواهیم شد. پس در این روز از خداوند می‌خواهیم که ما را در انجام اوامر و امرش نیرو و قوت بخشیده و یاریمان نماید. سال‌ها پیش در مشهد پیرمردی بود بالای صد سال عمر داشت ولی نمازهایش را ایستاده می‌خواند! همان

پیرمرد یک بار سبک را به زور بر می‌داشت بنابراین قوت عبادت غیر از قوت بدن است. در قدیم پدران ما دو ساعت به اذان برای عبادت در اتاقی خلوت می‌کردند و یک ساعت بعد از آفتاب از خلوت گاه خود بیرون می‌آمدند و دنبال کسب و کار می‌رفتند؛ تاجرهای ما هم این طوری بودند! دعا می‌خواندند؛ زیارت عاشورا می‌خواندند و... بعد به محل کسب می‌رفتند ولی الآن چه.....؟! لذا خیر و برکت هم کم شده است. امیرالمومنین (علیه‌السلام) نان خشک را نمی‌توانست بشکند، ولی قلعه خیبر را فتح کردند و آن رشادت‌ها را آفریدند و یاران ایشان گفتند: شما با این شجاعت و... چطور نان خشک را نمی‌توانید بشکنید، حضرت فرمودند: آن به قوه روحانی بود و این به قوه جسمانی است. [بحارالانوار، ج ۲۱، ص ۲۶] لذا این دو قوه با هم دیگر تفاوت دارد، پس ممکن است شخصی شصت ساله باشد، ولی قوت عبادت او از جوانان بیشتر باشد لذا در ماه رمضان از خدادرخواست کنید که قوه عبادت به شما بدهد. در دعای کمیل هم این دعا از خدا خواسته میشود که «قَوْلُ عَلِيٍّ خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي» [اقبال الاعمال، ص ۱۲۵، مفاتیح الجنان، ص ۳۱۹ و ص ۱۲۰]

حلاوت و شیرینی یاد خدا : «وَأَذِقْنِي فِيهِ حَلَاوَةَ ذِكْرِكَ»، یاد خدا کردن، لذت و حلاوتی دارد، اما برای کسی که به گنج «معرفت»، دست یافته باشد. «ذکر» بی معرفت، جز تکرار کلماتی بر زبان نیست و اگر کسی خدا را شناخت، به او عشق می‌ورزد و دمامد از او یاد می‌کند. شناخت، محبت آور است، و محبت و عشق، عاشق و دوستدار را به نام و یاد محبوب، مأنوس و دلگرم می‌کند. در این دعا می‌گوید : خدایا در این ماه رمضان یک درخواست دیگر هم از تو دارم و آن این است که حلاوت و شیرینی یاد خودت را به من بچشانی؛ که اگر این طور شد؛ دعای کمیل خواندن هم مزه پیدا می‌کند؛ دعای ابو حمزه خواندن هم مزه پیدا می‌کند؛ دعای افتتاح مزه می‌کند؛ روزه ماه مبارک رمضان مزه می‌کند و... بدانیم که عبادت هم مزه دارد. در روایت وارد شده است اگر عالمی به علمش عمل نکند کم‌ترین غذایی که خدا برای او در نظر می‌گیرد این است که حلاوت و شیرینی مناجات با خدا از او گرفته می‌شود «إِنَّ أَذْنِي مَا أَنَا صَانِعٌ يَهْمُ أَنْ أَتَزَعُ حَلَاوَةَ مُنَاجَاتِي عَنْ قُلُوبِهِمْ» [اصول کافی، ج ۱، ص ۴۶] پس دعا و عبادت مزه دارد.

معنای شکر : «وَأَوْزِعْنِي فِيهِ لِأَدَاءِ شُكْرِكَ بِكَرَمِكَ» خدایا به کرمت به من توفیق اداء شکر را بده. شکر به چه معنا است؟ آیا صرف گفتن «الهی شکر» گفتن است؟ تشکر از خداوند است؟ شکر یعنی اینکه نعمتهایی که خداوند تبارک و تعالی به من داده است را درست و بجا مصرف کنم؛ در مسیر طاعت و بندگی‌اش استفاده کنیم نه در راه معصیت و نافرمانی. اینکه چشم به نامحرم نگاه نکند شکر چشم است؛ اگر گوش از آواز حرام و غیبت دوری بکند، شکر گوش سالم است؛ زبان هم اگر غیبت نکند شکر زبان کرده ام. شکر نعمت نعمت افزون کند کفر نعمت از

گفت بیرون کند. شکر، گام دوّمی است، که قدم اوّل آن، شناخت نعمت است. شکر، بر نعمت است و تا نعمت را نشناسی، شکر کردن از دل، بر زبان نخواهد آمد. خداوند هزاران نعمت آشکار و نهان به ما عطا کرده. به فرموده خدا: **وَإِنْ تَعْلُوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ** «اگر بخواهید نعمتهای خداوند را بشمارید، نخواهید توانست» [ابراهیم، آیه ۳۴]. پس، شکر نعمتها هم آنگونه که شاید و باید، در توان و قدرت ما نیست. سعدی گفته است: از دست و زبان که برآید - کز عهده شکرش به در آید؟ . ما، در نفس نفس مان، مدیون خداییم و به قول سعدی، در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب... در گلستان خوانده اید که: «هیچ وقت از درد و مصیبتی ننالیده بودم، تا اینکه موقعی کفش نداشتم، پا برهنه بودم. زاری و شکوه کردم. به مسجدی رفتم. دیدم کسی پاندارد. گفتم: شکر، که من اگر کفش ندارم، پا دارم...». باید توفیق شکرگزاری نعمت ها را هم از خدا بخواهیم، که اگر قدرتی برشکر بیابیم، این هم نعمتی است از خدا و بر همین هم شکری دیگر لازم است. باید در اقرار و اعترافمان، زبان به یاد نعمتها بگشائیم: «شکر لفظی»، و در عمل، از نعمتهای خدا، آنگونه که خواسته اوست، استفاده کرده و هر نعمت را در جای خودش مورد استفاده قرار دهیم: «شکر عملی»، و شکر عملی مهمتر از شکر لفظی است.

حفظ از گناه : «وَ احْفَظْنِي فِيهِ بِحِفْظِكَ وَ سِتْرِكَ» ای خدایی که از همه کسانی که نظر می‌کنند، تو بصیرتر هستی؛ ای خدایی که از همه بیناتر هستی به ما توفیق بده که ما در ماه رمضان گناه نکنیم به حفظ خودت و به ستر خودت وَ احْفَظْنِي فِيهِ بِحِفْظِكَ وَ سِتْرِكَ ، خدایا در روز چهارم ماه رمضان من را از گناه حفظ کن و توفیق ترک گناه بده تو ستار العیوب هستی من را حفظم کن تا کسی از گناهان من با خبر نشود. هنگامی که انسان به خداوند توکل نموده و امور خود را به خداوند بسپارد آنگاه است که خداوند او را از تسلط یافتن شیطان بر او حفظ می‌نماید و هنگامی که انسان از وسوسه‌های شیطانی محفوظ بماند دیگر گناهی از او سر نخواهد زد و دیگر آن که خداوند ستار العیوب است یعنی عیوب انسان‌ها را که سرچشمه از خطا و گناهان آنان دارد، می‌پوشاند مگر اینکه انسان خود پرده دری نموده و بر اثر اصرار بر گناه و خطا، عیوب خود را برای دیگران آشکار سازد، پس در این روز از خداوندی که بیناترین بینایان است و بر اعمال ما نظارت دارد می‌خواهیم که ما را از انجام گناهان و پرده دری گناهان محفوظ بدارد.

خداوند أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ است : يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ ، ای خدایی که از همه کسانی که نظر می‌کنند، تو بصیرتر هستی؛ ای خدایی که از همه بیناتر هستی به ما توفیق بده که ما در ماه رمضان گناه نکنیم به حفظ خودت و به ستر خودت.

#دعای روز پنجم ماه رمضان

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِيْ فِيْهِ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِيْنَ، وَاجْعَلْنِيْ فِيْهِ مِنْ عِبَادِكَ الصّٰلِحِيْنَ الْقَانِتِيْنَ، وَاجْعَلْنِيْ فِيْهِ مِنْ اَوْلِيَائِكَ الْمُقَرَّبِيْنَ، بِرَأْفَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ . خدايا در اين ماه مرا از استغفار كنندگان و آمرزش جويان و آمرزش خواهان قرار ده، و مرا از بندگان صالح و شايسته و مطيع و فرمانبردارت قرار بده، و مرا از دوستان مقرب درگاهت قرار بده، اى مهربان‌ترين مهربانان .

در اين دعاچند نکته وجود دارد، ۱: استغفار كردن و قرار گرفتن در زمره مستغفرين «خاصه مستغفرين بالاسحار»، ۲: قرارگرفتن در زمره بندگان صالح و مطيع و فرمانبردار خدا، ۳: قرارگرفتن در زمره اولياء مقرب خداوند، ۴: رافت و عطايت و مهربانى پروردگار و اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ بودن خداوند. **شرط از مستغفرين شدن :** «اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِيْ فِيْهِ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِيْنَ» خدايا من را در اين ماه رمضان جزو مستغفرين قرار بده، خدايا مرا از مستغفرين قرار بده! يعنى اينكه واقعاً استغفار كنم و اگر مال حرامى دارم، آن را حلال كنم. به گناهى كه قبلاً كردم فكر نكنم و از آن لذت نبرم. حالا زباني هم استغفار كنيم، خوب است. بعد از نماز مغرب هم هفتاد بار استغفار وارد است. اگر در گرفتارى هستيد، اگر مشكل ازدواج داريد، اگر منزل مى‌خواهيد، استغفار كنيد، خدا گره از كارهاتان باز مى‌كند. اما بايد شرايط استغفار را هم مراعات كرد. براى استغفار، بايد شرايط استغفار را داشت. كسى كه مال حرام خورده كه با استغفار كارش درست نمى‌شود. بايد برود و صاحبان مال را راضى كند. با مال حرام و رشوه و ربا رشد كرده اى، حال كه توبه مى‌كنى بايد بروى سود ربا را به صاحبان آن بازگردانى. غذاى كم و حلال بخورى تا گوشت‌هاى تنت كه با مال حرام پرورش يافته اند، آب شوند. كسى كه شب تا صبح پاى كار حرام نشسته، بايد شب‌هاى قدر احيا نگه دارد و عبادت كند تا جبران آن شبها بشود .

نتيجه‌ى استغفار كردن چيست ؟ : «من اكثر الاستغفار» كسى كه زياد استغفار كند، چند چيز به دست مى‌آورد: «جعل الله له من كل هم و غم فرجا» اگر غم و غصه دارد، غم و غصه اش بيرون مى‌آيد. دوم: «من كل خوف امانا» گاهى اخبار ناخوشايند را مى‌دهند. اگر استغفار كنى، هيچ خبرى نمى‌شود. اگر استغفار كرده اى از كسى نترس و فقط از خدا بترس. سوم «من كل ضيق مخرجاً» صاحب‌خانه تو را جواب كرده؟ سفته‌هايت عقب افتاده؟ گرفتارى؟ اگر استغفار كنى همه اين‌ها درست مى‌شود. اگر در گرفتارى هستيد، اگر مشكل ازدواج داريد، اگر منزل مى‌خواهيد، استغفار كنيد، خدا گره از كارهاتان باز مى‌كند. اما بايد شرايط استغفار را هم مراعات كرد. و چهارم اينكه «ورزقه من حيث لا يحتسب» از جايى كه گمان ندارى و فكرش را نمى‌كنيم روزى مى‌رسد. همسفر خوب پيدا مى‌كنى، يك زن خوب نصيبت مى‌شود و... [وسائل الشيعه،

ج ۴، ص ۱۱۹۸ و ۱۱۹۹]. رسول خدا(ص): «مَنْ أَكْثَرَ الْإِسْتِغْفَارَ جَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْ كُلِّ هَمٍّ فَرَجاً وَ مِنْ كُلِّ ضِيقٍ مَخْرَجاً وَ يَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»؛ کسی که زیاد استغفار گوید و از خدا عذرخواهی کند، خداوند از هر غصه‌ای برایش گشایشی قرار دهد و از هر تنگنایی راه فراری پیش پایش گذارد و او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد. (وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۷۶).

شرایط استغفار چیست؟ : شخصی در محضر حضرت علی (علیه‌السلام) گفت: استغفرالله، امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) فرمود: مادرت به عزایت گریه نماید، آیا می‌دانی استغفار چیست؟ همانا استغفار درجه‌علیین است و آن اسمی است که به شش معنی واقع می‌گردد: اول پشیمانی بر گذشته می‌باشد، دوم عزم و اراده برای دوری از آن گناه تا ابد، سوم حق مخلوقات را ادا نمایی تا خدا را پاک و مطهر ملاقات کنی و حقی از مخلوقات بر عهده تو نباشد، چهارم اینکه به سوی هر فریضه‌ای که ضایع نموده‌ای روی آورده و حق آن را ادا کنی، پنجم اینکه گوشتی را که به واسطه حرام روییده شده به واسطه اندوه‌ها آب کنی تا پوست به استخوان چسبیده و گوشت تازه بین آن‌ها روییده شود و ششم اینکه درد و رنج فرمان برداری و اطاعت را به جسم بجشانی چنان چه شیرینی معصیت را به آن چشانده بودی، پس در آن هنگام می‌توانی بگویی: استغفرالله، [نهج‌البلاغه، حکمت ۴۱۷].

بنده صالح وقانت خداوند : «وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ» خدایا من را از بندگان شایسته خودت قرار بده. فرمانبردار تو باشم. اطاعت تو را کنم. خدا آدم فرمانبردار را دوست دارد. هنگامی که بنده در پیشگاه خداوند دارای مقام و منزلت است که واجبات الهی را انجام داده و از محرمات او بپرهیزد. آنگاه است که آن بنده به عنوان بنده صالح که مطیع پروردگار خویش است قرار خواهد گرفت که در این روز ما نیز از خداوند می‌خواهیم که ما را جزء بندگان صالح که مطیع اوامر او می‌باشند، قرار دهد. بنده صالح، کسی است که «صالحات» را انجام دهد، اعمال خوب و شایسته و بجا و مفید و خداپسند. در قرآن کریم، حضرت شعیب، بنده صالح به شمار رفته است. شعیب، مردم را به خداپرستی، وزن و سنجش عادلانه در روابط اقتصادی و فساد نکردن در زمین دعوت می‌کرد. (سوره هود، آیات ۸۴ تا ۸۸). در آیه ای دیگر، «صالحین»، کسانی به شمار رفته‌اند که به خدا و روز قیامت باور داشته باشند و به معروف، امر کنند و از منکر جلوگیری نمایند و در کارهای خوب، سرعت بگیرند. (آل عمران، آیه ۱۱۴). می‌بینیم، که در عمل و تفکر «عبد صالح» اینها نهفته است : - ایمان به مبدأ و معاد - تلاش در جهت قسط و عدالت اقتصادی - پیشتازی و پیشاهنگی در خوبیها - مبارزه با فساد و منکرات - گسترش معروف و خوبیها. اینها همه، نشان دهنده طاعت و اطاعت يك «بنده» از «خدا» است و

«قانت» نیز به معنای مطیع می باشد آن کس می تواند «عمل صالح» کند که «عبد صالح» و «بنده مطیع» و گوش به فرمان خداوند باشد.

مقرب شدن درگاه الهی: وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ أَوْلِيَّائِكَ الْمُقَرَّبِينَ، همان طور که در روایات و آیات آمده است کسانی مقرب درگاه الهی قرار می گیرند که هیچ گاه از یاد خداوند در تمام لحظات عمر و حیات خویش غافل نگردند و بندگی خدا را فقط برای رضای خداوند انجام دهند که برای فهم بیشتر به نمونه بارز آن حضرت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) اشاره می کنیم که در مناجات با خداوند چنین فرمودند: الهی ما عبدتك خوفاً من نارك و لا طمعاً في جنتك لكن وجدتك اهلاً للعبادة فعبرتك؛ بار خدایا! تو را به خاطر ترس از جهنم و یا به جهت طمع به بهشت عبادت نمی کنم، بلکه تو را شایسته عبادت یافتم، پس تو را عبادت می کنم. [بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۲۷۸] ما نیز در این روز از خداوند می خواهیم که به حق لطف و رحمتش ما را از دوستان و اولیاء و مقربان درگاهش قرار دهد. انشاء الله که تابع باشیم. بهشت خدا جدا از بهشت معمول است، بهشت معمولی برای کسانی است که غذا و حوری می خواهند؛ اما آن‌ها که خود خدا را می خواهند و عبادت را برای خود خدا کردند و نه برای ترس از جهنم، آن‌ها در بهشت خدا وارد می شوند. آیه قرآن هم وجود دارد. «فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی» [فجر، آیه ۲۹ و ۳۰] از خدا بخواهیم که در آن بهشت قرار بگیریم. جنت فردوس، جنت عدن جنت‌های متعدد وجود دارد ولی جنت خدا عالی است.

اولیای خدا، شیطان و طاغوت: ولیّ خدا، یعنی دوست خدا، هم پیمان با خدا، هم جبهه و هماهنگ با جبهه خداپرستان و صف موّحدین. در قرآن در مورد اینگونه «ولایت»، که نوعی همبستگی، همدلی و هم خط بودن است، سه اصطلاح بیان شده است: ۱. اولیاء الشیطان. ۲. اولیاء الطاغوت. ۳. اولیاء الله. یعنی کسانی که شیطان، ولیّ و سررشته دار آنهاست، یا طاغوت، یا که در سایه آرام بخش و سازنده «ولایة الله» آرمیده اند. آنکه در «ولایت الله» قرار گیرد، هرگز در دلش ترس و هراسی و بیم و اندوهی راه نخواهد یافت. «إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَخَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (یونس، آیه ۶۲) (نفی ترس و غم از اولیاء خدا) آنکه «ولایت الله» را داشته باشد، از ظلمات به نور وارد می شود: «أَلِلَّهِ ءَوْلَىُّ الدِّينِ أَمْ نُوَايِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (بقره، آیه ۲۵۷). آنکه خداوند، ولیّ او باشد، به مبارزه در راه خدا و بر ضدّ طاغوت برمی خیزد. «اولیاء الله» کسانی اند که در صفات و چگونگی عمل، سنخیت و تشابهی با اوصاف الهی داشته باشند. اولیاء خدا اهل تقوا هستند. «إِنْ أَوْلِيَاءُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ». (انفال، آیه ۳۴).

بِرَأْفَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. به حق مهربانی‌ات، ای مهربان‌ترین مهربانان نزدیک‌ترین قرار ده.

#دعای روز ششم ماه رمضان

اَللّٰهُمَّ لَا تَحْذُلْنِيْ فِيْهِ لِتَعَرُّضِ مَعْصِيَّتِكَ، وَلَا تَضْرِبْنِيْ بِسِيَاطِ نَقْمَتِكَ، وَزَحْزِحْنِيْ فِيْهِ مِنْ مُّوْجِبَاتِ سَخَطِكَ، بِمَنْكَرِكَ وَاَيَادِيكَ يَا مُنْتَهٰى رَغْبَةِ الرَّاٰغِبِيْنَ . خدايا در اين ماه مرا به خاطر دست زدن به معصيت و نافرمانيت خوار مساز، و با تازيانه هاي انتقامت و نقيمتت و عذابت بر تن رنجور و كم توان من مزّن، و از موجبات خشم و غضبت دورم بدار، با مَنّت و بخششت و فضل و عطايت بر من ببخشاى اى نهايت آرزوى آرزومندان و دلبيستگى دلشدگان .

در اين دعاچند نکته وجود دارد، ۱: گرفتار ذلت و خواری شدن بخاطر معصيت و نافرمانی پروردگار، ۲: فرود آمدن تازيانه هاي نقيمت و عذاب بر گرده انسان بخاطر معصيت و نافرمانی پروردگار، ۳: دوری از موجبات خشم و غضب پروردگار، ۴: مَنّت و بخشش و فضل و عطای نهليت آرزوى آرزومندان و دلبيستگى دلشدگان .

ذلت و خواری بخاطر نافرمانی خدا : «اَللّٰهُمَّ لَا تَحْذُلْنِيْ فِيْهِ لِتَعَرُّضِ مَعْصِيَّتِكَ» هر انسانی هنگامی که معصيت پروردگار خویش را می‌نماید یقیناً با اصرار بر آن معصيت، روزی، خوار و ذلیل خواهد شد چرا که معصيت نمودن ذات اقدس الهی، به جنگ برخاستن با اوست، به طوری که خداوند امر به عملی می‌نماید و در مقابل بنده ای از آن سربلندی می‌نماید که در آن هنگام است که آن بنده در مقابل قدرت پروردگار عالمیان خوار و ذلیل خواهد شد. اما آن رؤفیت و رحمانیت خداوند است که از بندگان خویش به سرعت راضی گشته و آن‌ها را عفو می‌نماید به طوری که در دعای ابو حمزه ثمالی می‌خوانیم که: انت الهی وسع فضلا و اعظم حلما من ان تقایسنی بفعلی و خطیئتی و فالعفو، العفو، عفوا [مفاتیح الجنان، ص ۲۶۲] (خدايا) تویی معبود من، فضل تو گسترده‌تر و حلم تو بزرگ‌تر از آن است که مرا با عمل و خطایم بسنجی پس (از تو طلب عفو و بخشش دارم) مرا ببخش، مرا ببخش، مرا ببخش. پس در این روز ما هم از خداوند می‌خواهیم که ما را به واسطه گناهای که در هر لحظه از عمرمان انجام می‌دهیم خوار و ذلیلمان ننماید و گناهان ما را بیامزد. اهل گناه و لو اگر تحصیلات عالی رتبه دانشگاهی هم داشته باشد و لباس‌های فاخر به تن کند، باز هم خوار است. اما بندگی خدا را کردن باعث می‌شود تا محبت آن شخص به مقدار بسیار زیادی در دل دیگران باشد: قرآن می‌گوید: «إِنَّ الَّذِيْنَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» [مریم، آیه ۹۶] یعنی هر که ایمان بیاورد و عمل صالح بکند، ما هم دوستی‌اش را در دل مردم می‌افکنیم. مردم اهل عمل را دوست دارند.» «اهدنا الصراط المستقیم؛ (خدايا) ما را به راه راست هدایت نما، صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم

ولا الضالین [حمد آیه ۷۶] راه کسانی که بر آنان انعام فرموده ای نه راه کسانی که بر آنان غضب نموده ای و نه گمراهان»

نتیجه گناه : «وَلَا تَضُرُّنِي بِسَيِّئِ نَفْسِيكَ» تازیانه عذاب، نتیجه گناه انسان است. چه زمانی قهر خداوند انسان را می‌گیرد؟ خداوند بالاتر از آن است که ما بخواهیم در مورد صفات او صحبتی کنیم اما این را باید بدانیم هنگامی انسان مورد قهر الهی قرار می‌گیرد که دائماً به سرپیچی از دستورات الهی پرداخته و معصیت او را انجام دهد و ما این را باید در نظر داشته باشیم که خداوند هیچ نیازی به اطاعت و فرمان برداری بندگانش ندارد چرا که او بی نیازترین بی نیازان است «الله الصمد؛ [اخلاص، آیه ۲] خداوند بی نیاز است» و قهر الهی برای این است که انسان خود را شناخته و به سیر کمالات و خودسازی بپردازد تا به درجات عالی انسانی برسد چرا که اگر انسان رها گذاشته می‌شد تا به هر کاری که می‌خواست دست زند، آنگاه بود که دیگر هیچ انسانی با انسانیت در روی زمین زندگی نمی‌کرد. «ولولا فضل امه علیکم و رحمته لکنتم من الخاسرین؛ [بقره آیه ۶۴] و اگر فضل و رحمت خداوند شامل حال شما نبود هر آینه از زیان کاران بودید» و نباید این را فراموش کنیم که خداوند، ما را برای اینکه نافرمانی او را کنیم نیافریده است بلکه «وما خلقت الجن والانس الا ليعبدون؛ [ذاریات آیه ۵۶] و ما خلق نکردیم جن و انس را مگر ما را به یکتایی پرستش کنند» پس انسان جاهل و نادان چگونه از پروردگار خویش که بر مصلحت تمام بندگانش آگاه است سرپیچی نموده و به معصیت او مشغول می‌گردد، پس در این روز ما از خداوند می‌خواهیم که ما را جزء کسانی که قهر او بر آنان واجب گشته، قرار ندهد یعنی ما را از اطاعت کنندگان و فرمان برداران دستوراتش قرار دهد نه از نافرمانان و سرپیچی کنندگان... الان این گرفتاری‌هایی که گریبان عالم بشریت را فراگرفته است هر روز خبر از آمدن سیل و طوفان است، همه تازیانه عذاب است. جمله ذرات زمین و آسمان/ لشگر حقند گاه امتحان. سیل و رانش زمین، لشگر خدا هستند که برای عذاب بندگان مامور هستند و برای جلوگیری از آن‌ها نباید گناه کنیم.

موجبات غضب خدا : «وَزَخِرْ خُنِيَ فِيهِ مِنْ مُوجِبَاتِ سَخَطِكَ»، خدایا من را از موجبات سخطت دور گردان، چیزهایی که موجب سخط توست. روایتی است که برخی گناهان خدا را به غضب می‌آورد و آنگاه خدا قسم می‌خورد که به عزت و جلال خودم دیگر تو را آمرزش نمی‌کنم. حدیث هست که هفتاد گناه جاهل را می‌آمرزند قبل از آنکه یک گناه عالم را بیمارزند. در سوره حمد می‌خوانیم: «اهدنا الصراط المستقیم؛ [حمد آیه ۶] (خدایا) ما را به راه راست هدایت نما،

صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم ولضالین؛ [حمد آیه ۷] راه کسانی که بر آنان انعام فرموده ای نه راه کسانی که بر آنان غضب نموده ای و نه گمراهان.

مشمولین انعام خدا: انعمت علیهم چه کسانی هستند؟ جواب آن را که خداوند به چه کسانی نعمت داده است را می‌توانیم با یک آیه بیان نماییم: «و من یطع الله و الرسول فاولئک مع الذین انعم الله علیهم من النبیین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین و حسن اولئک رفیقاً؛ [نساء آیه ۶۹] یعنی: و آنان که خداوند و رسول را اطاعت کنند البته آنان (یعنی اطاعت کنندگان از خدا و رسول) با کسانی که خداوند به آنان انعام (لطف و عنایت کامل) فرموده یعنی با پیامبران و صدیقان و شهیدان و نیکوکاران محشور خواهند شد و ایشان در بهشت چه نیکو رفیقانی خواهند بود» .

مغضوبین و ضالین: مغضوب علیهم و ضالین چه کسانی هستند؟ کسانی که خداوند بر آنان غضب می‌فرماید کسانی هستند که از شیطان پیروی می‌کنند به طوری که خداوند در قرآن گفته شیطان را چنین بیان می‌فرماید: «لعه الله و قال لا تخذن من عبادک نصیباً مفروضاً؛ [نساء آیه ۱۱۸] خداوند او را لعنت نمود (و از رحمت خود دور ساخت) و (شیطان در جواب) گفت: من از بندگان تو قسمتی را زیر بار اطاعت خود خواهم کشید؛ ولاضلنهم ولامنینهم...؛ [نساء آیه ۱۱۹] یعنی: آنان را گمراه کنم و به آرزوهای دور و دراز در افکنم.» پس کسانی که پیروی از شیطان نموده و از دستورات خداوند سرپیچی کنند، مستحق خشم و غضب الهی می‌گردند. خدا به شعیب پیامبر (علیه السلام) فرمود، می‌خواهم صد هزار تن از قومت را عذاب کنم. چهل هزار تن افراد بد و شصت هزار تن از افراد خوب. خطاب رسید که چرا خوب‌ها بیشترند، فرمود: برای اینکه خوب‌ها هم با بدها خوش و بش کردند زیرا از گمراهان خواهند بود چنانچه خداوند در قرآن می‌فرماید: «اولئک ماواهم جهنم ولا یجدون عنها محیصاً؛ [نساء آیه ۱۲۱] یعنی: ایشان را (یعنی شیطان و پیروانش را) منزل و جایگاه، جهنم است و از آن، مفر و گریزگاهی نخواهند یافت» پس ما در این روز از ذات اقدس پروردگار می‌خواهیم ما را از چیزهایی که موجب خشم و غضب او می‌گردد (یعنی پیروی از دستورات شیطان) دور گردانند. ان شاء الله که تابع باشیم. خدا به شعیب پیامبر فرمود، می‌خواهم صد هزار تن از قومت را عذاب کنم. چهل هزار تن افراد بد و شصت هزار تن از افراد خوب. خطاب رسید که چرا خوب‌ها بیشترند، فرمود: برای اینکه خوب‌ها هم با بدها خوش و بش کردند.

بِمَنْتَکَ وَآیادیکَ یا مُنْتَهی رَغْبَةِ الرَّاغِبِینَ . با منت و بخششت بر من ببخشای ای نهایت آرزوی آرزومندان.

#دعای روز هفتم ماه رمضان

اَللّٰهُمَّ اَعِنِّيْ فِيْهِ عَلٰى صِيَامِهِ وَقِيَامِهِ، وَجَنِّبْنِيْ فِيْهِ مِنْ هَفَوَاتِهِ وَاَثَامِهِ، وَاِزْرِقْنِيْ فِيْهِ ذِكْرَكَ بِدَوَامِهِ، بِتَوْفِيْقِكَ يَا هَادِيَ الْمَضَلِّيْنَ. خدایا در این ماه کمک کن و یاری ام ده بر روزه گرفتن و قیام به طاعت و عبادت، و دورم بدار از لغزشها و گناهان و بیهودگیها، و روزیم کن ذکر و یاد دائمی و همیشگی ات را، به توفیق خودت ای راهنمای گمراهان.

در این دعاچند نکته وجود دارد، ۱: کمک و یاری خواستن از خداوند برای روزه داری و انجام طاعت و عبادت، ۲: دورنگهداشته شدن شدن از لغزشها و گناهان و بیهودگیها، ۳: دوام پیدا کردن ذکر و یاد خدا، ۴: توفیق خواستن از خداوند راهنمای گمراهان .

کمک خواستن از خدا برای انجام عبادت و روزه گرفتن : «اَللّٰهُمَّ اَعِنِّيْ فِيْهِ عَلٰى صِيَامِهِ وَقِيَامِهِ» خدایا کمک کن در این ماه روزه بگیریم و شب زنده‌داری کنیم. اگر خدا کمک کند، گرسنگی را نمی‌فهمیم. عبادت شب و سحر، دعا‌های ابو حمزه ثمالی و افتتاح را انجام می‌دهیم. گاهی افرادی غصه می‌خورند که ماه رمضان چگونه روزه بگیریم؟ خوب دعا کنید و خدا کمکتان می‌کند. درست است که خداوند از ما عبادت خواسته و به نماز و روزه فرمان داده است، لیکن در موفق شدن به اینها نیز، خدا باید خود، یاری کند. شبهای پربرکت، سحرهای پر معنویت، روزهایی که سفره ضیافت الهی گسترده است. زمینه عمل آماده است، اما باید خداوند توفیق دهد بر «صیام» و «قیام». تا از «لغزش»ها، «گناهان»، دوری کنیم. در طریق عمل، با موانعی روبه‌رو هستیم. نفس، سنگ اندازی می‌کند، دل، تمایل به هوس و شهوات دارد، غرور و ریاست طلبی و خودخواهی گاهی زبانه می‌کشد، ابلیس در جهت بازداشتن ما از پرداختن به حق، وسوسه می‌کند، بالاخره دشمنانی درونی و بیرونی داریم که باید از چنگشان رها شویم تا به خدا برسیم. امدادهای الهی، باید «همراه» ما باشد. طی این مرحله، بی‌همری خضر مکن - ظلمات است، بترس از خطر گمراهی آیا نمازی که می‌خوانیم، همان نماز خدا خواسته است؟! «عمر ما، بانگ کور عادت هاست، کو نماز علی؟... کجاست؟... کجاست؟» .

روزه چیست و چه فوایدی دارد؟! : روزه طبق آنچه در لغت و رساله‌های عملیه آمده است، عبارت است از: خودداری کردن شخص از خوردن و آشامیدن و دیگر مبطلات روزه (که در رساله‌های عملیه ذکر گردیده است) و نیز پرهیز از گناهان اعضا و جوارح و در نهایت هرگونه خودداری قلبی شخص روزه‌دار از توجه به غیر خداوند. برای روزه فواید و آثار زیادی ذکر گردیده است که به بعضی از آنها اشاره می‌گردد : ۱. یکی از فوائد روزه در اسلام تندرستی است. چنانچه پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند: «روزه بگیرد تا سالم بماند.»

[بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۲۵۵] و هرچه که علم بیشتر پیشرفت می‌کند، ابعاد مختلفی از فواید روزه‌داری معلوم می‌گردد. روزه باعث تحریک انسان‌ها نسبت به هم‌نوع خود می‌شود! چنانکه در روایتی آمده است: خداوند روزه را واجب کرد تا ثروتمندان و فقرا را هم‌سان سازد. [وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳] روزه باعث می‌شود تا ثروتمندان طعم تشنگی و گرسنگی را چشیده و به یاد فقرا و مستمندان بیفتند تا بدین وسیله عاطفه آن‌ها تحریک شده و بخشی از درآمد خود را به آنان اختصاص دهند. ۲. سیر در برابر آتش جهنم است. حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «الصوم جنة من النار»؛ روزه سپری در مقابل آتش جهنم است. [وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۸۹]. ۳. مایه اجابت دعا. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم): «لا ترد دعوه الصائم؛ دعای روزه‌دار رد نمی‌شود». [بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۲۵۶]. ۴. باعث بخشیده شدن گناهان. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: هرکس ماه رمضان را برای خدا روزه بدارد، تمام گناهانش آمرزیده می‌شود. [تفسیر مراغی، ج ۲، ص ۶۹]. ۵. باعث می‌شود فرشتگان برایش دعا کنند. رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در این باره می‌فرماید: خداوند فرشتگان خود را موظف کرده است که برای روزه‌داران دعا کنند. [بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۲۵۵].

فواید اجتماعی روزه: البته این‌ها و ده‌ها فایده دیگر که در آیات و روایات ذکر گردیده، اشاره ای بود به فواید و آثار فردی روزه. برای روزه فواید اجتماعی فراوانی ذکر گردیده که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود: ۱. روزه باعث تحریک انسان‌ها نسبت به هم‌نوع خود می‌شود! چنانکه در روایتی آمده است: خداوند روزه را واجب کرد تا ثروتمندان و فقرا را هم‌سان سازد. [وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳]. روزه باعث می‌شود تا ثروتمندان طعم تشنگی و گرسنگی را چشیده و به یاد فقرا و مستمندان بیفتند تا بدین وسیله عاطفه آن‌ها تحریک شده و بخشی از درآمد خود را به آنان اختصاص دهند. ۲. روزه‌داری باعث خودداری شخص از خیلی از جرائم و صفات زشت اخلاقی و اجتماعی می‌گردد. از جمله آن‌ها: دروغ، مجادله و درگیری، غیبت، تهمت، فحش، سرزنش و خشم، مردم‌آزاری، معاشرت با مفسدان، سخن‌چینی، حرام‌خواری و... است بی‌تردید هر یک از این گناهان که کنترل شود، باعث جلوگیری از آسیب‌های فراوان اجتماعی شده و باعث آرامش آن می‌گردد. «و ذکر دائمی را نصییم فرما» باید دانست قرآن کریم علاوه بر ذکر زبانی، ذکر قلبی و یاد درونی را می‌ستاید. ذکر و فکر، همراه یکدیگر ارزش است. متأسفانه کسانی که ذکر می‌گویند، ولی اهل فکر نیستند و کسانی اهل فکر هستند ولی اهل ذکر نیستند! ذکر یکی از نمونه‌های روشن عبادت است و ذکر خدا و نعمت‌های او، زمینه شکر و سپاس است، چنان که غفلت از یاد خدا، مایه کفران است. ذکر یک نوع حضور قلبی است که اثرات زیادی برای ذاکر

دارد، از جمله؛ باعث توکل، معرفت، شکر، توجه دائمی به خداوند و جلوگیری از لغزش و گناه، محبت نسبت به قلب هستی یعنی خداوند، امید و رجاء و... می‌شود. ذکر مقام انسان را تا جایی بالامیبرد که میفرماید: تو یادم باش، تا من هم یاد تو باشم. «فأذكروني اذكرکم؛ [بقره، آیه ۱۵۲]»

دوری از لغزشگاهها و گناهان: «وَجَنَّبْنِي فِيهِ مِنْ هَفَوَاتِهِ وَ آثَامِهِ» خدایا ماه رمضان ما را از لغزش و گناه حفظ کن. از خداوند می‌خواهیم که ما را از لغزش‌ها و گناهان این روز برکنار دارد. اگر تا دیروز از جرم و سفاهت و اشتباه کاری و عصیان و نافرمانی خویش، طلب بخشش کرده و بی‌زاری می‌جستیم، امروز حتی لغزش‌ها را هم به حساب می‌آوریم. اگر آنها سقوط و افتادن بود، اینک مقدمه آن، که لغزش و سُرخوردن «هفوات» است را هم بر نمی‌تابیم و از او می‌خواهیم که ما را از آن هم برکنار دارد. لین سیری است که آغاز شده و می‌رود تا همه کژی‌ها و ناراستی‌هایمان را و همچنین اثم و گناهان مان را که به دنبال این لغزش‌ها می‌آیند پاک کند. اثم پس از هفوات آمده است. سقوط پس از لغزیدن رخ می‌دهد و این اثم چیزی است متفاوت با ذنب یا معصیت یا سیئه و خطیئه که اینها هر کدام تعاریفی دارند و محدوده ای. در لغت‌نامه دهخدا هفوات جمع هفوة به معنی لغزشهاست. «أثم» در لغت به معنای گناه و به هر چیزی گفته می‌شود که جلو رسیدن پاداش را بگیرد. [مفردات، ص ۶۳. لسان العرب، ج ۱، ص ۷۴. التحقيق، ج ۱، ص ۳۴، «أثم»]. یکی از عمیق‌ترین جایگاه‌های جهنم، دَرَه اثم است [جامع‌البیان، مج ۱، ج ۹، ص ۵۸]. در آیه شریفه کلمه «يَلْقَى أَثَامًا» آمده است: «وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا». و کسانی اند که با خدا معبودی دیگر نمی‌خوانند و کسی را که خدا [خونش را] حرام کرده است جز به حق نمی‌کشند و زنا نمی‌کنند و هر کس اینها را انجام دهد سزایش را دریافت خواهد کرد. برای او در روز قیامت عذاب دو چندان می‌شود و پیوسته در آن خوار می‌ماند (سوره فرقان آیه ۶۸ و ۶۹). آیه الله مظاهری: علمای علم اخلاق به این ردیفه اخلاقی «هفوات» می‌گویند. هفوات جمع «هفوه» و به این معناست که فکر انسان دست خودش نباشد. در این صورت، تخیل‌ها، توهم‌ها و وسوسه‌ها روی او کار می‌کنند و به طور ناخودآگاه افکار بی پایه و بدون نتیجه بر او مسلط می‌شود. به عبارت دیگر، فکر تخیلی و فکر توهمی بر او مسلط می‌شود، که معمولاً انسان‌ها چنین هستند. البته بزرگان معتقدند که نمی‌شود انسان فکر نداشته باشد، اما اکثر مردم فکرشان بی پایه است، فکرهایشان تخیلی و توهمی است و اولین ضرری که برایشان دارد، آن است که دل را سیاه می‌کند. اگر سیاهی همه دل را گرفت، به تعبیر قرآن کریم، وای بر این دل: «أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ فَوَيْلٌ لِلْقَالِبِيَّةِ

قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ» وای بر آن دلی که سیاه است و فکرهای تخیلی و توهمی بر او مسلط است. چنین کسی توجه ندارد و فراموش کرده است که افکارش باید موجب استكمال او باشد. کمتر کسی پیدا می‌شود که فکرش دست خودش باشد. استاد بزرگوار ما علامه طباطبایی «رحمت‌الله‌علیه» می‌فرمود: بارها ما به مرحوم آقای قاضی همین نکته را می‌گفتیم که این «هفوات» را چه کنیم و چه کنیم که ما فکرهای بی‌جا نداشته باشیم و فکرمان دست خودمان باشد و موجب استكمال شود؟ آقای قاضی «رحمت‌الله‌علیه» هم اقرار می‌کردند که این کار مشکل است، اما بالأخره نشدنی نیست و باید روی آن کار کرد. قرآن کریم لغزشگاه‌های انسان را در آیه ۱۴ تا ۱۷ سوره مبارکه «آل عمران» برمی‌شمارد: «زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَاَبِ؛ دوستی خواستنی‌های گوناگون از زنان و پسران و اموال فراوان از زر و سیم و اسب‌های نشاندار و دام‌ها و کشتزار[ها] برای مردم آراسته شده [لیکن] این جمله مایه تمتع زندگی دنیاست و [حال آنکه] فرجام نیکو نزد خداست» در این آیه مهم‌ترین چیزهایی که انسان از آن طریق گمراه می‌شود، مورد توجه قرار گرفته است.

دوام ذکر خدا : «وَأَرْزُقْنِي فِيهِ ذِكْرَكَ بِدَوَامِهِ» خدایا روزی کن که در ماه رمضان یاد تو باشم. «ذکر»، هم یاد معنا می‌کند و هم معنای ذکر زبانی را می‌دهد. دائماً باید به یاد خدا باشم. آنچه که در این فراز، در دعای امروز از خداوند خواسته ایم، «دوام ذکر» است، نه فقط «ذکر»، نه اینکه یک بار، یا دوبار، به یاد خدا بیفتیم، نه... بلکه همیشه به یاد خدا بودن و خدا را در یاد داشتن و عظمت و آگاهی و علم و بصیرت و شنوایی او را در نظر داشتن. نماز خواندن مهم نیست، باید اهل نماز بود. ذکر مرحله ای مفید نیست، ذکر مدام، سازنده است. خواجه عبدالله انصاری در کتاب «صمدیدان» گفته است: «فرق میان تفکر و تذکر آن است که تفکر، «جستن» است، و تذکر «یافتن» است. و تذکر سه چیز است: به گوش ترس، ندای وعید شنیدن، و به چشم رجا، با منادی به وعده دوست نگرستن، و به زبان نیازمندی، مَنّت را اجابت کردن است». مرحوم، ملا احمد نراقی گفته است: «... یاد خدا کردن، نفع آن در صورتی است که دوامی داشته باشد، یعنی دائم یا اکثر اوقات در یاد خدا باشد و با زبان او را یاد کند، با حضور قلب و فراغت دل و توجه تام به خداوند علام، تا اینکه فکر او در دل قرار گیرد و انوار عظمت او بر دل بتابد و از اشراقات خورشید جمال او، سینه گشاده گردد...» [معراج السعادة، ص ۵۷۴]

«بِتَوْفِيقِكَ يَا هَادِيَ الْمُضِلِّينَ» به توفیق خودت ای راهنمای گمراهان. ای خدایی که گمراهان را راهنمایی می‌کنی، به من توفیق عنایت فرما .

#دعای روز هشتم ماه رمضان

اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِيْ فِيْهِ رَحْمَةَ الْاَيْتَامِ، وَاِطْعَامَ الطَّلْعَامِ، وَاِفْشَاءَ السَّلَامِ، وَصَحْبَةَ الْكِرَامِ، بِطَوْلِكَ يَا مُلْجَا الْاُمَلِيْنَ .
خدايا در اين ماه روزيم كن رحمت و مهرورزي نسبت به يتيمان را، و خوراندن طعام به گرسنگان و مسكينان و يتيمان و اسيران را، و به آشكارا سلام كردن به ديگران را، و رفيق و هم نشين شدن با كريمان را، به فضل و كرم تاي پناهگاه آرزومندان.

در اين دعاچند نکته وجود دارد، ۱: رحمت و مهرورزي به يتيمان و كودكاني كه پدر و مادر خود را در حادثه ها و سانحه ها و بلاياي طبيعي از دست داده اند، ۲: خوراندن طعام به گرسنگان و مسكينان و يتيمان و اسيران، ۳: سلام كردن آشكارا به ديگران و پيش دست شدن در سلام كردن، ۴: همنشين شدن با كريمان و افراد نيك و بزرگوار، ۵: رحمت و فضل و احسان و نعمت فراوان پناهگاه آرزومندان .

مهرورزي به يتيمان : «اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِيْ فِيْهِ رَحْمَةَ الْاَيْتَامِ» خدايا در ماه رمضان مهرورزي نسبت به يتيمان را روزي ام گردان. اگر قلب ما زنگ بزند، از چه دوايي مي توان براي رفع آن استفاده كرد. براي اين كار بايد سحرها قرآن بخوانيد تا قلبتان را جلا بدهيد. همچنين جان انسان را استغفار سحر جلا مي دهد و مي توان با يتيم نوازي قلب را جلا داد. يتيم نوازي و ترحم بر يتيمان يكي از دستورات بزرگ اسلام مي باشد كه بر مسلمانان واجب است كه در اين امر مهم بسيار كوشا باشند چرا كه يتيم به كسي گویند كه در ظاهر سرپناه و سرپرستي براي خود نداشته باشند (يعني هيچ كس نباشد كه او را سرپرستي كند مثل پدر و مادر) به طوري كه فقط خداوند حامی و سرپناه او باشد كه خداوند حقوق چنين افرادي را بسيار محترم داشته و بر ترحم به آنان تاكيد مي نمايد. اگر قلب ما زنگ بزند، از چه دوايي مي توان براي رفع آن استفاده كرد. براي اين كار بايد سحرها قرآن بخوانيد تا قلبتان را جلا بدهيد. همچنين جان انسان را استغفار سحر جلا مي دهد و مي توان با يتيم نوازي قلب را جلا داد چنانچه حضرت اميرمؤمنان علي (عليه السلام) مي فرمايد: الله، الله بالايتم، فلا تغبوا افواههم و لا يضيّعوا بحضرتكم: خدا را! خدا را! درباره يتيمان، نكنده كه آنان گاهي سيروگاه گرسنه بمانند و حقوقشان ضايع گردد! شخص ثروتمند تنها با دست كشيدن بر سر يتيم قلبش جلاييدان مي كند و بايد يتيمان را از نظر مادي تامين كند و مشكلات مالي آنها را برطرف كند.

ارزش يتيم : يتيمان با اينكه به ظاهر سرپناه و سرپرستي براي خود ندارند اما خداوند براي آنان ارزش بسياري قائل است به طوري كه در قرآن خداوند (عزوجل) خطاب به پيغمبر خود مي فرمايد: «اَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيْمًا فَآوَى؛ [ضحى، آيه ۶] آيا خداوند تو را يتيمي نيافت كه در پناه خود

جای داد» که با توجه به این آیه می‌بینیم که خداوند پیغمبر خود را به دوران یتیمی‌اش (که پدر و مادر خویش را از دست داده بود و سرپناهی جز خداوند نداشت) تذکر می‌دهد تا یادآور شود که چگونه خداوند او را یاری نمود و او را از گزند دشمنان در امان داشت و به لطف و رحمتش به مقام نبوت برگزید. تا اینکه پیغمبر نیز به یاد یتیمان بوده و از آنان دلجویی کند. در آیه دیگر می‌فرماید: «فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ؛ [ضحی، آیه ۹] پس تو هم هرگز یتیمی را میازار». حال با توجه به این آیات ما باید این نکته مهم را در نظر داشته باشیم که پیامبر عظیم‌الشان اسلام هیچ گاه از دستورات خداوند سرپیچی نکرده و نعمتی از خدای خویش را فراموش ننموده است بلکه خداوند به پیامبر خود تذکر داده تا همه مردم الگو گرفته و آن دستورات را اجرا نمایند، چرا که خداوند می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛ [احزاب، آیه ۲۱] و برای شما در (خلق و خوی) رسول خدا الگویی نیکوست» پس از خداوند می‌خواهیم که ما را در این روز یاری نماید تا بتوانیم بر یتیمان و بی سرپرستان ترحم نموده تا مشمول رحمت بی پایانش گردیم. حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: مَا أَجُودَ يَدُهُ وَهُوَ عَنْ ذَاتِ اللَّهِ يَخِيلُ! فَمَنْ آتَاهُ اللَّهُ مَالًا فَلْيَصِلْ بِهِ الْفَرَّابَةَ، وَلْيُخْسِنْ مِنْهُ الصَّيَّافَةَ، یعنی دست سخاوتمندی ندارد آن کس که از بخشش در راه خدا بخل می‌ورزد! آن کسی که خدا او را مالی بخشید، پس باید به خویشاوندان خود بخشش نماید و سفره میهمانی خوب بگستراند. [نهج‌البلاغه، ترجمه دشتی، ص ۱۳۰]

اهمیت اطعام طعام : «وَإِطْعَامُ الطَّعَامِ» خدایا روزی کن که من اطعام طعام کنم و افطاری دهم. در ماه مبارک رمضان یکی از چیزهایی که بسیار اهمیت دارد اطعام نمودن و سفره میهمانی پهن کردن برای فقیران و مستمندان در راه رضای خداوند است که از ثواب و منزلت بسیار بالایی برخوردار است. تا آنجایی که نبی مکرم اسلام در خطبه شعبانیه که در روزهای پایانی ماه شعبان در رابطه با فضائل و اعمال ماه مبارک رمضان ایراد فرمودند در ارتباط پاداش افطاری دادن به روزه داران در ماه رمضان فرمودند: هرکس در این ماه مبارک روزه داری را طعام و افطاری دهد، روز قیامت که قدم‌ها بر صراط می‌لغزد قدم او نخواهد لغزید. در این هنگام یکی از مسلمانان سؤال کرد: یا رسول الله اگر چنانچه کسی این توانایی را نداشته باشد که دیگران را مهمان کند و به آنان طعام داده، آن‌ها را سیر کند چه کند؟ حضرت فرمودند: حتی اگر می‌تواند که به نصف خرما یا جرعه آبی دیگران را مهمان کند برای دوری از آتش جهنم، انجام دهد. در ماه مبارک رمضان یکی از چیزهایی که بسیار اهمیت دارد اطعام نمودن و سفره میهمانی پهن کردن برای فقیران و مستمندان در راه رضای خداوند است که از ثواب و منزلت بسیار بالایی برخوردار است. وقتی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌پرسند: کدام صدقه برتر است؟ می‌

فرماید: «صَدَقَهُ» فی رَمَضان». [شهرالله، ص ۱۹۰] خوراک دادن به گرسنگان و سیر کردن روزه داران، پاداشی بزرگ و ثوابی عظیم دارد. [امام صادق علیه السلام: مَنْ فَطَرَ صَائِماً فَلَهُ مِثْلُ أَجْرِهِ شَهْرِ اللَّهِ، ص ۱۸۸]. حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: مَا أَجْوَدَ يَدُهُ! وَهُوَ عَنْ ذَاتِ اللَّهِ بِخَيْرٍ! فَمَنْ آتَاهُ اللَّهُ مَالاً فَلْيَصِلْ بِهِ الْقَرَابَةَ، وَلْيُخْسِنْ مِنْهُ الصِّيَافَةَ؛ یعنی دست سخاوتمندی ندارد آن کس که از بخشش در راه خدا بخل می‌ورزد! آن کسی که خدا او را مالی بخشید، پس باید به خویشاوندان خود بخشش نماید و سفره میهمانی خوب بگستراند. [نهج البلاغه، ترجمه دشتی، ص ۱۳۰]. البته وقتی این کار، ارزش خواهد داشت، که با مسأله «اطعام»، عده ای گرسنه و نیازمند، سیر شوند و به نوایی برسند، وگرنه بساط سفره های رنگین و سورهایی که همه از دوستان و سرمایه داران و طبقات مرفه دعوت شود و گرسنه ای نیازمند و فردی از طبقات پایین و محروم جامعه بر سر آن سفره نباشد، چنین سفره ای قابل تمجید و ستایش نیست.

آشکارا سلام کردن: «وَأَفْشَاءَ السَّلَامِ» خدایا روزی کن با صدای بلند سلام کنم. آنچه در این دعا بر آن تاکید شده و از خدا در خواست شده تنها توفیق سلام کردن نیست بلکه افشاء سلام یعنی بلند و آشکار سلام کردن می باشد. در روایتی از امام باقر (علیه السلام) وارد شده که حضرت فرمودند: ان الله عزوجل يحب افشاء السلام: خداوند عزوجل آشکارا سلام کردن را دوست می دارد. [وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۵۸]. برخی عارشان می شود که اول سلام کنند؛ اما هستند برخی که در سلام کردن با صدای بلند پیش دستی می کنند. همچنین باید سلام را به درستی یعنی «سلام» علیکم» جواب داد و از بیان عبارتهای دیگر مثل «سلام از ماست» جلوگیری کنیم. همچنین سلام کردن مستحب و جواب سلام دادن واجب است. کلمه سلام بیش از (چهل) بار در قرآن کریم بکار رفته است. در آیه ای خداوند می فرماید: «فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مَبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ» [نور، آیه ۶۱] «وارد خانه که می شوید سلام کنید» [فسلموا علی أنفسکم] مفسران فرموده اند که این آیه از مواردی است که همه مؤمنین به منزله یکدیگر حساب شده اند. و سلام کردن به دیگران سلام کردن به خود تلقی شده است و بعضی گفته اند که از این آیه استفاده می شود که اگر کسی هم در خانه نباشد بر خودتان سلام کنید. رسول الله - صلی الله علیه و آله : إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ بَيْتَهُ فَلْيُسَلِّمْ ؛ فَإِنَّهُ يَنْزِلُ الْبَرَكَةُ ، وَ تُؤْنِسُهُ الْمَلَائِكَةُ . [بحار الأنوار: ۲۵/۷/۷۶] پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه یکی از شما وارد خانه خود شد ، سلام کند ؛ زیرا سلام بر آن برکت فرود می آورد و فرشتگان با آن انس می گیرند . الإمام الباقر علیه السلام - في قول الله - عَزَّ وَ جَلَّ : «فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ» - : هُوَ تَسْلِيمُ الرَّجُلِ عَلَى أَهْلِ الْبَيْتِ حِينَ يَدْخُلُ ، ثُمَّ يَرُدُّونَ عَلَيْهِ ، فَهُوَ سَلَامُكُمْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ . [بحار

الأنوار: ۱۶/۵/۷۶] امام باقر علیه السلام - درباره آیه: «هرگاه وارد خانه‌هایی شدید، به خودتان سلام کنید» - فرمود: منظور سلام کردن مرد بر اهل خانه است به هنگام ورود و جواب دادن اهل خانه است به او. پس، این سلام شماسست به خود شما. عنه علیه السلام - أيضا - : إذا دَخَلَ الرَّجُلُ مِنْكُمْ بَيْتَهُ، فَإِنْ كَانَ فِيهِ أَحَدٌ يُسَلِّمُ عَلَيْهِمْ، بَلَى لَمْ يَكُنْ فِيهِ أَحَدٌ فَلْيَقُلْ: «السلامُ عَلَيْنَا مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا، يَقُولُ اللَّهُ: «تَحِيَّةٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ»». [بحار الأنوار: ۳/۳/۷۶] امام باقر علیه السلام - درباره همین آیه - فرمود: هرگاه مردی از شما به خانه خود وارد شد، اگر کسی در خانه بود به آنها سلام کند و اگر کسی نبود بگوید: «السلامُ عَلَيْنَا مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا؛ سلام بر ما از جانب پروردگارمان» که خداوند می‌فرماید: «[که آن] تَحِيَّتِي است مبارک و پاکیزه از جانب خدا».

هم‌نشینی با کریمان: «وَصُحْبَةُ الْكِرَامِ» خدایا توفیق بده در ماه رمضان با افراد کریم و عالم و دانا و متدین هم‌نشین شوم. خدایا توفیق بده که با نیکان رفیق شوم. کاری کنید که رفیقان یک درجه از شما جلوتر باشد. منظور از صحبه الکرام، هم کلام و هم‌نشین شدن با اهل کرم و بخشش است و علت این که این امر از خداوند متعال در این دعا درخواست شده این است که رفاقت و هم‌نشینی با دیگران موجب انتقال خصلت‌ها و خصوصیات دیگران به انسان می‌گردد. لذا به خاطر همین تاثیر پذیری است که اسلام تاکید بسیاری بر دقت در انتخاب هم‌نشین دارد. لذا در این دعا از خداوند عزوجل درخواست توفیق هم‌نشینی با کریمان شده تا بدین واسطه نیز انسان متخلق به کرامت گردد. به فرموده پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، دوست و هم‌نشین خوب مثل عطار است که اگر هم به انسان عطر نزنند، بوی خوش او انسان را معطر می‌سازد: «مَثَلُ الْجَلِيسِ الصَّالِحِ مَثَلُ الْعَطَّارِ، إِنْ لَمْ يُصْبِكْ مِنْ عِطْرِهِ أَصَابَكَ مِنْ رِيحِهِ». [کنز العمال، ج ۹ حدیث ۲۴۶۷۶] هم‌نشین تو، از تو به باید - تا تو را عقل و دین بیفزاید. مصاحبت نیکان، و رفاقت و دوستی با انسان‌های نیک و شایسته، نعمتی است بزرگ که باید از خدا خواست تا روزیمان کند. دوستی که عیوب انسان را بگوید، هم‌نشینی که چون آینه، ما را آنچنانکه «هستیم» به ما بنمایاند و از تملُّق و چاپلوسی و دروغ، دور باشد. چنین دوستانی، موهبتی هستند که باید قدرشان را شناخت. اینها خواسته‌هایی از درگاه پروردگار است که آستانش محل امید بستن و نیاز خواستنِ آرزومندان است.

«بَطُولُكَ» به حق انعامت. به حق نعمت‌هایی که به ما دادی این دعاها را درباره ما مستجاب کن. ابن فارس و راغب «طول» را به فضل (فزونى نعمت) و گاهی به معنی نعمتی که مدتی در دست صاحبش می‌ماند تفسیر کرده اند،

بَطُولُكَ یا مَلَجًا الْأَمَلِينَ . به فضل و کرم‌ت ای پناه آرزومندان.

#دعای روز نهم ماه رمضان

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِيْ فِيْهِ نَصِيْبًا مِّنْ رَّحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ، وَاهْدِنِيْ فِيْهِ لِبِرَاهِيْنِكَ السَّاطِعَةِ، وَخُذْ بِنَاصِيَّتِيْ اِلَى مَرْضَاتِكَ الْجَامِعَةِ، بِمَحَبَّتِكَ يَا اَمَلُ الْمُشْتَاقِيْنَ. خدايا در اين ماه برای من بهره ای از رحمت واسعه ات قرار بده، و به سوی دلیل‌هاوراههای روشن و آشکار و بیّن و درخشان راهنمایی ام کن، و ناصیه مرا بگیر برای سجده خودت و به سوی موجبات خوشنودی همه جانبه ات سوق ده، به حق محبتت ای آرزوی مشتاقان. {ناصیه : ۱- پیشانی. ۲- موی پیش سر. ج. نواصی. به معنی خط پیشانی هم می تواند باشد}. {ناصیه پیشانی ومحل سجده انسان به ذات اقدس پروردگار است}

دراین دعاچند نکته وجود دارد، ۱: بهره بردن از رحمت واسعه پروردگار، ۲: راهیابی به سوی دلیل‌هاوراههای روشن و آشکار و بیّن و درخشان، ۳: سوق داده شدن ناصیه انسان به سوی سجده برای خدا و موجبات خشنودی همه جانبه پروردگار، ۴: محبت و دوستی خداوند آرزوی مشتاقان .

رحمت واسعه پروردگار : «اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِيْ فِيْهِ نَصِيْبًا مِّنْ رَّحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ» خدايا، من را از رحمت واسعه خودت نصیب گردان. با وسیع بودن حکومت و فرمانروایی ذات اقدس الهی، رحمت او نیز بسیار وسیع و گسترده است، رحمتی که شامل کسانی می‌شود که از فرمان خداوند و رسولش سرپیچی نمایند به طوری که خداوند در قرآن می‌فرماید: «فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ رَّبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ» [انعام، آیه ۱۴۷] رحمت خداوند بسیار وسیع و گسترده است، وسعتی که ما نمی‌توانیم با قلم و زبان خود آن را وصف نماییم اما اگر به آیات قرآن توجه کنیم، «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ...»؛ [انعام آیه ۱] یعنی شکر خداوندی که آسمان و زمین را خلق کرد...»، «لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ»؛ [سبا آیه ۱] یعنی و برای خداوند است هرچه که در زمین و آسمان است» و «وسع كرسيه السموات والارض و لايوده حفظهما و...»؛ [بقره آیه ۲۵۵] یعنی قلمرو علم خداوند از آسمان و زمین فراتر و نگهبانی آسمان و زمین بر او آسان و بی زحمت است» آنگاه است که در می‌یابیم که با وسیع بودن حکومت و فرمانروایی ذات اقدس الهی، رحمت او نیز بسیار وسیع و گسترده است، رحمتی که شامل کسانی می‌شود که از فرمان خداوند و رسولش سرپیچی نمایند به طوری که خداوند در قرآن می‌فرماید: «فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ رَّبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ»؛ [انعام آیه ۱۴۷] یعنی پس اگر تو را (ای پیغمبر) تکذیب کنند بگو خدای شما با آنکه دارای رحمت بی

منت‌هاست (اما) عذابش را از فرقه بدکاران باز نخواهد داشت» پس از خداوند می‌خواهیم که ما را در این روز شامل رحمت و اسعه اش قرار داده و بین ما و قوم مجرم جدایی اندازد...

هدایت و براهین ساطعه : «وَأَهْدِنِي فِيهِ لِبَرَاهِينِكَ السَّاطِعَةِ» خدایا من را هدایت کن به ادله روشن خودت. در دعای این روز می‌خوانیم واهدنی فیه در این روز مرا هدایت نما حال می‌خواهیم بدانیم این هدایت چیست؟ در جواب می‌توانیم بگوییم: «والله يهدي من يشاء الى صراط مستقيم»؛ [بقره آیه ۲۱۳] یعنی خداوند هر که را بخواهد به راه مستقیم هدایت می‌کند» پس این هدایت، هدایت به صراط مستقیم است، حال می‌خواهیم بدانیم صراط مستقیم چیست؟ که در جواب بگوییم: «وَلَنْ أَلْهَى رَبُّكَ فَلَعبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»؛ [مریم آیه ۳۶] یعنی

به درستی که خداوند رب من و شماست پس او را بپرستید که این است صراط مستقیم» حال چگونه به این صراط مستقیم دست یابیم و طریقه عبادت و بندگی نمودن پروردگار عالمیان را از که بیاموزیم؟ که در اینجا است که لبراهینک الساطعه به وسیله ادله و براهین روشن، به کار می‌آید که این ادله و براهین روشن هیچ چیزی جز آیات قرآن و اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) نمی‌باشد. به طوری که «ذلک الکتاب لاریب فیه هدی للمتقین»؛ [بقره آیه ۲] یعنی این کتابی است که در آن شکی نیست و هدایتی ست برای تقواییشگان» و پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نیز در حدیث ثقلین چنین فرمودند: انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی و اهل بیتی، لن یتفرقا حتی یردا علی الحوض ما ان تمسکتم بهمالن تضلوا ابدًا: یعنی من در بین شما دو چیز گران‌بها به امانت می‌گذارم: کتاب خدا و اهل بیت، و آن دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه در حوض کوثر بر من وارد شوند، مادامی که به آن دو تمسک جویند هرگز تا ابد گمراه نشوید. [بحار ج ۲۳، ص ۱۴۰، وسائل ج ۱۸، ص ۱۹].

بهترین حالات بنده : «وَحُذِّذْ بِنَاصِيَتِي إِلَى مَرْضَاتِكَ الْجَامِعَةِ» من را به سمت موجبات خوشنودی و رضایت خودت ببر. از من راضی باش هرچند که بد کردم و عمرم را به بطلالت مصرف کردم. حالا آمده ام و من را به سمت رضایت خودت ببر. از من خشنود شو و رضایت جامع داشته باش. وخذ بناصیتی : منظور از وخذ بناصیتی چیست؟ ما از خداوند می‌خواهیم که پیشانی ما را گرفته و به سوی رضا و خشنودی اش بکشد چرا که پیشانی محل سجده انسان به ذات اقدس پروردگار است. در روایات نیز داریم که بهترین حالات بنده هنگامی است که آن بنده درمقابل ذات اقدس الهی سجده مینماید، پس از خداوند می‌خواهیم که پیشانی ما را فقط جایگاه سجده نمودن به ذات اقدسش گرداند نه سجده گاه شیطان (نه فرمان برداری از شیطان...) .

«بِمَحَبَّتِكَ يَا أَمَلُ الْمُشْتَاقِينَ» به حق دوستی خودت ای آرزوی مشتاقان.

#دعای روز دهم ماه رمضان

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِيْ فِيْهِ مِنَ الْمُتَوَكِّلِيْنَ عَلَيْكَ، وَ اجْعَلْنِيْ فِيْهِ مِنَ الْفَائِزِيْنَ لَدَيْكَ، وَ اجْعَلْنِيْ فِيْهِ مِنَ الْمُقَرَّبِيْنَ اِلَيْكَ، بِاِحْسَانِكَ يَا غَايَةَ الطَّالِبِيْنَ. خدايا مرا در اين ماه از آنان كه بر تو توكل ميكنند قرار بده، و مرا از آنان كه نزد تو به فوز و سعادت و فلاح و رستگاري نائل ميشوند قرار بده، و مرا از آنان كه مقربان درگاه تو باشند قرار بده، به لطف و احسانت اي پروردگار و غايت و نهايت طلب كنندگان .
 در اين دعا چندانكه وجود دارد، ۱: قرار گرفتن در زمره توكل كنندگان به خداوند، ۲: رسيدن به مقام فوز و سعادت و فلاح و رستگاري، ۳: قرار گرفتن در زمره مقربان درگاه خدا، ۴: لطف و احسان پروردگار غايت و نهايت طلب كنندگان .

درخواست توكل از خدا : «اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِيْ فِيْهِ مِنَ الْمُتَوَكِّلِيْنَ عَلَيْكَ». خدايا من را در ماه رمضان از كساني قرار ده كه اهل توكل به تو هستند، چشم به دست اين و آن نباشد؛ چقدر خوب است كه انسان توكل داشته باشد و اهل توكل باشد. معنای توكل اين است كه انسان يقين كند به اينكه سود و زيان، و بخشش و حرمان به دست مردم نيست و بايد از آن‌ها نااميد بود و اگر بنده اي به اين مرتبه از معرفت برسد كه جز براي خدا كاري انجام ندهد و جز او به كسي اميدوار نباشد و از غير او نهراسد و غير از خدا چشم طمع به كسي نداشته باشد، اين همان توكل بر خدا است. مؤمن، بر او تكيه دارد و توكلش بر اوست. خداوند، تنها پشتوانه اي است كه زاييل شديني نيست. تنها تكيه گاهي است كه اطمينان بخش است. تنها مرجع و ملجأ و پناهگاهي است كه هم قدرت و علم دارد، هم رؤوف و مهربان است و هم بنده نواز و كريم. حال كه چنين است، در مشكلات، چرا خدا را تكيه گاه نيرو بخش دل و جانمان قرار ندهيم و چرا استمداد از او نجوييم؟ هر كه به غير خدا دل بندد و تكيه كند باخته است، چرا كه جز خدا همه چيز نابود شديني است، و «تنها خداست كه مي ماند»! آنكه «بت» مي پرستد، روزي خواهدديد كه: «اِنَّ الْقُوَّةَ لِلّٰهِ جَمِيعاً». آنكه به قدرت هاي بزرگ دلبسته است، روزي خواهد يافت كه: «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ اِلَّا وَجْهَهُ» آنكه گرفتار يأس و دلخستگي و سستی است، روزي آگاه و پشيمان مي شود كه چرا تكيه گاه و اميدي چون «خدا» را فراموش كرده است؟ در قرآن فراوان مي خوانيم: «وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ». مؤمنان، بايد تنها بر خدا توكل كنند و تنها تكيه گاهشان «او» باشد.

ارزش توكل به خداوند : همان طور كه مي دانيم تمام امور دنيا و آخرت و هر چه در عالم وجود دارد به امر خداوند كار مي كند؛ «اِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلّٰهِ» [آل عمران آيه ۱۵۴] يعني به درستي كه تمام امور به فرمان خداوند است و تمام كليدهاي غيب نزد اوست «وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا اِلَّا هُوَ» [انعام آيه ۵۹] يعني و كليد خزائن غيب نزد خداوند است (كه) كسي جز خدا بر آن آگاه

نمی‌باشد» و هر گاه اراده الهی اقتضا کند که امری صورت پذیرد بدون هیچ درنگی صورت خواهد گرفت «وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»؛ [بقره آیه ۱۱۷] یعنی هنگامی که (خداوند) اراده امری را کند به محض آنکه بگوید موجود باش، پس موجود خواهد شد» و همه عالم فرمان بردار ذات اقدس اویند «بَلْ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ لَّهُ قَنِيتٌ وَنَ»؛ [بقره آیه ۱۱۶] یعنی بلکه هرچه در زمین و آسمان است ملک خداوند است و همه فرمان بردار اویند» پس با توجه به این آیات در می‌یابیم که انسان در هر کاری که می‌خواهد انجام دهد باید به خدای (قادر و متعال) که خالق و آفریدگار اوست توکل کند چرا که امیرمؤمنان حضرت علی (علیه‌السلام) فرمودند: من توکل علیه کفاه و من ساله اعطاه و من اقرضه قضاه و من شکر جزاه [نهج البلاغه، خ ۹۰] یعنی هر کس بر او توکل کند او را کفایت نماید و هر کس از او بخواهد می‌پردازد و هر کس برای خدا به محتاجان قرض دهد وامش را بپردازد و هر کس او را سپاس گوید پاداش نیکو دهد. و خداوند (عزوجل) نیز در قرآن می‌فرماید: «فاذا عزم فتوکل علی الله ان الله یحب المتوکلین»؛ [آل عمران آیه ۱۵۹] یعنی پس هنگامی که اراده نمودی (که کاری را انجام دهی) پس بر خداوند توکل نما (که) همانا خداوند توکل کنندگان را دوست دارد» که ما نیز از خداوند می‌خواهیم در این روز ما را از توکل کنندگان واقعی به ذات اقدس قرار دهد ... شخصی به نام حسن بن جهم می‌گوید: خدمت امام هشتم (علیه‌السلام) رسیدم و عرض کردم: جانم به فدایت، حد و مرز توکل چیست؟ فقال لی ان لا تخاف مع الله احدا؛ فرمود: توکل آن است که با اتکای به خدا از هیچ کس نترسی... [بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۱۳۴] قرآن مجید در موارد متعددی توکل بر خدا را از ویژگی‌های افراد با ایمان می‌داند و می‌فرماید: وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ [مائده آیه ۲۳] بر خدا توکل کنید اگر ایمان دارید. وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ؛ [آل عمران آیه ۱۲۲]. توبه آیه ۵۱؛ افراد با ایمان باید تنها بر خدا توکل کنند.

توکل چیست؟ : پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) تفسیر توکل را از جبرئیل سؤال کرد، جبرئیل گفت: معنای توکل این است که انسان یقین کند به اینکه سود و زیان، و بخشش و حرمان به دست مردم نیست و باید از آنها ناامید بود و اگر بنده ای به این مرتبه از معرفت برسد که جز برای خدا کاری انجام ندهد و جز او به کسی امیدوار نباشد و از غیر او نهراسد و غیر از خدا چشم طمع به کسی نداشته باشد، این همان توکل بر خدا است. [بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۱۳۸، ح ۲۳]. شخصی به نام حسن بن جهم می‌گوید: خدمت امام هشتم (علیه‌السلام) رسیدم و عرض کردم: جانم به فدایت، حد و مرز توکل چیست؟ فقال لی ان لا تخاف مع الله احدا؛ فرمود: توکل آن است که با اتکای به خدا از هیچ کس نترسی [بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۱۳۴].

فائزین چه کسانی هستند؟ : «وَجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْفَائِزِينَ لَدَيْكَ» . خدایا من را از رستگاران قرار بده؛ نه از اهل شقاوت، فائز به معنای سعادت‌مند است که به کسی گویند که خداوند او را به واسطه عمل به دستوراتش به رحمتش وارد کرده و از عذابش دور ساخته است چنانچه در قرآن می‌فرماید: «قُلْ إِنِّي أَخَافُ أَنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ» [انعام آیه ۱۵] یعنی بگو که از عذاب روز عظیم (یعنی قیامت) می‌ترسم که معصیت پروردگارم را انجام دهم» و در آیه بعد می‌فرماید: «مَنْ يُصْرِفْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ» [انعام آیه ۱۶] یعنی کسی که از عذاب روز قیامت در امان بماند و از او عذاب برداشته شود پس به تحقیق به رحمت الهی وارد شده است که این سعادت‌مندی آشکار است» و آنان که از معصیت پروردگار خویش اجتناب می‌کنند یقیناً خداوند از آنان راضی است که این رضایت سرچشمه از رضایت مخلوق به قضا و قدر پروردگار است به طوری که خداوند در قرآن می‌فرماید: «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» [مائده آیه ۱۱۹] خداوند از ایشان راضی است و آنان از خداوند راضیند که این رستگاری و سعادت‌مندی بزرگ است» که ما نیز از خداوند می‌خواهیم در این روز ما را از کسانی قرار دهد که به فوز عظیم دست یافته اند...

درخواست تقرب به خدا : «وَجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ إِلَيْكَ» . خدایا من را از مقربین در گاهت قرار بده؛ خدا نکند طوری زندگی کنیم که خدا به ما بگوید تو بنده من نیستی و ما را از درگاه ربوبی خودش دور کند و بگوید برو؛ گاهی پدر به فرزند نا صالح خود می‌گوید؛ برو تو دیگر فرزند من نیستی خدا هم گاهی به بنده خودش که غرق در معاصی شده است می‌گوید: از درگاه من دور شو که دیگر تو بنده من نیستی! خدا کند که خدا به ما بگوید، تو بنده من هستی. خداوند و رسولش و برگزیدگان از ایشان (یعنی اهل بیت عصمت و طهارت (ع) را اطاعت نمایند. عمل نموده تا بتوانند جزء کسانی قرار گیر که مقرب درگاه الهی هستند. پس ما نیز از خداوند می‌خواهیم به حق لطف و احسانش ما را جزء کسانی قرار دهد که مقرب درگاه اویند.

اثر تقوا : تقوا موجب تقرب به ذات اقدس الهی است. کسانی که به خداوند نزدیک‌ترند و در پیشگاه او آبرومندند که تقوای الهی را پیشه کنند چرا که خداوند در قرآن می‌فرماید «ان اکر مکم عند الله اتقکم» [حجرات آیه ۱۳] یعنی به درستی که گرامی‌ترین شما نزد پروردگار تقوا پیشه‌ترین شماست» و اگر به واژه رسول "اکرم" (ص) توجه کنیم و آیه «ولکم فی رسول الله اسوه حسنه» [احزاب آیه ۲۱] یعنی و برای شما در رسول خدا الگویی نیکو است» را در نظر بگیریم می‌توانیم دریابیم که کسانی که می‌خواهند نزد خداوند آبرویی پیدا کرده و مقرب درگاه او گردند با توجه به آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» [مائده آیه ۳۵] ای کسانی که ایمان آورده

ایست تقوای الهی را پیشه کنید و برای (رسیدن به خداوند) و آمدن به سوی او وسیله ای بیابید» باید به آیه «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم؛ [نساء آیه ۵۹] یعنی خداوند و رسولش و برگزیدگان از ایشان (یعنی اهل بیت عصمت و طهارت (ع) را اطاعت نمایند» عمل نموده تا بتوانند جزء کسانی قرار گیرد که مقرب درگاه الهی هستند. پس ما نیز از خداوند می‌خواهیم به حق لطف و احسانش ما را جزء کسانی قرار دهد که مقرب درگاه اویند.

راه شناخت استجابت دعا : انسان وقتی از همه جا نا امید می‌شود، آخر کار در خانه خدا می‌رود و آن وقت دعا مستجاب می‌شود. اگر می‌خواهی بدانی دعایت مستجاب می‌شود یا نه؟! به دلت مراجعه کن اگر دیدی در گوشه دلت به کسی غیر از خدا هم امیدواری بدان که دعایت مستجاب نمی‌شود ولی اگر از همه ناامیدی و چشم دلت دست به دامن الهی است بدان که دعای تو مستجاب شده است. در حدیث آمده است که به عزت و جلال قسم من قطع می‌کنم امید کسی را که به غیر من امید دارد. [اصول کافی، ج ۲، ص ۶۶]. در نامه امام علی به امام حسن (ع) در نهج البلاغه، حکمت‌های سه‌گانه ای برای تأخیر استجابت دعا ذکر شده است: گاه مشکلی در نیت و قصد شخص وجود دارد، گاه خداوند قصد دادن پاداش بزرگ‌تری را به شخص دارد و بعضی مواقع هم خداوند چیز بهتری را در وقت دیگری به بنده‌اش خواهد داد. در روایتی از امام حسن (ع) آمده است اگر کسی مواظب قلبش باشد تا اموری که مورد رضای خدا نیست در آن خطور نکند، من ضامنم که او مستجاب‌الدعوه باشد. [کافی، ج ۲، ص ۶۲]. امام سجاد علیه السلام فرمودند: *الْمُؤْمِنُ مِنْ دُعَائِهِ عَلَى ثَلَاثٍ: إِمَّا يُدَّخِرُ لَهُ، وَإِمَّا يُعَجِّلُ لَهُ، وَإِمَّا أَنْ يُدْفَعَ عَنْهُ بَلَاءٌ*

یُرِيدُ أَنْ يُصِيبَهُ؛ مؤمن از دعای خویش یکی از سه بهره را دارد: یا برایش ذخیره می‌شود، یا برایش مستجاب می‌گردد، یا بلایی که مقدر بوده به او برسد، از او دفع می‌شود. [تحت العقول، ص ۲۸۰]. از امام سجاد علیه السلام سؤال می‌کنند که چرا دعا می‌کنیم اما دعایمان مستجاب نمی‌شود؟ امام در پاسخ موانع استجابت دعا را این گونه معرفی می‌کنند: *وَالذُّنُوبُ الَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ سَوْءُ النَّيَّةِ وَ حُبُّ السَّرِيرَةِ وَ تَرْكُ التَّصَدِيقِ بِالْإِجَابَةِ وَ تَأْخِيرُ الصَّلَوَاتِ الْمَفْرُوضَاتِ حَتَّى تَذْهَبَ أَوْقَاتُهَا وَ اسْتِعْمَالُ الْبِدَاءِ وَ الْفُحْشِ فِي الْقَوْلِ؛* گناهایی که باعث عدم استجابت دعاست: بدی نیت، آلودگی باطن (بد ذاتی)، باور نداشتن اجابت دعا از جانب خدا، تأخیر نماز واجب تا از بین رفتن وقت آن، ناسزا و فحش در گفتار. [معانی الاخبار، مرحوم صدوق ص ۲۷۰ و ۲۷۱].

يَا خَسَنَ يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ . به حق احسانت خواسته‌های من را اجابت کن؛ ای کسی که غایت طالبین تویی!

#دعای روز یازدهم ماه رمضان

اَللّٰهُمَّ حَبِّبْ اِلَيَّ فِيْهِ الْاِحْسَانَ، وَكَرِّهْ اِلَيَّ فِيْهِ الْفُسُوْقَ وَالْعِصْيَانَ، وَحَرِّمْ عَلَيَّ فِيْهِ السَّخَطَ وَالتَّيْرَانَ، بِعَوْنِكَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيْثِيْنَ . خدایا در این ماه احسان و نیکی کردن را محبوب من گردان، و فسق «بیرون شدن از فرمان خدای» و نافرمانی و معصیت را مورد کراهت من قرار ده، و خشم و غضب و سوزندگی آتش دوزخ را بر من حرام کن، به یاریت ای فریاد رس بیچارگان و دادرس داد خواهان .

در این دعاچند نکته وجود دارد، ۱: دوست شدن بانی‌کوکاری و احسان، ۲: ناپسند شمردن بدی و فسق و نفرت داشتن از عصیان، ۳: دور شدن از خشم و غضب خدا و آتش سوزان جهنم، یاری گرفتن از فریاد رس بیچارگان و دادرس داد خواهان .

دوست داشتن با احسان : «اَللّٰهُمَّ حَبِّبْ اِلَيَّ فِيْهِ الْاِحْسَانَ» . خدایا کاری کن که خوبی‌ها را دوست داشته باشم و از بدی‌ها بدم بیاید و عبادت و انجام هر کار خوبی نزد من محبوب باشد. این دعای خیلی خوبی است که انسان طوری باشد از کار خوب لذت برد. اگر خواستیم کار خوبی انجام بدهیم مخفیانه انجام دهیم و قصد قربت داشته باشیم. طوری زندگی کنیم که آبروی کسی را نریزیم. در احسان، اهل ریاکاری نباشیم. که اگر این‌گونه بودیم در قیامت برای ما اجر و پاداشی نیست. اگر انسانی عمل نیکی را انجام دهد و هدفش از انجام آن عمل فقط جلب رضایت خداوند قادر و متعال باشد آنگاه است که می‌گوییم آن عمل نیک، احسان برای رضای خداوند بوده است. جنس خوب صدقه بدهیم؛ اگر متمکن هستیم جنس اعلاء را برای صدقه و خیرات کنار بگذاریم. بهترین خوبی‌ها این است که آدمی به فامیل فقیر کمک کند، بعضی‌ها به فامیل کمک نمی‌کنند. حتی مرحوم آیت الله العظمی بروجردی (ره) احتیاط می‌کردند و می‌گفتند: اگر در شهرتان مستحق وجود دارد؛ اشکال دارد که فطریه را به شهرهای دیگر بفرستید. در حدیث وارد شده است: «خَيْرُكُمْ مَنْ اطْعَمَ الطَّعَامَ» [اصول کافی، ج ۴، ص ۵۰] . بهترین شماها کسانی هستند که اطعام طعام می‌کنند؛ غذا درست می‌کند و به دیگران اطعام می‌دهد.

احسان برای رضای خدا : اگر انسانی عمل نیکی را انجام دهد و هدفش از انجام آن عمل فقط جلب رضایت خداوند قادر و متعال باشد آنگاه است که می‌گوییم آن عمل نیک، احسان برای رضای خداوند بوده است. انفاق، نوعی احسان است: خداوند (عزوجل) در قرآن می‌فرماید: «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»؛ [بقره آیه ۱۹۵] یعنی و در راه خدا انفاق کنید و با دستانتان خودتان را به هلاکت نیندازید و احسان و نیکوکاری کنید که همانا خداوند نیکوکاران را دوست دارد. . این آیه نشان دهنده آن است که

انفاق عمل نیکویی است که انسان را از هلاکت نجات بخشد و این در صورتی است که این احسان جزء «وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» [بقره آیه ۲۶۵] باشد. که آنگاه است که خداوند در قرآن می‌فرماید: «لَا يَرْجُو أَجْرَهُ عِنْدَ اللَّهِ وَلَا خَوْفٌ

عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» [بقره آیه ۱۱۲] یعنی آری، کسی که تسلیم حکم خداوند گردید و نیکوکار گشت پس (مسلم است که) اجرش نزد خداوند بزرگ خواهد بود و او را هیچ خوف و اندیشه و هیچ حزن و اندوهی (در دنیا و آخرت) نخواهد بود.»

احسان برای ریا و جلب توجه مردم: اگر انسانی عمل نیکی را که در ظاهر خداپسندانه است انجام دهد و هدفش جلب توجه مردم باشد، آنگاه است که: «اولاً» در انجام آن عمل نیک برای خداوند شریک قائل شده است. ثانیاً» عمل او ریا بوده و هیچ اجر و پاداش از طرف خداوند برای آن عمل نمی‌باشد چرا که این‌گونه افراد از یاران و هم‌قربان شیطان‌اند، که اگر در این مورد نیز انفاق را در نظر بگیریم خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا» [نساء آیه ۳۸] یعنی آنان که اموال خود را به قصد ریا و خودنمایی انفاق می‌کنند و به خدا و روز قیامت ایمان نمی‌آورند (ایشان یاران شیطان‌اند) و هر که را شیطان یار اوست بسیار بدیاری خواهد داشت...»

مصدق فسوق و عصیان: «وَكُرَّةٌ إِلَيَّ فِيهِ الْفُسُوقُ وَالْعِصْيَانُ». خدایا من را طوری قرار بده که از فسق و معصیت بیزار بشوم و از گناه کردن بدم بیاید. فسوق و العصیان چیست؟ هرگاه انسان عملی را بر خلاف دستورات الهی انجام دهد آنگاه است که گویند او عصیان پروردگار خویش را نموده است یعنی سرپیچی از دستور پروردگار خویش نموده است که اگر انسان به این عمل خویش یعنی معصیت پروردگار اصرار ورزیده و ادامه دهد آنگاه است که او را فاسق نامند چرا که او دائماً به معصیت ذات اقدس الهی مشغول بوده است. خداوند در نظر انسانی گناه و معصیت و هر عمل ناپسندی را زشت و منفور سازد آنگاه است که آن انسان به حقیقت هدایت یافته و به مسیر سعادت دست خواهد یافت.

نتیجه دوری از فسق و معصیت الهی: خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَكُرَّةٌ إِلَيْكُمْ الْكُفْرُ وَالْفُسُوقُ وَالْعِصْيَانُ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ» [حجرات آیه ۷] یعنی خداوند کفر و فسوق و معصیت را در نظر تان زشت و منفور ساخت و اینان به حقیقت اهل صواب و هدایت‌اند» که از این آیه در می‌یابیم که اگر خداوند در نظر انسانی گناه و معصیت و هر عمل ناپسندی را زشت و منفور سازد آنگاه است که آن انسان به حقیقت هدایت یافته و به مسیر سعادت دست خواهد یافت.

ترس از عذاب الهی: «وَحَرَّمَ عَلَيَّ فِيهِ السَّخَطَ وَالتَّيْرَانَ». خدایا غضب و آتش خودت را بر من حرام کن. خداوند عزوجل در قرآن می‌فرماید: «وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ؛ [بقره آیه ۱۹۶] و از خداوند بترسید (و تقوای او را پیشه کنید) و بدانید به درستی که خداوند سخت عذاب است.» کسانی از عذاب الهی در امانند و آتش دوزخ بر آنان حرام است که تقوای الهی پیشه نموده و از معاصی و نافرمانی از دستورات او بپرهیزند که این عذاب و عقاب الهی برای کسانی می‌باشد که به معصیت و نافرمانی ذات اقدس او مشغول‌اند به طوری که شکرگزار نعمت‌های خداوند نبوده و خداوند از آنان راضی نمی‌باشد چنانچه خداوند متعال در قرآن در مورد دلیل عذاب بندگان خویش می‌فرماید: «مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَآمَنْتُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا؛ [نساء آیه ۱۴۷] اگر شما از لطف خداوند شکرگزار باشید و به او ایمان آوردید خداوند چه غرضی دارد که شما را عذاب کند؟ که خداوند در مقابل نعمت، شکر شما را می‌پذیرد و عملش به صلاح خلق احاطه دارد.» پس با توجه به این آیه کسانی از عذاب الهی در امانند و آتش دوزخ بر آنان حرام است که تقوای الهی پیشه نموده و از معاصی و نافرمانی از دستورات او بپرهیزند. در روایت آمده است: اگر شما یک قدم به سوی او برداری خداوند هروله کنان به سوی تو می‌دود؛ [پیام پیامبر، ترجمه فارسی، ص ۳۰۳] لذا ناامید هم نباشیم. ولی باید یک قدم به سوی او برداریم تا امدادهای الهی را ببینیم.

کمک خدا: «يَعُوْذُكَ» خدایا همه این دعاها را از تو خواستم ولی تا خودت کمک نکنی من نمی‌توانم به این امور متخلق بشوم و بدون یاری تو این مسائل محقق نمی‌شوند. در روایت آمده است: اگر شما یک قدم به سوی او برداری خداوند هروله کنان به سوی تو می‌دود؛ [پیام پیامبر، ترجمه فارسی، ص ۳۰۳]. لذا ناامید هم نباشیم. ولی باید یک قدم به سوی او برداریم تا امدادهای الهی را ببینیم.

يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ: «يَعُوْذُكَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ». به یاریت، ای دادرس داد خواهان. ای خدایی که هر کسی که به تو بگوید الهی پناهم بده تو پنااهش می‌دهی. "ابراهیم بن محمد همدانی" می‌گوید: از حضرت رضا(ع) پرسیدم که به چه علت خداوند فرعون را غرق کرد و آن را هلاک نمود با این که فرعون به خداوند ایمان آورد. حضرت فرمود: "فرعون" وقتی ایمان آورد که فایده ای نداشت و کار از کار گذشته بود به علاوه فرعون وقتی دید در حال غرق شدن است متوسل به "حضرت موسی" شد و آن جناب به فریاد او نرسید و بعد که رفت به مقام مناجات به حضرتش خطاب شد که: ای موسی! به فریاد فرعون نرسیدی زیرا به جهت آن که تو او را نیافریده بودی به عزت خودم سوگند که اگر به من متوسل شده بود به فریاد او می‌رسیدم.

#دعای روز دوازدهم ماه رمضان

اَللّٰهُمَّ زَيِّنِيْ فِيْهِ بِالسَّتْرِ وَالْعَفَافِ، وَاسْتُرْنِيْ فِيْهِ بِلِبَاسِ الْقُنُوْعِ وَالْكَفَافِ، وَاحْمِلْنِيْ فِيْهِ عَلٰى الْعَدْلِ وَالْاِنْصَافِ، وَآمِنِّيْ فِيْهِ مِنْ كُلِّ مَا اَخَافُ، بِعِصْمَتِكَ يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِيْنَ. خدایا در این ماه مرا به ستر و پوشش و عفاف و پاکدامنی زینت بده، و به لباس قناعت و کفاف و کفایت و اکتفا باندازه ی حاجت مرا مستور دار، و بر عدل و عدالت و انصاف مرا وادارنما، و مرا از هر چه که از آن ترسانم ایمنی بخش و آسوده ام دار، به عصمت خودت به حفظ خودت به نگهبانی خودت ای حافظ و نگهبان خائفین . {ستر یا ستر به معنای پوشاندن بدن(حجاب) و پوشاندن عیب است}

در این دعاچند نکته وجود دارد، ۱: زینت پیدا کردن به آرایشی بی آرایش و پوشش و عفاف و پاکدامنی، ۲: پوشیده شدن به لباس قناعت و کفاف و کفایت و اکتفا باندازه ی حاجت، ۳: رفتن براه عدل و عدالت و انصاف، ۴: ایمنی و آسودگی از هر آنچه موجب دلهره و ترس است، ۵: عصمت و حفظ و نگهبانی و نگهداری خداوند خائفین را .

ستر و عفاف : «اَللّٰهُمَّ زَيِّنِيْ فِيْهِ بِالسَّتْرِ وَالْعَفَافِ» خدایا روزی کن من را در ماه رمضان و به دو چیز زینت بده: ستر و عفاف. خدایا در این روز مرا به «ستر» حجاب و عفاف زینت ده . خدایا مرا به زیور «ستر» پوشش و پاکدامنی زینت بخش . ستر یعنی اینکه گناهان مردم را مخفی کنم. به ما چه ارتباطی دارد که فلانی عیب دارد؟ خوش به حال بنده ای که به عیب خودش می پردازد و به عیب دیگران کاری ندارد. اگر رفیقت هم عیب دارد به کسی نگو. غیبت حرام است و عمل چهل روز را از بین می برد و اعمال خوب غیبت کننده را در نامه اعمال شخص غیبت شونده می نویسند. چه خوب است که خوبی های مردم را بیان کنیم. آن ها که به عیب دیگران کاری ندارند، بهترین زینت را دارند. حدیث داریم خوش به حال کسی که به عیب خود پرداخته به عیب دیگران کاری ندارد. در ادامه دعا عفاف آمده است. عفاف یعنی اینکه گناه نکنیم و عفت نفس داشته باشیم که گناه نکردن است. پس بیان نکردن گناه دیگران و داشتن عفاف اولین دعایی است که در این روز از خدا می خواهیم. ستر یا ستر به معنای پوشاندن، تعابیر مختلفی دارد : الف) پوشاندن بدن(حجاب) . ب) پوشاندن عیب که منظور هم عیب خود و هم عیب دیگران است. خدایا عیب های مرا بپوشان تا باعث آبروریزی نشود؛ در نتیجه انسان باید عیب های خودش را بپوشاند. علاوه بر آن، باید عیب های دیگران را نیز پوشانده و غیبت، عیب جویی و ... نکند، که این بهترین زینت است. نکته : اولاً : حجاب و عفاف زینت است. ثانیاً : پوشش و حجاب مقدمه عفاف، بلکه لازمه آن است. ثالثاً: حجاب و عفاف مشترک بین زن و مرد می باشد، ولی در زن ها، فلسفه و حکمت بیشتری داشته و رایج تر است. حجاب انواع مختلفی دارد:

دیداری (چشم)، گفتاری (زبان)، شنیداری (گوش)، پوششی (بدن)، رفتاری (حرکات) و ناموسی (عفت)؛ که گاهی در تعبیر با عنوان عفت زبان، عفت چشم، عفت گوش و... آمده است؛ در نتیجه تمام اعضای انسان باید عفت داشته باشد و همه انواع حجاب واجب است. حجاب در دو معنای پوشش مقداری که در شرع مشخص شده واجب است و فاصله میان دو چیز بکار می‌رود. پوشش و حجاب امری انسانی و بشری است نه اسلامی. النهایه اسلام حدود و ثغور آن را معین کرده است. لذا اصل حجاب حکم تاسیسی نیست بلکه امضائی است و در دو سوره نور و احزاب به مساله حجاب، انواع آن و کیفیتش پرداخته شده‌است.

لباس قناعت و کفایت : «وَأَسْتُرْنِي فِيهِ بِلِبَاسِ الْقُنُوعِ وَالْكَفَافِ» خدایا من را به دو چیز مستور کن؛ یکی لباس قناعت و دیگری کفاف. کفاف یعنی اینکه زندگی را بگذرانیم. اگر مال و ثروت زیاد داشته باشیم گرفتار می‌شویم و اگر دستان پیش کسی دراز باشد ذلیل می‌شویم پس از خدا بخواهیم که به اندازه کفاف زندگی به ما بدهد. رسول اکرم (ص) فرمودند: مَا قَلَّ وَكَفَى خَيْرٌ

مِمَّا كَثُرَ وَ أَلْهَى؛ آنچه اندک باشد و کفایت کند، از آنچه که فراوان باشد و [آدمی را به خود] مشغول سازد بهتر است. (جهاد النفس ح ۶۳۱). قناعت هم به انسان عزت می‌دهد و کسی که قناعت دارد خدا او را عزیز می‌کند. بزرگ‌ترین گنج، قناعت است و قناعت سرمایه ای بی‌پایان. قناعت، یعنی نخواستن، کم خواستن، راضی بودن به داشته و کندن دندان طمع. وقتی به خواهش‌های بی‌مورد دل جواب «نه» ندادی و به دام خواسته‌های حرص افتادی، اسیر گنداب «دنیا» می‌شوی باتلاقی که هرچه بیشتر در آن دست و پا می‌زنی و تلاش می‌کنی، بیشتر در آن گرفتار می‌شوی. نتیجه آن مشخص است! نفس، چاه ویلی است که هیچ‌گاه پر نمی‌شود. درد «تکاثر» و «افزون طلبی»، زخم ناسور بشریت بوده و هست و تنها مرهم آن «قناعت» است.

در خواست عدل و انصاف : «وَاحْمِلْنِي فِيهِ عَلَى الْعَدْلِ وَالْإِنصَافِ» خدایا من را عادل کن و کاری کن انصاف داشته باشم. در تعریف لغوی عدل آمده است (العدل: الانصاف و هو اعطاء المرء ماله و اخذ ما عليه. مصطفی ابراهیم، ج ۲، ص ۵۹۴): عدل یعنی انصاف و این که به هر فرد آنچه اختصاص به او دارد بدهی و از او هر آنچه که باید گرفت بگیری. وَقَالَ (عليه السلام) : فِي قَوْلِهِ تَعَالَى إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ الْعَدْلُ الْإِنصَافُ. امام علیه السلام در باره آیه شریفه که می‌گوید: خدا دستور به عدل و احسان داده است فرمود: «عدل انصاف است» [نهج البلاغه حکم ۲۲۸]. شیخ صدوق از حضرت علی ع روایت کرده که فرمود: «العدل وضع كل شيء موضعه؛ عدالت، آن است که هر چیزی در جای خودش قرار گیرد.» و یا «العدل اعطاء كل ذي حق حقه؛ عدالت، آن است که حق هر صاحب حقی، داده شود.» . بِعَصْمَتِكَ يَا عِزَّةَ الْخَائِفِينَ

#دعای روز سیزدهم ماه رمضان

اَللّٰهُمَّ طَهِّرْنِيْ فِيْهِ مِنَ الدَّنَسِ وَالْاَقْدَارِ، وَصَبِّرْنِيْ فِيْهِ عَلٰى كَاثِرَاتِ الْاَقْدَارِ، وَوَقِّفْنِيْ فِيْهِ لِلتَّقٰى وَصُحْبَةِ الْاَبْرَارِ، بِعَوْنِكَ يَا قُوَّةَ عَيْنِ الْمَسٰكِيْنِ. خدایا در این ماه مرا از پلیدی و آلودگی و ناپاکی و کثافت‌های ظاهری و باطنی و مادی و معنوی پاک و پاکیزه کن، و بر آنچه مقدر شده از حوادث و شرور و آفات و قضا و قدر صبر و تحمل عطا کن، و بر تقوی و پرهیزکاری و مصاحبت و هم نشینی با نیکوکاران موفق بدار، به یاری خودت ای روشنی دیده و مایه شادی و اطمینان خاطر مسکینان. در این دعاچند نکته وجود دارد، ۱: پاک شدن از پلیدی و آلودگی و ناپاکی و کثافت‌های ظاهری و باطنی و مادی و معنوی، ۲: صبر و تحمل در مقابل حوادث و شرور و آفات و قضا و قدر الهی، ۳: دارا بودن تقوا و پرهیزکاری و همنشینی و دوستی با ابرار و نیکان، ۴: یاری جستن و کمک خواستن از روشنی دیده و مایه شادی و اطمینان خاطر مسکینان.

پاکی از گناه و معصیت : «اَللّٰهُمَّ طَهِّرْنِيْ فِيْهِ مِنَ الدَّنَسِ وَالْاَقْدَارِ» در این دعا از خدا می‌خواهیم ما را از کثافات پاک کند. منظور از «کثافات»، چرک گناه و معصیت است. انسان اگر اهل معصیت باشد، بوی بدی به خود می‌گیرد و اگر مؤمن باشد، خوش بو خواهد بود. چهره را با آب می‌شویند و دل را با «توبه»! شستشوی با آب، «پاکیزه» می‌کند، اما تقوا و دین، «پاک» می‌سازد. باید بر طهارت درون و برون، از آلودگی‌های ظاهری و باطنی تأکید کنیم. حتی پاکیزگی ظاهر را رمزی از طهارت قلبی و درونی قرار دهیم. به قول بعضی از عارفان، صاحبان بصیرت بدانند که ایمان، با آباد کردن دلها و درون‌ها ست و سخن پیامبر که فرموده: «طهور، نصف ایمان است»، آنست که: آباد ساختن ظاهر با شستشو و تمیز کردن با ریختن آب، نصف ایمان است، و نصف دیگر، عمارت و آبادی درون است با اعمال شایسته و اخلاق نیکو. مراتب چهارگانه «طهارت»: «مرتبه اول»: پاک ساختن ظاهر از آلودگی‌ها و کثافت‌ها. «مرتبه دوم»: پاک ساختن اعضا و جوارح و اندام از جرم‌ها و گناهان و معاصی. «مرتبه سوم»: پاک ساختن قلب از رذایل اخلاقی و خصلت‌های زشت. «مرتبه چهارم»: پاک ساختن درون و راز قلبی، از هر چه که جز خدای متعال باشد. و این، طهارت انبیاء و صدیقین است. و دست یافتن به هر یک از این مراحل، بسته به این است که انسان از مرحله قبلی گذشته باشد. طهارت دل از غیر خدا، برای کسی میسر است که قلبش از اخلاق ناپسند و دست و پا اندامش از گناه، و ظاهرش از آلودگی‌ها پاک شده باشد. **برطرف کردن بوی تعفن روح :** «الدَّنَسِ وَالْاَقْدَارِ» مراد از این عبارت «کثافات و پلیدی گناه» است، گناه آدمی را کثیف می‌کند و دل را زنگار می‌گیرد. برای اینکه زنگار قلب را از بین ببریم باید سحرها قرآن بخوانیم. در روایت آمده است که قلب انسان زنگ می‌زند، همان‌طوری که آهن

زنگ می‌زند، پس قلبتان را با استغفار و قرائت قرآن جلا بدهید. همچنین کمک کردن و دستگیری از یتیمان هم زنگار دل را از بین می‌برد. در حال حاضر زمانه به گونه ای است که طهارت واقعی نداریم و همه چیز شبهه ناک است. در طول سال انواع غذا‌های حرام و شبهه ناک را خورده ایم و «ماه رمضان» فرصتی برای شست‌وشوی باطنی است.

قضا و قدر حتمی الهی : مراد از «كَائِنَاتِ الْأَقْدَارِ»، قضا و قدر حتمی الهی است. هر کس در لوح محفوظ قضا و قدری دارد که نمی‌داند صلاح او در آن امر است. «وَصَبَّرْنِي فِيهِ عَلَى كَائِنَاتِ الْأَقْدَارِ» در این بخش از دعا از خدا می‌خواهیم که ما را در برابر قضا و قدر خویش راضی کند. بنابراین از خدا درخواست می‌کنیم که خدایا مرا بر تقدیر خودت صابر قرار بده! مراد از «كَائِنَاتِ الْأَقْدَارِ»، قضا و قدر حتمی الهی است. هر کس در لوح محفوظ قضا و قدری دارد که نمی‌داند صلاح او در آن امر است. انسان در تمام مراحل زندگی برای رشد و ترقی و ارزیابی عملکردش امتحان می‌گردد و کسانی در این امتحان پیروز می‌گردند که بر مشکلات و مصائب صبر نمایند.

صبر در مقابل امتحان الهی : خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَلَبِلُونَكُمْ بَشْيَ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ» [بقره/سوره ۲، آیه ۱۵۵] یعنی و امتحان می‌کنیم شما را به وسیله‌ای از ترس و گرسنگی و نقصان و ضرر از اموال و خودتان و میوه‌هایتان (در باغ‌ها) و بشارت باد بر صابران» که این آیه نشان دهنده آن است که انسان در تمام مراحل زندگی برای رشد و ترقی و ارزیابی عملکردش امتحان می‌گردد و کسانی در این امتحان پیروز می‌گردند که بر تقدیرات الهی راضی بوده و بر مشکلات و مصائب صبر نمایند. هنگامی که مصیبتی بر آنان وارد شد، بگویند: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ» [بقره/سوره ۲، آیه ۱۵۵] یعنی همه ما برای خداییم و به سوی او باز می‌گردیم» که خداوند نیز در عوض صبر و ایمان آن‌ها در قرآن می‌فرماید: «وَلَوْلِكَ عَلَيْهِمْ صَلَواتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ» وَلَوْلِكَ هُمْ لَمَّهَتُونَ؛ [بقره/سوره ۲،

آیه ۱۵۷] یعنی آنان گروهی هستند مخصوص به درود و الطاف الهی و رحمت خاص پروردگار و آنان خود هدایت یافتگانند». دل بی‌غم در این عالم نباشد اگر باشد بنی آدم نباشد. در این دنیا هر شخصی به میزان خود دارای غم و مشکل است. استادام (مرحوم شیخ علی اکبر برهان) می‌گفت: اگر یک روز گفتم که من غصه ای ندارم، بدان که اجلت نزدیک است! سید بن طاووس به فرزندش می‌گوید: پسر من خانه که می‌سازی، بگذار گوشه ای از آن خرابه باشد تا بدون غصه و دغدغه نمانی.

تقوا و پرهیزکاری : «وَوَفَّقْنِي فِيهِ لِلتَّقَى» در این بخش از دعا از خدا می‌خواهیم که ما را موفق به تقوی کند. تقوا به معنی این هست که اگر کسی از اعمال ما با خبر شود، طوری زندگی کرده

باشیم که ناراحت نشویم. ماه مبارک رمضان فرصتی برای تمرین تقوا است. «ان اکرمکم عندالله اتقکم؛ [حجرات/سوره ۴۹، آیه ۱۳] یعنی به درستی که گرامی‌ترین شما نزد خداوند تقوا پیشه‌ترین شماست» و برای آنکه ما نزد پروردگار خویش دارای اجر و قربی باشیم باید تقوای الهی را پیشه کنیم که تقوا یک کلام به مفهوم انجام واجبات و ترک محرمات الهی می‌باشد که انسان را به مقام‌های والای دنیوی و اخروی می‌رساند که یکی از آن مقامات این است که انسان تقوا پیشه و پرهیزکار طبق آیه قرآن نزد پروردگار خویش دارای حرمت می‌گردد چنانچه خداوند در تمام امور در دنیا و آخرت او را کفایت می‌کند. تقوا مرحله ای برین، از خودسازی است، لباس زیبا بر جان انسان است، جامه جان و لباس روح است. تقوا، مصونیت در برابر گناه ایجاد می‌کند، «تقوا»، به فرموده امام علی علیه السلام در نهج البلاغه، مرکبی است راهوار، که سوار خود را آرام وارد بهشت می‌کند و خطا و معصیت، اسبی سرکش و مرکبی چموش است که سوار را با مغز بر زمین می‌کوبد و با فشار، به جهنم پرتاب می‌کند. [نهج البلاغه، خطبه ۱۶ آلا و انّ التّقوی...]

رابطه تقوا و مصاحبت با نیکان : «وَصُحْبَةُ الْأَبْرَارِ» در این بخش از دعا از خدا می‌خواهیم که خدایا ما را با خوبان و ابرار هم‌نشین کند. باید به این نکته توجه داشت که با چه کسی هم‌نشین می‌شویم چنانچه در شعری داریم: «با بدان کم نشین که صحبت بد/ گر چه پاکی تو را پلید کند». «وَوَفَّقْنِي فِيهِ لِلتَّقَى وَصُحْبَةِ الْأَبْرَارِ» رابطه تنگاتنگی بین تقوا و مصاحبت با نیکان می‌باشد چرا که انسان تقوا پیشه هیچ گاه با بدکرداران و کسانی که معصیت پروردگار خویش را انجام می‌دهند مصاحبت و معاشرت نمی‌کند چرا که خود خداوند نیز در قرآن می‌فرماید: «قل لایستوی الخبیث والطیب؛ [مائده/سوره ۵، آیه ۱۰۰] بگو که خبیث و آلوده به کثافات و طاهر و پاکیزه مساوی نمی‌باشند» تنها مصاحبت تقواییان با نیکان و ابرار است چرا که خود نیز از نیکان و ابرار هستند. زیرا کسی به درجه ابرار و نیکان نرسد مگر اینکه تقوای الهی را پیشه سازد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «خداوند به هر کس که بخواهد خیری دهد، به او دوستی صالح و شایسته روزی می‌کند، که اگر از یاد خدا غافل شود، خدا را به یادش می‌آورد. و اگر در یاد خدا باشد، در این مسیر، یاریش می‌نماید». [بحار الأنوار، ج ۷۴ ص ۱۶۴] همنشین تو، از تو، به باید - تا تو را «عقل» و «دین» بیفزاید. یا بقول سنائی: با بدان کم نشین که صحبت بد. گرچه پاکی تو را پلید کند. گلی خوشبوی در حمام روزی - رسید از دست محبوبی بدستم الخ. «بَعُوْنِكَ يَا قُرَّةَ عَيْنِ الْمَسَاكِينِ» خدایا به کمک و یاری خودت این چهار دعای من را مستجاب کن، ای کسی که روشنی چشم فقرا هستی.

#دعای روز چهاردهم ماه رمضان

اَللّٰهُمَّ لَا تُؤَاخِذْنِيْ فِيْهِ بِالْعَثَرَاتِ، وَاقْلِبْنِيْ فِيْهِ مِنَ الْخَطَايَا وَالْهَفَوَاتِ، وَلَا تَجْعَلْنِيْ فِيْهِ غَرَضًا لِلْبَلَايَا وَالْاَلْقَاتِ، بِعِزَّتِكَ يَا عِزُّ الْمُسْلِمِيْنَ . خدايا مرا در اين ماه مؤاخذه و سرزنش مكن به لغزش‌ها، و درگذر از خطاها و سهوها و لغزشها و بيهودگي‌هاى من، و قرار مده مرا هدف و نشانه ي تيرهاى بلاها و آفتها، به عزت اى عزت دهنده مسلمانان.

در اين دعاچند نکته وجود دارد، ۱: درخواست بخشش از لغزش‌ها و مؤاخذه و سرزنش نشدن بخاطر آنها، ۲: درخواست گذشت از خطاها و سهوها و بيهوده كاريها، ۳: ايمنى از قرار گرفتن در معرض تيرهاى بلاها و آفتها، ۴: درخواست عزت از خداى عزيز و عزت دهنده ي مسلمانان .

مؤاخذه به لغزش‌ها : «اللهم لاتواخذنى فيه بالعثرات» . كسى كه نماز اول وقت نمى‌خواند و به كارهاى دنيوى خود ادامه مى‌دهد، نماز اول وقت انسان را نفرين مى‌كند و مى‌گويد: «خدا ضايع كند تو را كه من را ضايع كردى!» اين در حالى است كه اگر مسلماني اول وقت نماز بخواند، نماز او را دعا مى‌كند و مى‌گويد: «خدا حفظ كند تو را كه من را حفظ كردى» و زندگى رو به روال مى‌افتد. گاهى آدم مى‌لغزد و ايمان‌ش ضعيف مى‌شود و تقوايش از بين مى‌رود. گناهان آدمى همان لغزش است و بايد از خدا بخواهد كه مؤاخذه نشود. خدا در اثر گناه به غضب مى‌آيد و سيل و زلزله و بلايى طبيعى همه آثار گناه است. گاه مردم توجه نمى‌كنند كه غالب اين اتفاقات و تصادفات به علت انجام گناه است. اگر كسى با خدا باشد، هيچ كس نمى‌تواند عليه او توطئه كند، چون او خدا را دارد. هر كس در حد توانايى كه دارد مسئول اعمال خويش مى‌باشد و بيش از آن بر او تكليفى نخواهد بود؛ «لا يكلف الله نفسا الا وسعها؛ [بقره/سوره ۲، آيه ۲۸۶] يعنى خداوند هيچ كس را تكليف نكند مگر به قدر توانايى او» چرا كه «يريد الله ان يخفف عنكم و خلق الانسان ضعيفا؛ [نساء/سوره ۴، آيه ۲۸] يعنى خداوند مى‌خواهد كار را بر شما آسان كند كه انسان ضعيف خلق شده است.» . در قرآن كريم مى‌خوانيم: «اگر خداوند، بندگان را نسبت به ستمهايشان مؤاخذه مى‌كرد، هيچ جنبنده اى را روى زمين باقى نمى‌گذاشت، لكن تا «اجل» و فرصتى معين، آنان را تأخير مى‌اندازد.» [نحل، آيه ۶۱] باز، از قول خداى متعال بشنويم: «خداى تو، آمرزنده و مهربان است، اگر خداوند، مردم را به آنچه در اين جهان مرتكب مى‌شوند، مؤاخذه كند نسبت به عذاب آنان را در همين دنيا، شتاب مى‌ورزد، ليكن براى مردم، موعدى قرار داده كه اگر آن موعد برسد، مردم فرارگاهى نخواهد يافت» [كهف، آيه ۵۸] راستى، اگر بنا باشد كه خداوند، در محاسبه عمل مردم در آخرت، و نيز در همين دنيا، جود و كرم و بزرگواري خود را كنار بنهد و با مقياس دقيق «عدل» رفتار كند، چگونه مى‌توان از عذاب خداوند رست؟ با اين

همه گناه و نافرمانی، با این همه نیت‌های آلوده و ریاضات و تزویرها، برای خوشایند مردم کار کردن ها، شهرت طلبی ها، نام جویی ها، غرورها و تکبرها، باطل پرستی ها، غیبت ها و سوءظن ها...
مؤاخذة انسان بر اساس تواناییهاست : هر انسانی که پا به عرصه دنیا می‌گذارد و در مدت عمر معینی در آن زندگی می‌کند باید در تمام مراحل آن از قوانین و دستورات الهی پیروی نماید چرا که در غیر این صورت مورد مواخذة و محاسبه الهی قرار می‌گیرد؛ «وان تبدوا ما فی انفسکم او تغفوه یحاسبکم به الله؛ [بقره/سوره ۲ آیه ۲۸۴] یعنی و اگر شما (از غرض‌های خیر و شر) در دل دارید (به طوری که) آشکار و یا مخفی کنید همه را خداوند در محاسبه شما خواهد آورد.» و آن به گونه ای است که هر کس در حد توانایی که دارد مسئول اعمال خویش می‌باشد و بیش از آن بر او تکلیفی نخواهد بود؛ «لا یكلف الله نفسا الا وسعها؛ [بقره/سوره ۲، آیه ۲۸۶] یعنی خداوند هیچ کس را تکلیف نکند مگر به قدر توانایی او» چرا که «یرید الله ان یخفف عنکم و خلق الانسان ضعیفا؛ [نساء/سوره ۴، آیه ۲۸] یعنی خداوند می‌خواهد کار را بر شما آسان کند که انسان ضعیف خلق شده است.» ما نیز در این روز از خداوند می‌خواهیم به خاطر لغزش‌هایی که در طول عمر خویش داریم ما را مواخذة ننماید؛ «ربنا لا تواخذنا نسینا او اخطانا؛ [بقره/سوره ۲، آیه ۲۸۶] یعنی خدایا ما را بر آنچه که به فراموشی یا به خطا (انجام داده ایم) مواخذة مکن» خدایا لغزش‌های ما را اقاله کن؛ یعنی ما را بدون هزینه ببخش.

اقاله و بخشش گناهان : «واقلنی فیہ من الخطایا والہفوات» . «اقاله» کن و گناهان ما را بیامرز. در دعای کمیل هم این لفظ است که ... وَ أَقْلَنِي عُثْرَتِي وَ اغْفِرْ زَلَّتِي. خدایا لغزش‌های ما را اقاله کن؛ [مفاتیح الجنان، ص ۱۲۱] یعنی ما را بدون هزینه ببخش. در اعمال دحوالارض نیز آمده است: یا مُقِيلَ الْعَثَرَاتِ اَقْلِنِي عُثْرَتِي یا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ اَجِبْ دَعْوَتِي یا سَامِعَ الْأَصْوَاتِ اِسْمَعْ صَوْتِي وَ اِزْحَمْنِي وَ تَجَاوَزْ عَنْ سَيِّئَاتِي وَ مَا عِنْدِي یا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ. در مورد معامله نیز چنین لفظی در فقه وجود دارد. یعنی فروشنده و خریدار حق فسخ معامله را تا زمانی که با یکدیگر هستند، دارند. اما بعد از جدایی و بدون دلیل نیز اگر مشتری جنس را پس آورد، کاسب مستحب است آن را قبول کند. مثلاً شخصی یک ظرف ماست می‌خرد و به منزل می‌برد و متوجه می‌شود که پیش از وی ظرف ماست دیگری نیز خریداری شده است. در این حالت اگر ظرف ماست را به فروشنده باز گرداند، مستحب است وی آن را بپذیرد و پول آن را عیناً پس دهد. خداوند عزوجل بهترین عذر پذیرنده‌هاست که از بندگان خویش زود، راضی می‌گردد به طوری که او به سریع الرضا یعنی زود راضی می‌گردد معروف است و در قرآن بندگان خویش را به سوی رحمت و مغفرت خویش فرا می‌خواند «و سارعوا الی مغفره من ربکم و جنه عرضها السموات و الارض؛ [آل

عمران/سوره ۳، آیه ۱۳۳] یعنی و به سوی غفران و آمرزش الهی و باغی (بهشتی) که عرض آن آسمان و زمین را فرا گرفته است سرعت بورزید» بدون آنکه نیازی به بندگان خویش داشته باشد «الله الصمد؛ [اخلاص/سوره ۱۱۲، آیه ۲] یعنی خداوند بی نیاز است» و این در حالی است که ما غیر از او کسی را نداریم «الهی و ربی من لی غیرک؛ یعنی ای خدا و پروردگار من چه کسی غیر از تو برای من می‌باشد.» [مفاتیح الجنان، ص ۱۱۷] و غیر از او چه کسی می‌تواند عذر ما را پذیرفته و گناهان ما را ببامرزد «و من یغفر الذنوب الا الله؛ [آل عمران/سوره ۳، آیه ۱۳۵] یعنی و چه کسی غیر خداوند (می‌تواند) گناهان را ببامرزد» پس ما نیز در این روز به درگاه الهی پناه برده و از او می‌خواهیم که عذر ما را به خاطر خطاهایی که انجام داده ایم بپذیرد و از گناهان ما درگذرد. قرآن در جای دیگری می‌فرماید: «خدا برنامه‌های مردم را عوض نمی‌کند، آن‌ها را گرفتار بلا نمی‌کند مگر اینکه خودشان را تغییر دهند.» [رعد/سوره ۱۳، آیه ۱۱].

ایمنی از بلا و آفات : «وَلَا تَجْعَلْنِي فِيهِ غَرَضًا لِلْبَلَاءِ وَالْآفَاتِ». خدایا من را تیر بلا قرار مده. سیل و رانش زمین یعنی همان تیر! هواپیما در آسمان پرواز می‌کند و ناگاه روی ساختمانی فرود می‌آید و همه ساکنان آن از بین می‌روند. این غرض و تیر بلاست که حاصل گناه و خطاهای ماست. تمام پیش‌آمدهایی که می‌شود همه نتیجه گناهان ماست. آیه قرآن می‌فرماید: «هر گرفتاری برای شما پیش می‌آید، دسترنج خودتان است.» [شوری/سوره ۴۲، آیه ۳۰] هر چه بکاری همان را درو می‌کنی. از گندم، گندم و از جو، جو می‌روید. قرآن در جای دیگری می‌فرماید: «خدا برنامه‌های مردم را عوض نمی‌کند، آن‌ها را گرفتار بلا نمی‌کند مگر اینکه خودشان را تغییر دهند.» مثل ماشین که انحراف به چپ پیدا کند، تصادف می‌کند، ما هم اگر انحراف به چپ داشته باشیم با عذاب خدا تصادف می‌کنیم. حدیثی از امام علی علیه السلام داریم که «بلا و گرفتاری، برای ظالم ادب است و برای مؤمن، عبرت و تجربه است و برای انبیاء، درجه.» [آن بلا ظالم لبّ و المؤمن متحنّ و الانبياء درجة] و الاصلح ۶ ص ۳۳۵ المصنوع علیه السلام فرموده است. «از پروردگارتان، عفو و عافیت مسئلت کنید. چرا که شما اهل بلاکشی و جزء مردان بلا و آزمایش نیستید. اقوامی پیش از شما بودند - از بنی اسرائیل - که در راه ایمانشان با اژه‌ها شقه می‌شدند تا تسلیم کفر شوند ولی دست از ایمان نمی‌کشیدند.» [سفینه البحار ج ۲ ص ۱۰۶]. البته، دچار بلا شدن، برای پالایش انسان و پخته شدن و تصفیه مؤمن، خوب است و هر که مقامش نزد خدا بیشتر باشد، ابتلاءاتش افزون تر است (البلاء للولاء - بلا برای دوستان است)

بِعَزَّتْكَ يَا عَزَّ الْمُسْلِمِينَ . به عزت خودت، ای کسی که عزت مسلمین با توست.

#دعای روز پانزدهم ماه رمضان

اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِيْ فِيْهِ طَاعَةَ الْخَاشِعِيْنَ، وَاَشْرَحْ فِيْهِ صَدْرِيْ بِاِنَابَةِ الْمُخْبَتِيْنَ، بِاِمَانِكَ يَا اِمَانَ الْخَائِفِيْنَ. خدایا در این ماه اطاعتی همانند اطاعت و فرمان برداری خاشعین و فروتنان روزی من فرما، و شرح صدری برای توبه و انابه همانند توبه و انابه ی خاضعان و متواضعان و فروتنان مرحمت فرما، به امان دادنت، ای امان بخش خائفان و ترسناکان .

در این دعاچند نکته وجود دارد، ۱: طلب اطاعت و فرمان برداری مثل اطاعت و فرمان برداری خاشعین، ۲: شرح صدر پیدا کردن برای توبه و انابه و تضرع وزاری کردن همانند مخبتین و خاضعان و متواضعان، امان خواستن از خداوند امان دهنده ی خائفان و ترسناکان .

طاعة خاشعین : در فراز ابتدایی این دعا «اللهم ارزقني فيه طاعة الخاشعين» یعنی «خدایا در این روز اطاعت بندگان خاشع و خاضع خود را نصیب من گردان» آمده است. برای آنکه بدانیم خاشعین چه کسانی هستند، بهتر است اول در مورد متکبرین صحبت به میان آوریم؛ چرا که خضوع و خشوع به طور کامل با تکبر و غرور تضاد دارد، به طوری که هر آنچه که در صفات متکبرین وجود دارد، ضد آن در خاشعین موجود است. برای روشن شدن این موضوع اشاره می کنیم به قسمتی از سخنان گهربار حضرت علی (علیه السلام) که در مورد متکبران این گونه فرمودند: «أَلَا فَالْحَدَرَ الْحَدَرَ مِنْ طَاعَتِهِ سَادَاتِكُمْ وَ كِبَرَاتِكُمْ الَّذِينَ تَكَبَّرُوا عَنْ حَسَبِهِمْ وَ تَرَفَعُوا فَوْقَ نَسَبِهِمْ وَ أَلْفَوْا الْهَجِينَ عَلَى رَبِّهِمْ وَ جَاخَدُوا اللَّهَ عَلَى مَا صَنَعَ بِهِمْ مَكَابِرَهُ لِقَضَائِهِ وَ مُعَالَبَهُ لِأَلَانِيَةِ فَإِنَّهُمْ قَوَاعِدُ أَسَاسِ الْعَصَبِيَّةِ وَ دَعَائِمُ أَرْكَانِ الْفِتْنَةِ وَ سُيُوفُ اغْتِرَاءِ الْجَاهِلِيَّةِ: آگاه باشید! زنهار! زنهار! از پیروی و فرمانبری سران و بزرگانتان، آنان که به اصل و حسب خود می نازند و خود را بالاتر از آنچه هستند می پندارند و کارهای نادرست را به خدا نسبت می دهند و نعمت های گسترده خدا را انکار می کنند، تا با خواسته های پروردگار مبارزه کنند و نعمت های او را نادیده انگارند، آنان شالوده تعصب جاهلی و ستون های فتنه و شمشیرهای تفاخر جاهلیت هستند.» [نهج البلاغه، خ ۱۹۲]. امام علی (علیه السلام) همچنین در قسمتی دیگر نیز فرمودند: «أَمْرًا تُشَابِهَتْ الْقُلُوبُ فِيهِ وَ تَتَابَعَتْ الْقُرُونُ عَلَيْهِ وَ كِبَرًا تُضَايِقَتِ الصُّدُورُ بِهِ؛ کبر و خودپسندی چیزی است که قلب های متکبران را همانند کرده، تا قرن ها به تضاد و خون ریزی گذراندند و سینه ها از کینه ها تنگی گرفت.» [نهج البلاغه، خ ۱۹۲]. در جای دیگری می فرمایند: فَاللَّهُ اللَّهُ فِي كِبَرِ الْحَمِيَّةِ وَ فَخْرِ الْجَاهِلِيَّةِ: خدا را خدا را! از تکبر و خودپسندی و از تفاخر جاهلی بر حذر باشید. [نهج البلاغه، خ ۱۹۲]. خضوع و خشوع همانند ظرفی است که انسان به وسیله آن به جمع آوری رضا و خشنودی خداوند می پردازد و تکبر چون ظرفی است تو خالی که هیچ چیزی

در آن جز غرور و تکبر جای نمی‌گیرد و این خضوع و خشوع است که انسان را به خدای خویش نزدیک می‌سازد؛ زیرا که هرچه انسان نزد پروردگار عالمیان، خود را ذلیل و خوار نشان دهد، ارزشش در پیشگاه او بیشتر می‌شود.

اثرات تکبر و خضوع: انسانی که صفت تکبر را در میان صفات خویش جای داده، معمولاً بر روی مسائلی که خود طرح می‌کند و یا چیزهایی که نفس او خواهان آن است تعصب دارد و بدون هیچ دلیل منطقی بر روی خواسته خویش اصرار می‌ورزد. چنین کسی در مواردی که با او مخالفت می‌شود به زور توسل می‌شود و سعی دارد با مشاجره زبانی حرف خود را به کرسی بنشانند، و در نتیجه به بداخلاقی با دیگران پرداخته تا او را رعایت کنند و به خاطر این تنیدی اخلاق و زشتی درون از پند و اندرز دیگران هیچ بهره‌ای نمی‌برد چرا که به حرف حق گوش نداده و نصیحت دیگران را نمی‌پذیرد. از انتقاد روی گردان است و به محض شنیدن انتقاد، ناراحت شده آن را نمی‌پذیرد و همین امر او منشا کینه‌های فراوان خواهد شد. با توجه به این تذکرات، در می‌یابیم که خضوع و خشوع همانند ظرفی است که انسان به وسیله آن به جمع‌آوری رضا و خشنودی خداوند می‌پردازد و تکبر چون ظرفی است تو خالی که هیچ چیزی در آن جز غرور و تکبر جای نمی‌گیرد و این خضوع و خشوع است که انسان را به خدای خویش نزدیک می‌سازد؛ زیرا که هرچه انسان نزد پروردگار عالمیان، خود را ذلیل و خوار نشان دهد، ارزشش در پیشگاه او بیشتر می‌شود. کوچک شدن، خوار شدن، طرد شدن و سرانجام آتش جهنم مقصدهایی هستند که مسیر تکبر به آن‌ها منتهی می‌شود، و امیرالمؤمنین (ع) در این مورد ابلیس را مثال می‌زنند تا به عنوان الگوی یک متکبر در اذهان مردم باشد و از عاقبت امر او عبرت بگیرند. چنانچه حضرت علی (ع) فرمودند: «وَاعْتَمِدُوا وَضَعَ التَّدْلِيلِ عَلَى رُءُوسِكُمْ وَإِقْنَاءَ التَّعَزُّزِ تَحْتَ أَقْدَامِكُمْ وَخَلَعَ التَّكْبَرِ مِنْ أَعْنَاقِكُمْ وَاتَّخَذُوا التَّوَاضُعَ مَسْلَحَةً بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ عَدُوِّكُمْ إِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ: تاج تواضع و فروتنی را بر سر نهید و تکبر و خودپسندی را زیر پا بگذارید... و تواضع و فروتنی را سنگر میان خود و شیطان و لشکریانش قرار دهید، زیرا شیطان از هر گروهی لشکریان و یارانی سواره و پیاده دارد.» [نهج البلاغه، خ ۱۹۲] پس خضوع و خشوع در مقابل پروردگار عالمیان همان طاعت و بندگی خالصانه در مقابل ذات اقدس اوست که ما نیز در این روز از خداوند می‌خواهیم به ما عبادت و اطاعتش را همراه با خضوع و خشوع نصیب کند.

آینده متکبر: باب شهر علم پیامبر (ص) آینده شخص متکبر را در لسان مبارک خود این گونه بیان می‌دارد: وَتَعْصَبَ عَلَيْهِ لِأَصْلِهِ. فَعَدُوُّ اللَّهِ إِمَامُ الْمُتَعَصِّبِينَ، وَسَلَفُ الْمُسْتَكْبِرِينَ، الَّذِي وَضَعَ أَسَاسَ الْعَصَبِيَّةِ، وَنَازَعَ اللَّهَ رِدَاءَ الْجَبَرِيَّةِ، وَادَّرَعَ لِبَاسَ التَّعَزُّزِ، وَخَلَعَ قِنَاعَ التَّدْلِيلِ. أَلَا تَرَوْنَ كَيْفَ

صَعَّرَهُ اللَّهُ بِتَكْبَرِهِ، وَوَضَعَهُ بِتَرْفَعِهِ، فَجَعَلَهُ فِي الدُّنْيَا مَذْخُورًا، وَأَعَدَّ لَهُ فِي الْآخِرَةِ سَعِيرًا؟! پس شیطان دشمن خدا و پیشوای متعصب‌ها و سرسلسله تکبران است که اساس عصیّت را بنا نهاد. و بر لباس کبريایی و عظمت، با خدا در افتاد، لباس بزرگی را بر تن پوشید و پوشش تواضع و فروتنی را از تن در آورد. آیا نمی‌نگرید که خدا به خاطر خود بزرگ بینی، او را کوچک ساخت، و به جهت بلندپروازی او را پست و خوار گردانید؟! پس او را در دنیا طرد شده و آتش جهنم را در قیامت برای او مهیا فرمود.) [نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۲] پس کوچک شدن، خوار شدن، طرد شدن و سرانجام آتش جهنم مقصدهایی هستند که مسیر تکبر به آن‌ها منتهی می‌شود، و امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در این مورد ابلیس را مثال می‌زنند تا به عنوان الگوی یک متکبر در اذهان مردم باشد و از عاقبت امر او عبرت بگیرند. فروتنان چه کسانی هستند؟ که در جواب باید بگوییم فروتنی یکی از صفات بارز مؤمنان تقوایسته است که شب و روز خود را به تقوا و پرهیزکاری می‌گذرانند.

عبرت گرفتن از ابلیس : عبرت از ابلیس، «حَبِطِ اَعْمَالِ» : امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در دنباله همین خطبه می‌فرماید اگر خداوند می‌خواست حضرت آدم (علیه‌السلام) را از نوری که چشم‌ها را خیره کند و زیبایی‌اش عقل‌ها را میبهوت سازد و ... می‌آفرید تا آزمایش ملائکه و ابلیس در سجده بر او آسان شود ولی او را از گل آفرید و این را امتحان و آزمایش خود قرار داد. بهتر است پایان این بحث را با جملات زیبای اسوه اخلاق و ایمان، امیرمؤمنان حضرت علی (علیه‌السلام) به پایان بریم. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) پس از بیان امتحان الهی می‌فرماید: وَلَكِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَبْتَلِي خَلْقَهُ بِبَعْضِ مَا يَجْهَلُونَ أَصْلَهُ، تَمَيِّيزًا بِالِاخْتِبَارِ لَهُمْ، وَنَفِيًا لِلِاسْتِكْبَارِ عَنْهُمْ، وَإِبْعَادًا لِلْخِيَلَاءِ مِنْهُمْ. فَأَعْتَبِرُوا بِمَا كَانَ مِنْ فِعْلِ اللَّهِ بِإِبْلِيسَ إِذْ أَحْبَطَ عَمَلَهُ الطَّوِيلَ، وَجَهْدَهُ الْجَهِيدَ (الجمیل)، وَكَانَ قَدْ عَبَدَ اللَّهَ سِتَّةَ آلَافِ سَنَةٍ، يُدْرِي مِنْ سِنِي الدُّنْيَا أَمْ مِنْ سِنِي الْآخِرَةِ، عَنْ كَثِيرِ سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ. فَمَنْ ذَا بَعْدَ إِبْلِيسَ يَسْلَمُ عَلَى اللَّهِ بِمِثْلِ مَعْصِيَتِهِ؟ خداوند مخلوقات خود را با اموری که آگاهی ندارند آزمایش می‌کند (شرط ایمان)، تا بد و خوب تمیز داده شود و تکبر و خودپسندی را از آن‌ها بزداید و خود بزرگ بینی را از آنان دور کند، پس، از آنچه خداوند نسبت به ابلیس انجام داد عبرت گیرید، زیرا اعمال فراوان و کوشش‌های مداوم او را با تکبر از بین برد. او شش هزار سال عبادت کرد که مشخص نیست (شما نمی‌فهمید) از سال‌های دنیا یا آخرت است. اما با ساعتی تکبر همه را نابود کرد. چگونه ممکن است پس از ابلیس، فرد دیگری همان اشتباه را تکرار کند و سالم بماند؟! نه، هرگز!... بین خدا و خلق، دوستی خاصی وجود ندارد که به خاطر آن، حرامی را که بر جهانیان ابلاغ فرموده حلال بدارد! [نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۲]. حضرت علی

(علیه‌السلام) در مورد صفت و نشانه یک پرهیزکار فرمودند: «در دین‌داری نیرومند، نرم‌خو و دوراندیش است، دارای ایمانی پر از یقین، حریص در کسب و دانش، با داشتن علم بردبار، در توانگری میانه رو، در عبادت فروتن، در تهی دستی آراسته، در سختی‌ها بردبار، در جستجوی کسب حلال، در راه هدایت شادمان و پرهیزکننده از طمع ورزی، است.» [نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۳].

معرفی مخبتین: در بخش دیگر این دعا می‌خوانیم: «و اشرح فیه صدری بانابه المخبتین» یعنی «و شرح صدر مردان فروتن و خداترس را به من عطا فرما به حق امان بخشی خودای ایمنی دل‌های ترسان.» حال منتخبین چه کسانی هستند؟ در دعای این روز نکته اساسی که به آن تاکید شده است، خضوع و خشوع و فروتنی در مقابل ذات اقدس پروردگار است به طوری که در این روز از خداوند درخواست می‌کنیم آنچه را که در صفات و اعمال خالصان و خاشعان و فروتنان وجود دارد، نصیب ما کند، اما در اینجا می‌خواهیم بدانیم مخبتین به چه معناست؟ مخبتین به معنای فروتنان است، آن هم فروتنانی که فروتنی آنان فقط در مقابل پروردگار جهان و جهانیان است، حال شاید سوال کرد که فروتنان چه کسانی هستند؟ که در جواب باید بگوییم فروتنی یکی از صفات بارز مؤمنان تقواییست که شب و روز خود را به تقوا و پرهیزکاری می‌گذرانند. چنانچه حضرت علی (علیه‌السلام) در مورد صفت و نشانه یک پرهیزکار فرمودند: «در دین‌داری نیرومند، نرم‌خو و دوراندیش است، دارای ایمانی پر از یقین، حریص در کسب و دانش، با داشتن علم بردبار، در توانگری میانه رو، در عبادت فروتن، در تهی دستی آراسته، در سختی‌ها بردبار، در جستجوی کسب حلال، در راه هدایت شادمان و پرهیزکننده از طمع ورزی، است.» [نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۳] با توجه به فرموده آن بزرگوار در می‌یابیم که مخبتین همان پرهیزکاران هستند که شب و روز خود را به ذکر و یاد خداوند به پایان می‌برند که ما نیز در این روز از خداوند می‌خواهیم شرح صدری را که مردان پرهیزکار و فروتن دارند، به ما نیز عطا کند.

اِخْبَات در ادعیه و زیارات نیز به صورت یکی از درخواست‌های بنده از درگاه خداوند آمده، از جمله در دعای ختم قرآن نیز روایت شده از حضرت امیرمؤمنان (علیه‌السلام) که با عبارت «اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ اِخْبَاتِ الْمُخْبِتِیْنَ» آغاز شده است. [بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۲۰۶ و ج ۸۷، ص ۲۱۳]. در قرآن کریم است «اِنَّ الَّذِیْنَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَاخْبَتُوا اِلٰی رَبِّهِمْ اُولٰٓئِکَ اَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِیْهَا خَالِدُونَ» [هود آیه ۲۳] جمله «اَخْبَتُوا اِلٰی رَبِّهِمْ»، ممکن است به یکی از سه معنای زیر باشد: ۱. مؤمنان راستینی که در برابر خداوند خاضع اند. ۲. آنهایی که برابر فرمان پروردگارشان تسلیم اند. ۳. آنهایی که به وعده‌های خداوند اطمینان دارند. [تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۶۶].

بَاْمَانِکَ یا اَمَانَ الْخَافِیْنَ؛ به امان دادنت، ای امان ترسانان.

#دعای روز شانزدهم ماه رمضان

اَللّٰهُمَّ وَفَّقْنِيْ فِيْهِ لِمَوَافَقَةِ الْاَبْرَارِ، وَجَنِّبْنِيْ فِيْهِ مُرَافَقَةَ الْاَشْرَارِ، وَ اَوْنِيْ فِيْهِ بِرَحْمَتِكَ اِلَى دَارِ الْقَرَارِ، بِاِلَهِيَّتِكَ يَا اِلَهَ الْعَالَمِيْنَ . خدایا در این ماه به موافق شدن و همراهی و همسویی با ابرار و نیکان مرا موفقِ بدار، و از رفاقت و هم نشینی با اشرار و بدان دورمِ بدار، و جایم ده برحمتت و مهرت به خانه آرامش و جاودانگی، به اُلوهیتت و خداییِ خودت، ای معبود جهانیان .

دراین دعاچند نکته وجود دارد، ۱: موفق شدن به موافقت و همراهی و همسویی با ابرار و نیکان، ۲: دوری از رفاقت و هم نشینی با اشرار و بدان، ۳: پناه بردن به رحمت جاودانه پروردگار و آرامش خدادادی، ۴: الوهیت و الاهیت پروردگار و اله العالمین بودنش .

ابرار و نیکوکاران : «اَللّٰهُمَّ وَفَّقْنِيْ فِيْهِ لِمَوَافَقَةِ الْاَبْرَارِ» . ابرار ۶ بار و در ۶ آیه از قرآن کریم تکرار شده است. در ۴ آیه از این آیات [آل عمران/سوره ۳، آیه ۱۹۸. دهر/سوره ۷۶، آیه ۵. انفطار/سوره ۸۲، آیه ۱۳. مطفین/سوره ۸۳، آیه ۲۲] به تعبیرات گوناگون از ابرار به عنوان اهل نعیم و بهشت یاد شده و در آیه ای [مطفین/سوره ۸۳، آیه ۱۸] . گفته شده است که کتاب (نامه اعمال) ابرار در علیین (به اقوال گوناگون: زیر عرش، سدره المنتهی ، لوحی از زبرجد آویخته در زیر عرش که اعمال افراد بشر در آن ثبت است، بالاترین طبقه بهشت) است و نیز در آیه ای دیگر [آل عمران/سوره ۳، آیه ۱۹۳] از بان اولوالالباب (خردمندان) از پروردگار درخواست می شود که آنان را با ابرار بمیراند. خداوند (عزوجل) در قرآن کریم در مورد ابرار و نیکوکاران پانزده صفت به کار برده است که به آن اشاره می نمایم : ۱- ایمان به خداوند یگانه. ۲- ایمان به روز قیامت. ۳- ایمان به فرشتگان. ۴- ایمان به قرآن. ۵- ایمان به پیامبران. ۶- نیت خالص برای رضای خداوند. ۷- بخشیدن بخشی از اموال به خویشان. ۸- کمک به یتیمان. ۹- کمک به فقیران. ۱۰- کمک به رهگذران. ۱۱- آزاد نمودن بنده. ۱۲- اقامه و برپاداری نماز. ۱۳- زکات به مستحقان دادن. ۱۴- وفای به عهد. ۱۵- صبر در برابر شدائد و سختی ها. که اگر بخواهیم هر یک از این صفات را شرح دهیم آنگاه است که رابطه متقابل هر یک از این صفات را نسبت به یکدیگر در می یابیم که به نوعی هر یک از این صفات مکمل یکدیگرند، به طور مثال، کسی که به خداوند عزوجل ایمان آورده است نمی تواند بگوید که من به قرآن ایمان ندارم چرا که قرآن است که انسان ها را به سوی ایمان به خدا و تعبد و بندگی ذات اقدس هدایت می نماید و کسی که به قرآن ایمان آورده است نمی تواند منکر نماز و زکات گردد چرا که اگر چنین کند دستورات صریح قرآن را در این باره زیر پا گذاشته است و ... که برای واضح شدن این مطلب آیه مورد نظر را بیان می داریم: «إِنَّمَا يَأْمُرُكُم بِالسُّوْءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» [بقره/سوره ۲، آیه ۱۶۹]

این شیطان است که به شما دستور بدکاری و زشتی می‌دهد و طوری عمل می‌نماید که سخنانی از روی جهل و نادانی (مانند شرک و ظلم و افترا) به خداوند نسبت دهید «که شیطان دشمنی آشکارا برای انسان است» «لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرُّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» [بقره/سوره ۲، آیه ۱۷۷] یعنی نیکوکاری بدان نیست که روی به جانب مشرق یا مغرب کنید (زیرا این اثری نخواهد داشت) لیکن نیکوکار کسی است که به خدای عالم و روز قیامت و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیغمبران ایمان آورده و دارایی خود را در راه دوستی خدا به خویشان و یتیمان و فقیران و رهگذران و گدایان بدهد و هم در آزاد کردن بندگان صرف کند و نماز به پا دارد و زکات مال به مستحقان برساند و با هر که عهد بسته به موقع خود وفا کند و در کارزار و سختی‌ها صبور و شکیبا باشد و به وقت رنج و تعب صبر پیشه کند، کسانی که بدین اوصاف آراسته اند، آنان به حقیقت راست‌گویان عالم و آن‌ها پرهیزگاراند» که ما نیز از خداوند در این روز می‌خواهیم که ما راجزء کسانی که پیروی از راه ابرار و نیکان واقعی میکنند و صفات آنان در قرآن آمده است قرار دهد.

اشرار و بدکاران : «و جنبی فیہ مرافقه الاشرار» . مرحوم صدوق نقل می‌نماید: محمد پسر قیس می‌گوید: امام باقر علیه السلام به نقل از پدرانش فرمود که امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرمود: ثمره هم‌نشینی کردن با بدکاران، بدگمانی به خوبان است و هم‌نشینی با نیکان، سبب اصلاح بدکاران است. همان‌گونه که هم‌نشینی (بدکاران) با نیکان، آنان را ملحق به خوبان می‌کند و هر زمانی که نتوانستید دین کسی را بشناسید، به رفقاییش نگاه کنید، اگر از مردان خدا هستند، او هم بر آیین خداست و چنانچه دوستانش بر راه خدا نیستند، او هم بهره‌ای از آیین یزدان‌پرستی ندارد. پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمود: هر که ایمان به خدا و روز رستاخیز دارد، با هیچ کافری دوستی نمی‌کند و با بدکاران نشست و برخاست نمی‌نماید و اگر با آنان هم‌نشینی کرد، خود نیز کافر و بدکاره است. [صفات الشیعة، ص ۵] . هر انسانی اگر در انجام عملی از شیطان پیروی نماید به یقین شر آن عمل گریبان گیر او خواهد شد، چرا که شیطان انسان‌ها را امر به کارهای زشت و ناپسند می‌نماید «إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» [بقره/سوره ۲، آیه ۱۶۹] یعنی این شیطان است که به شما دستور بدکاری و زشتی می‌دهد و طوری عمل می‌نماید که سخنانی از روی جهل و نادانی (مانند شرک و ظلم و افترا) به خداوند نسبت دهید» که شیطان دشمنی آشکارا برای انسان است «إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» ؛

[بقره/سوره ۲، آیه ۱۶۸] یعنی محققا شیطان از برای شما دشمنی واضح و آشکار است» و می‌خواهد انسان را به ضلالت و گمراهی بکشاند و به همین دلیل است که خداوند بلند مرتبه می‌فرماید: «وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ؛ [بقره/سوره ۲، آیه ۱۶۸] یعنی وسوسه‌های شیطان را پیروی نکنید» که شیطان عامل هر شری است، پس کسانی که از شیطان و وسوسه‌های او که همه نافرمانی از دستورات ذات اقدس پروردگار می‌باشد پیروی کنند جزو اشرار می‌گردند زیرا آنان هر عملی را که انجام می‌دهند به دستور شیطان است و شیطان جز شر و فساد انسان را به چه چیز دیگری دعوت نمی‌نماید که ما نیز در این روز از خداوند می‌خواهیم که ما را از دوستی و رفاقت با شیطان و پیروان و یارانش که عامل هر شر و فتنه‌ای می‌باشند دور سازد. (ای پیامبر) به امت بگو: «قُلْ أُوْتِيتُكُمْ بِخَيْرٍ مِّنْ ذَلِكُمْ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

عَلَىٰ خُلْدٍ فِيهَا مِنْ أَمْهَاتِ الْعِلْمِ مِنَ الْأَشْجَرِ مِنْ أَلْفٍ عِلْمٍ

می‌خواهید شما را آگاه گردانم به بهتر از این‌ها، که بر آنان تقوا پیشه کنند نزد خداوند باغ‌های بهشتی است که از زیر درختان آن نهرها جاری است و در آن جاوید هستند و زنان پاکیزه و آراسته‌ای و (بهتر از همه آن‌ها خشنودی خداوند است) و خداوند به حال بندگان بینا است».

نوید جانبخش الهی : «و آونی برحمتک الی دارالقرار». برای آنکه انسان بتواند به دارالقرار (محل آرامش) یعنی بهشت برین دست یابد لازمه آن این است که صفاتی را که برای ابرار ذکر گردید را دارا باشد و خود را از صفات و حرکات و رذیله اشرار که همه آن‌ها نشات گرفته از شیطان رجیم و رانده شده از درگاه حق می‌باشد دور سازد و به قول خداوند تعالی «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ؛ [مائده/سوره ۵، آیه ۲] یعنی و یکدیگر را در نیکوکاری و تقوا یاری نمایید نه بر گناه و دشمنی و ستمکاری» که آن هنگام است که خداوند به نیکوکاران و تقوایشان این گونه بشارت می‌دهد. «قُلْ أُوْتِيتُكُمْ بِخَيْرٍ مِّنْ ذَلِكُمْ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

عَلَىٰ خُلْدٍ فِيهَا مِنْ أَمْهَاتِ الْعِلْمِ مِنَ الْأَشْجَرِ مِنْ أَلْفٍ عِلْمٍ

عمران/سوره ۳، آیه ۱۵] یعنی (ای پیامبر) به امت بگو: می‌خواهید شما را آگاه گردانم به بهتر از این‌ها، که بر آنان تقوا پیشه کنند نزد خداوند باغ‌های بهشتی است که از زیر درختان آن نهرها جاری است و در آن جاوید هستند و زنان پاکیزه و آراسته‌ای و (بهتر از همه آن‌ها خشنودی خداوند است) و خداوند به حال بندگان بینا است» که ما نیز در این روز از خداوند به حق خداوندیش درخواست می‌نماییم که ما را در دارالقرار یعنی بهشت برینش جای دهد و ما را از عذاب و آتش دوزخ در امان بدارد.

بالمهتک یا اله العالمین. به خدایی خودت، ای معبود جهانیان.

#دعای روز هفدهم ماه رمضان

اَللّٰهُمَّ اهْدِنِيْ فِيْهِ لِصَالِحِ الْاَعْمَالِ، وَاَقْضِ لِيْ فِيْهِ الْحَوَائِجَ وَالْاَمَالَ، يَا مَنْ لَا يَخْتِاجُ اِلَى التَّفْسِيْرِ وَالسُّؤَالِ، يَا عَالِمًا بِمَا فِيْ صُدُوْرِ الْعَالَمِيْنَ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ الطَّاهِرِيْنَ. خدایا مرا در این ماه بسوی اعمال صالحه و کارهای شایسته هدایت فرما، و حاجت‌ها و آرزوهایم را برآورده ساز، ای کسی که نیازمند شرح و تفسیر سؤال بندگان نیستی، ای خدایی که به آنچه در سینه جهانیان است از حاجات و اسرار آگاهی، بر محمد و آل اطهار او درود فرست.

در این دعاچند نکته وجود دارد، ۱: راهنمایی شدن بندگان به اعمال صالحه و کارهای شایسته، ۲: برآورده شدن حاجت‌ها و آرزوهای توسط خداوند، ۳: بی نیازی خداوند از شرح و تفسیر سؤال بندگان چون خودش همه چیز را میداند، ۴: و به آنچه در سینه جهانیان است از حاجات و اسرار آگاه است، ۵: درود و صلوات بر محمد و آل طاهرينش.

راهیابی به اعمال صالح : «اَللّٰهُمَّ اهْدِنِيْ فِيْهِ لِصَالِحِ الْاَعْمَالِ». خدایا من را راهنمایی کن تا اعمال صالح انجام دهم. انسان، صاحب اختیار است می‌تواند رفتار خوب داشته باشد و «صالح» شود یا به عکس طالح باشد و جز «شر» از او صادر نشود. آنچه در عمل اسلامی، ارزش آفرین است، زمینه‌های عمل، انگیزه‌ها و نیت آن است نه منافع آن. آن چه امروزه رفتار برخی انسان‌ها را از عمل صالح دور می‌کند بی‌توجهی به همین نکته ارزشمند است. از خدای خود می‌خواهیم راهنمای ما برای رسیدن به اعمال شایسته باشد راه‌یابی به عرصه «اعمال صالح» توفیق بزرگی است. صالحات، همان کارهای خوب و شایسته است اعمالی که فرد و اجتماع را برای رسیدن به سعادت (که حد اعلای و هدف اصلی آدمی در زندگی است) آماده و نزدیک کند. «عمل صالح» هشتاد و هفت بار به صورت‌های گوناگون مانند «العمل الصالح» «عمل صالحا» و «عملوا الصالحات» و «یعلمون الصالحات» و نظایر اینها در قرآن آمده است و این خود می‌رساند که عنایت اسلام به مساله «عمل صالح» کمتر از عنایت آن بر «ایمان» نیست. اگر بخواهیم فهرستی از اعمال صالح را پیدا کنیم باید به سه منبع مراجعه کرد، واجبات در فقه، مستحبات در فقه و بخش سوم اعمالی که در فقه نامی از آنها برده نشده است و در کتب اخلاقی به آنها اشاره شده است.

ویژگی‌های اعمال صالح : اعمال صالح نشان‌ها و ویژگی‌های خاص دارد: از ایمان جدا نیست (یعنی فقط مؤمن عمل صالح می‌تواند انجام دهد)، از روی شعور و ادراک است، به قصد قرب الهی انجام می‌گیرد (یعنی خالصانه است)، لغو و بیهوده نیست و نتیجه‌بخش است، به موقع و شایسته است و در خدمت اجتماع است و دور از خود محوری و خودخواهی. آنچه در عمل

اسلامی، ارزش آفرین است، زمینه‌های عمل، انگیزه‌ها و نیت آن است نه منافع آن. آن‌چه امروزه رفتار برخی انسان‌ها را از عمل صالح دور می‌کند بی‌توجهی به همین نکته ارزشمند است. از خدا می‌خواهیم ضمیر ما را آگاه و پاک قرار دهد و نیت‌های ما را با عمل خداپسندانه، در خدمت به خلق و در راستای رضا و قرب خویش همراه کند. اگر امید دارید که کسی دیگری بغیر از خدا دعایتان را استجاب می‌کند، دعایتان مستجاب نمی‌شود. در این ماه مبارک وقت سحر بلند شوید و نماز صبح خود را اول وقت بخوانید. سحر بلند شوید و دعا بخوانید. خودتان دعا را بخوانید نه اینکه فقط از رادیو و تلویزیون گوش بدهید. دعای افتتاح، دعای ابوحزمه ثمالی، دعا‌های سحر را بخوانید و از خدا بخواهید که شما را با بلاهایی مانند سیل و زلزله عذاب ندهد.

شرط استجاب دعا: «واقض لی فیہ الحوائج و الامال» خدایا احتیاجات و آرزوهای من را برآورده کن. هرچه احتیاجات و آرزوهای شرعی دارم را برآورده کن. اگر امید داری که کسی دیگری غیر از خدا دعایت را استجاب می‌کند، دعایت مستجاب نمی‌شود. اگر می‌خواهی که دعایت مستجاب شود؛ ببین دلت چگونه است؟ اگر در دلت به هیچ کس غیر از خدا امید نداری، آنوقت خدا را صدا بزنی، خدا حاجتت را می‌دهد. حضرت امیرالمؤمنین فرمود: برای دعا چهار شرط است اول توجه کامل به خدا دوم سرشت با اخلاص سوم شناختن خدا چهارم انصاف در سؤال.

عدم نیاز خدا به سؤال و تفسیر: «یا من لا یتحتاج الی التفسیر و السؤال» ای خدایی که احتیاج نداری من شرح بدهم. خدا خودش همه چیز را می‌داند و احتیاجی ندارد که ما تفسیر کنیم. نه تنها خدا به تفسیر و سؤال احتیاج ندارد، بلکه ائمه ما هم به آن احتیاج ندارند و از احوال ما باخبرند. اما چرا خدا احتیاج ندارد به سؤال و تفسیر؟ برای اینکه عالم است و به هر چیزی که در دل مردم عالم است، خدا آگاه است؛ اما باید با خدا باشیم تا کار ما را درست کند. بر اساس آیه شریفه «وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ» مشخص می‌شود که تنها خداوند متعال از اسرار غیب آگاه است و لاغیر. یعنی هیچکسی جز خداوند را اسرار غیب عالم را نمی‌داند و به آن دسترسی ندارد. إِنَّ اللَّهَ عَالِمُ الْغَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ «فاطر ۳۸» همانا خداوند به غیب آسمانها و زمین آگاه است، بدون شك اوبه راز دلها داناست. همچنین باید توجه داشت که خداوند در قرآن کریم، در آیات ۲۶ و ۲۷ سوره مبارکه جن تأکید کرده است که: «عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يَظْهَرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا؛ إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ...» [خداوند] دانای غیب است و هیچکس را بر غیب خود آگاه نمی‌کند، مگر پیامبرانی را که [برای آگاه شدن از غیب] برگزیده است،....
«یا عالماً بما فی صدور العالمین» ای خدایی که ناگفته به حاجات و به اسرار خلق آگاهی.

#دعای روز هجدهم ماه رمضان

اَللّٰهُمَّ نَبِّهْنِيْ فِيْهِ لِبَرَكَاتِ اَسْحَارِهِ، وَ نَوِّزْ فِيْهِ قَلْبِيْ بِضِيَاءِ اَنْوَارِهِ، وَ خُذْ بِكُلِّ اَعْضَائِيْ اِلَى اَتْبَاعِ اَنْوَارِهِ، بِنُورِكَ يَا مُنَوِّرَ قُلُوْبِ الْعَارِفِيْنَ. خدایا در این ماه مرا از برکات سحرهای پر فضیلتش آگاه و بهره مند کن، و قلبم را به روشنی انوارش روشن و منور گردان، و تمامی اعضا و جوارحم را در راه پیروی از آثار و نشانه‌هایش به کار گیر، به نور خودت ای روشنی بخش دل‌های حق شناسان و عارفان و خداپرستان .

در این دعاچند نکته وجود دارد، ۱: آگاه شدن و بهره مندی از برکات سحرهای پر فضیلت رمضان، ۲: نورانی شدن قلبها با استفاده از روشنی انوار رمضان، ۳: قرار دادن کل اعضای بدن در خدمت این ماه مبارک برای رسیدن به اثرات آن، ۴: بهره گیری از نور روشنی بخش دل‌های حق شناسان و عارفان و خداپرستان .

ارزش اسحار رمضان : «اَللّٰهُمَّ نَبِّهْنِيْ فِيْهِ لِبَرَكَاتِ اَسْحَارِهِ» خدایا متوجه کن من را تا از برکات سحر ماه رمضان استفاده کنم. مردم از برکات سحر غالباً استفاده نمی کنند. در طول سال از سحر باید استفاده کرد به خصوص در ایام ماه رمضان. حافظ می گوید: آن گنج خداداد که خدا داد به حافظ - از ورد شب و روز و دعای سحری بود. سحرهای ماه مبارک رمضان از ارزش والا و ویژه‌ای برخوردار است به طوری که اعمال بسیاری در هنگام سحرهای این ماه تاکید شده است، مثل (دعای ابوحمزه ثمالی، دعای سحر، قرائت قرآن، خوردن سحری و ...) که از خداوند می‌خواهیم که ما را در سحرهای این ماه از خواب غفلت بیدار سازد تا بتوانیم از فیوضات و برکات آن بهره‌مند گردیم. از برکات سحر استفاده کنیم و حتی اگر به دلایل شرعی روزه هم نمی‌گیریم هنگام سحر بیدار شویم و دعا کنیم و از برکات سحر بهره ببریم. حال شاید در اینجا این سوال پیش آید که چرا از خداوند، این درخواست را می‌نماییم؟ که در جواب باید گفته شود که این درخواست ارزشمند از خداوند عزوجل برای این است که انسان در تمام ماه‌هایی که بر او می‌گذرد از عبادت و اطاعت الهی در وقت سحرها محروم گردیده و به قولی از فیوضاتی که در سحرها می‌تواند کسب کند، غافل است که همین باعث گردیده که از خداوند بخواهیم که ما را یاری دهد تا از خواب غفلت بیدار گشته و بتوانیم از سحرهای این ماه پربرکت کمال استفاده را نماییم، تا شاید سحرهای این ماه باب فیضی شود برای ماه‌های دیگر سال، چرا که سحرها نسبت به دیگر اوقات از شبانه روز دارای فضیلت و برتری خاصی می‌باشند، به طوری که در آن هنگام که اکثر انسان‌ها در خواب غفلت خود فرو رفته اند، عده قلیلی به عبادت و اطاعت خداوند می‌پردازند که ما نیز از خداوند در این روز خواستاریم که ما را از خواب غفلت بیدار ساخته و

مشمول این آیه شریفه قرار دهد: «وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ؛ [آل عمران آیه ۱۷] یعنی (تقوا پیشگان) صابران و راست‌گویان و فرمان‌برداران و انفاق‌کنندگان و استغفارکنندگان در سحرگاه‌اند» تا بتوانیم به درجات عالی معنوی دست یابیم... از برکات سحر استفاده کنیم و حتی اگر به دلایل شرعی روزه هم نمی‌گیریم هنگام سحر بیدار شویم و دعا کنیم و از برکات سحر بهره ببریم. قلب‌های ما زنگ زده و چشم و گوش ما آلوده شده است؛ دیگر مانند گذشته با شور عبادت نمی‌کنیم. در ماه رمضان از خدا بخواهیم تا قلبمان را نورانی کند.

هر گنج سعادت که خدا داد به حافظ - از یمن دعای شب و ورد سحری بود

نورانیت قلب : «وَنُورٌ فِيهِ قَلْبِي بِضِيَاءِ أَنْوَارِهِ» منظور از نور فیه قلبی بضیاء انواره چیست؟ در این روز قلبم را به انوار سحر نورانی کن، همان نور هدایت است که بر قلب انسان تابیده می‌شود و او را از ظلمت‌های جهل و نادانی و دوری از خداوند نجات می‌بخشد و به قول خداوند (عزوجل) «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ؛ [بقره آیه ۲۵۷] یعنی خداوند ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده اند که خارج می‌کند ایشان را از تاریکی‌های جهالت (و وارد می‌کند) به سوی نور و هدایت» که این نور همان هدایتی است که انسان را به مسیر سعادت می‌کشاند... قلب‌های ما زنگ زده و چشم و گوش ما آلوده شده است؛ دیگر مانند گذشته با شور عبادت نمی‌کنیم. در ماه رمضان از خدا بخواهیم تا قلبمان را نورانی کند.

توکل بر ذات اقدس الهی : «وَحُذِّ بِكُلِّ أَعْضَائِي إِلَى اتِّبَاعِ آثَارِهِ» از خداوند می‌خواهیم که تمام اعضا و جوارح ما را مسخر فرماید تا اینکه به انجام اعمال این روز مشغول گردیده و از آثار و برکات آن بهره‌مند گردیم، خدایا کاری کن تا تمام اعضای من از آثار تو پیروی کند. در دعا هر دو دستتان را بلند کنید و هر چه می‌توانید دستتان خود را بلند کنید. در این حالت خدا زودتر حاجت می‌دهد. در اینجا منظور از اعضای مرا مسخر گردان به نوعی همان توکل بر ذات اقدس پروردگار است تا اینکه ما را به حسن و نیکوترین ثواب‌ها در این روز موفق بدارد چرا که خداوند متعال عالم به تمام امور است و از هر چیز نهان و آشکار باخبر است «يَعْلَمُ سِرُّكُمْ وَجَهْرُكُمْ؛ [انعام آیه ۳] یعنی می‌داند (اعمال) نهان و آشکارتان را» و او می‌داند که چگونه بندگان خویش را راهنمایی نموده و آن‌ها را به نور هدایت منور و نورانی گرداند؛ چنانچه رسول خدا (ص) فرمودند: ما منکم احد الا و له الشیطان، قالوا ولا انت یا رسول الله؟ قال و لا انا الا ان الله عزوجل اعاننی علیه فاسلم؛ ابلیس برای هر انسانی شیطانی را گمارده است تا او را بفریبد و یکی از آنان را بر من گمارده است اما خداوند مرا یاری نموده پس از او در امان هستم. [محجة البیضاء، ج ۵، ص ۴۹].

بِنُورِكَ يَا مُنَوِّرَ قُلُوبِ الْعَارِفِينَ. به نور خودت، ای روشنی‌بخش دل‌های حق‌شناسان.

#دعای روز نوزدهم ماه رمضان

اَللّٰهُمَّ وَفِّرْ فِيْهِ حَظِّيْ مِنْ بَرَكَاتِهِ، وَ سَهِّلْ سَبِيْلِيْ اِلَى خَيْرَاتِهِ، وَ لَا تَحْرِمْنِيْ قَبُوْلَ حَسَنَاتِهِ، يَا هَادِيًّا اِلَى الْحَقِّ الْمُبِيْنِ .
 خدایا در این ماه بهره مرا از برکاتش وافر و کامل گردان، و مسیر مرا به سوی خیراتش سهل و آسان ساز و هموار نما، و از حسنات مقبول آن مرا محروم مساز، ای هدایت کننده به سوی حق روشن و حقیقت آشکار .

در این دعاچند نکته وجود دارد، ۱: بهره مند شدن از خیرات و برکات وافر و کامل ماه مبارک رمضان، ۲: سهل و آسان و هموار شدن مسیر بسوی خیرات این ماه، ۳: محروم نشدن از قبولی حسنات این ماه، ۴: هدایت یافتن به سوی حق روشن و حقیقت آشکار .

نمونه‌های حظ و برکات رمضان : «اَللّٰهُمَّ وَفِّرْ فِيْهِ حَظِّيْ مِنْ بَرَكَاتِهِ» . «وَقَر» به معنی «زیاد کن» خدایا روزی من کن تا از برکات ماه مبارک رمضان حظ و بهره فراوان ببرم، و برکات ماه رمضان همان قرآن خواندن و دعای ابو حمزه خواندن است و گریه کردن بر سختی مرگ و آنچه پس از مرگ در پیش رو داریم. نمونه ای از حظ و بهره ای که از برکات این روز می‌تواند باشد: یکی از برکاتی که در این روز می‌توان از آن بهره مند شد، توبه به درگاه خداوند است آن هم توبه نصوح که دیگر بازگشت به گناه وجود نداشته باشد. چرا که خداوند توبه کنندگان را دوست دارد: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ» [بقره آیه ۲۲۲] یعنی خداوند توبه کنندگان و پاکان را دوست دارد» و توبه آنان را در صورت اصرار نورزیدن بر گناه می‌آمزد... برکات دیگر این روز یتیم نوازی است، امیرمؤمنان حضرت علی (علیه‌السلام) یکی از اسوه‌های بزرگ در یتیم نوازی و رسیدگی به امور آنان بود چنانچه در حدیثی فرمودند: من افضل البر برالایتام؛ از برترین نیکی‌ها، نیکی به یتیمان است [غررالحکم ج ۱، ص ۶۸۰] . خیرات و حسنات از برکات دیگر بشمار می‌روند، خداوند عزوجل در قرآن خطاب به بندگان خویش می‌فرماید: «فاستقبوا الخیرات»؛ [مائده آیه ۴۸] . پس در کارهای خیر (از یکدیگر) سبقت بگیرید» چرا که انسان در لحظه‌ای از عمر خود ممکن است تصمیم کار خیری را بگیرد و در لحظه ای دیگر از آن منصرف گردد و یا اینکه عمر او کفاف ندهد تا آن کار خیر را انجام دهد لذا خداوند انسان‌ها را به سبقت گرفتن در کار خیر امر می‌فرماید و ما نیز این را باید در نظر داشته باشیم که ممکن است که ماه رمضان سال آتی از عمر ما نباشد که بتوانیم کار خیری را انجام دهیم، پس امروز که از عمر ماست و هم اکنون در این ماه قرار داریم بهتر است که از این فرصت‌ها استفاده نماییم... فراموش نکنیم بهره دو نوع است، یکی بهره حرام مثل ربا ... و یکی هم بهره معنوی مثل ماه رمضان که محل دعا و بهره‌های معنوی می‌باشد. قرائت قرآن یکی از مهم‌ترین اعمال در این روزهای با ارزش و مخصوصاً لیالی

قدر می‌باشد که بهره فراوان دارد، چرا که خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ» [بقره آیه ۱۵۸] یعنی ماه رمضان ماهی است که قرآن در آن نازل گردید» و این آیه نشان دهنده این است که این ماه، ماه برپایی قرآن چه از نظر تلاوت و چه از نظر عمل می‌باشد چنانچه پیامبر اکرم (ص) فرمودند: علیک بقراءة القرآن فان قرائته كفارة للذنوب و ستر فی النار و امان من العذاب؛ بر تو باد قرائت قرآن زیرا که خواندن قرآن کفاره گناهان و پوششی از آتش (دوزخ) و ایمنی از عذاب است.

آسانی راه خیرات : «وَسَهِّلْ سَبِيلِي إِلَى خَيْرَاتِهِ». خدایا راه خیرات را برای من آسان کن، یکی از خیرات افطاری دادن هست، اگر تمکن مالی دارید افطاری بدهید، که ثواب زیادی هم دارد. لذا از خدا بخواهید که راه خیرات را برای ما آسان بکند؛ باید از حال همسایه خود با خبر باشید؛ بعضی‌ها سحری ندارند بخورند با نان خالی روزه می‌گیرند؛ و شما مسئول هستید حتی اگر بی خبر باشید! باید تحقیق کنید و از حال همسایه فقیرتان اطلاع داشته باشید. در روایت است که شخصی مورد مواخذه امام معصوم (علیه‌السلام) قرار گرفت که چرا تو از حال همسایه فقیرت بی خبری؟ آن شخص گفت: نمی‌دانستم، حضرت فرمودند: مواخذه ات می‌کنم که چرا نمی‌دانستی؛ اگر با خبر بودی که همسایه‌ات ندارد و کمک نمی‌کردی که کافر بودی! صرف دعا خواندن انسان را بهشتی نمی‌کند باید زیر بال و پر فقرا را گرفت؛ آن هم نه هر فقری، بلکه فقیر آبرومند که فقیر هست و اظهار فقر نمی‌کند.

از بین رفتن حسنات : «وَلَا تَحْرِمْنِي قَبُولَ حَسَنَاتِهِ». خدایا مرا از قبول حسنات محروم نکن، خدایا اگر کار خوبی می‌کنم اهل نماز شب و دعای ابوحزمه و... هستم حسنات آن اعمالم را به من برسان و محرومم نکن؛ یعنی کاری نکنم که آن حسناتم از بین برود، مثلاً اگر یک غیبت کنم تمام اعمال چهل روزه من از بین می‌رود. [مستدرک ج ۷، ص ۳۲۲]. در حدیث آمده است که اگر کسی غیبت کند عبادات چهل روزه او در نامه کسی که مورد غیبت قرار گرفته است نوشته می‌شود. [ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۲۷۸]. لذا اگر کسی غیبت شما را کرد باید برای او چشم روشنی هم ببرید چون تا چهل روز هر کار خیری که بکند در نامه اعمال شما ثبت می‌شود؛ در جامع السعادت آمده است که شخصی مورد غیبت قرار گرفت و آن شخص برای غیبت کننده هدیه فرستاد و تشکر کرد. باید هر روز بگوییم که خدایا کاری کن که حسناتم مورد قبول تو واقع بشود. امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند: من هم بشی من الخیر فلیعجله فان کل شیء فیه تأخیر للشیطان فیه نظره؛ هر کس قصد انجام کار خیری را دارد پس باید در آن بشتابد زیرا هرکار خیری که پس افتد به راستی شیطان را در آن نظری است. [وسائل ج ۱، ص ۸۶].

حجاب بودن گناه و ارزش کار خیر : چون قصد انجام خیری نمودی پس آن را به تاخیر مینداز زیرا همانا که خداوند بلند مرتبه چه بسیار باشد که از بنده ای در حال انجام خیری مطلع می‌شود و [به خاطر انجام همان کار خیر] می‌گوید به بزرگی شکوهم سوگند که تو را پس از انجام این کار خیر هرگز عذاب ننمایم. در این روز از خداوند می‌خواهیم که خداوند ما را یاری کند تا بتوانیم کار نیکی که با آن مواجه می‌شویم جامه عمل ببوشانیم چرا که اگر خداوند انسان را یاری ننماید هرگز نمی‌تواند به کار خیری دست بزند زیرا شیطان در کمین انسان نشسته است تا او را از کارهای خیر و خدایسندانه باز دارد چنانچه امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند: من هم بشی من الخیر فلیعجله فان کل شیء فیه تاخیر للشیطان فیه نظره؛ هر کس قصد انجام کار خیری را دارد پس باید در آن بشتابد زیرا هر کار خیری که پس افتد به راستی شیطان را در آن نظری است. [وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۸۶]. گناه حجابی است که بنده بین خود و خدای خویش ایجاد می‌کند و آن حجاب این‌گونه است که انسان با انجام هر گناه لکه سیاهی بر دلش می‌نشیند و با مرور زمان و انجام گناهان بیشتر آن لکه سیاه افزون می‌گردد تا اینکه انسان با آن دل سیاه خود نمی‌تواند با خدای خویش ارتباط برقرار کند و کسی که از خدای خویش دور گردد هرگز نمی‌تواند کار نیکی را انجام دهد. ارزش کار خیر از زبان امام صادق (علیه‌السلام). امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند: اذا همت بشی من الخیر فلاتؤخره فان الله عزوجل ربها اطلع علی العبد و هو علی شی من الطاعة فیقول و عزتی و جلالی لا اعذبک بعدها ابدأ؛ چون قصد انجام خیری نمودی پس آن را به تاخیر مینداز زیرا همانا که خداوند بلند مرتبه چه بسیار باشد که از بنده‌ای در حال انجام خیری مطلع می‌شود و [به خاطر انجام همان کار خیر] می‌گوید به بزرگی شکوهم سوگند که تو را پس از انجام این کار خیر هرگز عذاب ننمایم. [وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۸۵].

منظور از ولاتحرمنی قبول حسناته چیست؟ : انسان به واسطه گناهایی که در طول عمر خویش انجام می‌دهد باعث می‌گردد که از یک سری کارهای نیک که انجام آن‌ها مقبول درگاه خداوند می‌باشد، محروم گردد. زیرا گناه حجابی است که بنده بین خود و خدای خویش ایجاد می‌کند و آن حجاب این‌گونه است که انسان با انجام هر گناه لکه سیاهی بر دلش می‌نشیند و با مرور زمان و انجام گناهان بیشتر آن لکه سیاه افزون می‌گردد تا اینکه انسان با آن دل سیاه خود نمی‌تواند با خدای خویش ارتباط برقرار کند و کسی که از خدای خویش دور گردد هرگز نمی‌تواند کار نیکی را انجام دهد.

يَا هَادِيًا إِلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ . ای خدایی که راهنمایی می‌کنی به سوی حق روشن

#دعای روز بیستم ماه رمضان

اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لِيْ فِيْهِ اَبْوَابَ الْجَنَّةِ، وَاغْلِقْ عَنِّيْ فِيْهِ اَبْوَابَ النَّارِ، وَوَقِّفْنِيْ فِيْهِ لِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ، يَا مُنْزِلَ السَّكِيْنَةِ فِيْ قُلُوْبِ الْمُؤْمِنِيْنَ. خدایا در این ماه بروی من درهای بهشت را باز کن، و درهای آتش دوزخ را برویم ببند، و توفیق تلاوت قرآن را به من عطا فرما، ای فروز آورنده سکینه و آرامش بر دل‌های مؤمنین .

در این دعا چند نکته وجود دارد، ۱: باز شدن درهای بهشت بروی بندگان، ۲: بسته شدن درهای جهنم بروی بندگان، ۳: توفیق پیدا کردن برای تلاوت قرآن، ۴: نازل شدن سکینه و آرامش در دل‌های مؤمنین .

باز شدن درهای بهشت : «اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لِيْ فِيْهِ اَبْوَابَ الْجَنَّةِ» منظور از اینکه می‌گوییم خدایا درهای بهشت را بر روی من بگشای این است که خداوند ما را از گناهایی که در طول عمر خویش انجام داده‌یم پاک سازد و حسنات و کارهای نیک ما را افزون سازد چرا که تا انسان گناه کار باشد و از خیرات و حسنات به دور باشد، بهشت بر او حرام خواهد بود و تنها هنگامی درب‌های بهشت روی او گشوده می‌گردد که هیچ گناهی بر او نباشد و اینکه می‌گوییم درهای بهشت را بر روی ما بگشای به این خاطر است که خداوند به ما عنایت فرماید تا طوری در دنیا زندگی کنیم که بتوانیم در آخرت از هر دری که خواستیم وارد بهشت شویم... خانه‌های خود را به تلاوت قرآن روشن کنید و آن‌ها را گورستان نکنید چنانچه یهود و نصارا کردند، در کلیساها و عبادتگاه‌های خود نماز کنند ولی خانه‌های خویش را معطل گذارده‌اند (و در آن‌ها عبادتی انجام ندهند) زیرا که هر گاه در خانه بسیار تلاوت قرآن شود خیر و برکتش زیاد گردد، و اهل آن به وسعت رسند و آن خانه برای اهل آسمان درخشندگی دارد چنانچه ستارگان آسمان برای اهل زمین می‌درخشند.

بسته شدن درهای آتش جهنم : «وَاغْلِقْ عَنِّيْ فِيْهِ اَبْوَابَ النَّارِ» در این روز درهای آتش دوزخ را بر من ببند، به فرموده خداوند عزوجل در قرآن کریم: «الْم يَعْلَمُوْا اَنَّهُ مِنْ يَّحَادِ اللّٰهِ وَرَسُولُهُ فَاَنْ لَّهٗ نَارُ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيْهَا؛ [توبه آیه ۶۴] یعنی آیا نمی‌دانند که هر کس با خداوند و رسولش دشمنی نماید آتش جهنم برای اوست که در آن جاودان خواهد ماند» و با توجه به این آیه شریفه در می‌یابیم ما در این روز در اصل با این دعا از خداوند می‌خواهیم ما را جزء کسانی قرار دهد که از دستورات ذات اقدسش و رسول گرامی‌اش پیروی می‌کنیم چرا که پیروی از خداوند و رسولش برابر با رستگاری در دنیا و آخرت و دوری از آتش دوزخ است... اینکه

می‌گوییم درهای بهشت را بر روی ما بگشای به این خاطر است که خداوند به ما عنایت فرماید تا طوری در دنیا زندگی کنیم که بتوانیم در آخرت از هر دری که خواستیم وارد بهشت شویم...

درهای بهشت و جهنم: پیامبر در خطبه خطبه شعبانیه... أَیْهَا النَّاسُ إِنَّ أَبْوَابَ الْجَنَّةِ فِي هَذَا الشَّهْرِ مَفْتُوحَةٌ فَلَسَّوْا رَبَّكُمْ أَنْ لَا يَغْلِقَهَا عَلَيْكُمْ وَأَتُوا ابْنَ مَرْيَمَ مَغْلُوبَةً فَلَسَّوْا رَبَّكُمْ أَنْ لَا يَسْلُطَ عَلَيْكُمْ. ای مردم! درهای بهشت در این ماه گشوده است؛ از خدا بخواهید که [این درها را] به روی شما نبندد و درهای آتش، بسته است؛ از پروردگار خود بخواهید که آنها را به روی شما باز نگرداند. و شیاطین دربند هستند؛ از خدا درخواست کنید که آنها را بر شما مسلط نسازد. خداوند در قرآن جهنم را نیز مانند بهشت دارای در می‌داند و می‌فرماید: همان دوزخی که هفت در دارد، و برای هر دری گروهی از پیروان شیطان تقسیم شده‌اند (لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَلٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُومٌ هفت‌درلدو برای هر دری، گروه معینی از آنها تقسیم شده‌اند) (حجر آیه ۴۴). همان گونه که درهای بهشت، طاعات و اعمال صالح و مجاهدتهایی است که بوسیله آن بهشتیان وارد بهشت می‌شوند. جهنم هفت در دارد (بعید نیست عدد هفت در اینجا عدد تکثیر باشد، یعنی درهای بسیار و فراوان دارد، همانگونه که در آیه ۲۷ سوره لقمان نیز عدد هفت به همین معنی آمده است). ولی واضح است این تعدد درها (مانند تعدد درهای بهشت) نه به خاطر کثرت واردان است به طوری که از یک در کوچک نتوانند وارد شوند، و نه جنبه تشریفاتی دارد، بلکه در حقیقت اشاره به عوامل گوناگونی است که انسان را به جهنم می‌کشاند، هر نوع از گناهان دری محسوب می‌شود. حضرت صادق علیه السلام، از پدرش از جدش علیه السلام که: جهنم هفت در دارد؛ از یک در فرعون و هامان و قارون داخل می‌شوند، و از یک در مشرکین و کافرینی که به قدر یک چشم بر هم زدن ایمان نیآورده‌اند، و از یک در بنو امیه وارد می‌شوند که اختصاص به آنان دارد و کسی در آن در با آنها شریک نیست؛ و آن باب لُطَى و باب سَقَر و باب هاویه است. مطابق برخی آیات و روایات هر یک از این درهای بهشت و جهنم به اسمی خوانده می‌شوند مثلاً حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: یکی از درهای بهشت «ریان» (به معنی شاداب، سیراب) نام دارد که فقط روزه داران از آن وارد می‌شوند. در دیگر «معروف» نام دارد که اهل معروف و کارهای خیر از آن وارد می‌شوند. در دیگر «صبر» است و نیز در دیگر آن «شکر» است. در دیگر بهشتی «بلا» نام دارد و در دیگر آن «اعظم» است که مخصوص پارسایان و پرهیزکاران است. [میزان الحکمه ج ۱ ص ۴۳۱ ح ۲۵۹۵] و نیز دریانی امام محمد باقر علیه السلام نامهای درهای جهنم را چنین بازگو می‌فرماید: ۱- در اعلی جهنم جهیم نام دارد ۲- لُطَى (پوست بدنت و صورت را می‌برد) ۳- سَقَر

(آتش داغ) ۴- حطمه (آتش افروخته) ۵- هاویه (آتش سوزان) ۶- سعیر (سوزان) ۷- جهنم [میزان الحکمه ج ۱ ص ۴۷۱ ح ۲۹۰۴] گفتنی است که تمام این اسامی به ترتیب در سوره های مائده آیه ۱۰ و معارج آیه ۱۵ و مدثر آیه ۴۲ و همزه آیه ۵ و قارعه آیه ۹ و حج آیه ۴ و مانند آن آمده است. وجود درهای متعدد برای بهشت و جهنم به دلیل مراتب اعمال خوب و بد و درجات افراد دارای طبقات است که با میزان اعمال خوب یا بد افراد متفاوت است مثلاً درباره منافقان آمده است که آنان در پائین ترین درکات دوزخ قرار دارند: «ان المنافقين فی الدرك الاسفل من النار» [نساء، آیه ۱۴۵؛ برای آگاهی بیشتر ر.ک: المیزان، ج ۱۲، ص ۱۷۰، تفسیر نمونه، ج ۱۰، صص ۱۹۴ و ۱۹۵ و ج ۱۱ ص ۷۴] و نیز درباره مؤمنان قرآن می فرماید هر عمل نیکی که از آن سر می زند به یکی از درها و درجه های بهشت راه می یابد به عنوان نمونه به هشت عامل ورود به بهشت در سوره رعد اشاره فرموده است که عبارتند از رعایت عهد و پیمان، صله ارحام، خوف الهی، ترس از بدعاقبتی، صبر در راه خدا، برپا داشتن نماز، انفاق کردن و بدی را با خوبی پاسخ گفتن. [رعد، آیات ۲۰ تا ۲۳؛ برای آگاهی بیشتر: تفسیر نمونه ج ۱۰ ص ۱۹۴ و ۱۹۵]. همان طو ر که اشاره شد جهنم دارای هفت دریوده و مطابق روایات [خصال صدوق ج ۲ ص ۴۰۸ باب الثمانیه ح ۶] بهشت دارای هشت درمیباشد این تفاوت بیانگر آن است که راههای نیل به بهشت بیش از جهنم است زیرا رحمت خداوند بر غضبش پیشی دارد (یا من سبقت رحمته غضبه) (دعای جوشن کبیر)

تلاوت قرآن: «ووفقنی فیه لتلاوه القرآن». توصیه ای از پیامبر اکرم (ص) در مورد تلاوت قرآن. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: نوروا بیوتکم بتلاوه القرآن اولا تتخذوها قبورا كما فعلت اليهود و النصارى، صلوا فی الكنائس و البیوع و عطلوا بیوتهم فان البیت اذا کثر فیه تلاوه القرآن کثر خیره و انسع اهله و اضاء لاهل السماء كما تصنئی نجوم السماء لاهل الدنیا. [اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۰] یعنی خانه های خود را به تلاوت قرآن روشن کنید و آن ها را گورستان نکنید چنانچه یهود و نصارا کردند، در کلیساها و عبادتگاه های خود نماز کنند ولی خانه های خویش را معطل گذارده اند (و در آن ها عبادتی انجام ندهند) زیرا که هر گاه در خانه بسیار تلاوت قرآن شود خیر و برکتش زیاد گردد و اهل آن به وسعت رسند و آن خانه برای اهل آسمان درخشندگی دارد چنانچه ستارگان آسمان برای اهل زمین می درخشند و امام باقر (ع) فرمودند: لكل شی ربيع و ربيع القرآن شهر رمضان: یعنی هر چیزی بهاری دارد و بهار قرآن ما، ماه مبارک رمضان است. [وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۰۲]. پس با این حال ما نیز از خداوند در این روز می خواهیم که به ما توفیق عنایت فرماید تا بتوانیم کلام نورانیش را تلاوت کرده و به آن جامه عمل بپوشانیم.

يَا مُنْزِلَ السَّكِينَةِ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ. ای فرود آورنده وقار و سکینه بر دل های اهل ایمان.

#دعای روز بیست و یکم ماه رمضان

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِيْ فِيْهِ اِلَى مَرْضَاتِكَ ذَلِيْلًا، وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيْهِ عَلَيَّ سَبِيْلًا، وَاجْعَلِ الْجَنَّةَ لِيْ مَنْزِلًا وَمَقِيْلًا، يَا قَاضِيَ خَوَائِجِ الطَّالِبِيْنَ . خدايا در اين ماه برای من دلیلی به سوی رضا و خوشنودی خود مقرر فرما، و برای تسلط شیطان راهی به سوی من قرار مده که شیطان بر من مسلط نشود، و بهشت را منزل و آسایشگاهم قرار ده، ای برآوردنده حاجات طالبان معرفت و مشتاقان حقیقت! دراین دعاچند نکته وجود دارد، ۱: طلب دلیل و راهنما برای رسیدن به رضا و خوشنودی خداوند، ۲: راه نیافتن و مسلط نشدن شیطان بر انسان، ۳: قرار دادن منزلگاه و آسایشگاه جاودانه بهشت برای بندگان خوب، برآورده شدن حاجات طالبان معرفت و مشتاقان حقیقت .

راه دست یافتن به رضایت خداوند : «اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِيْ فِيْهِ اِلَى مَرْضَاتِكَ ذَلِيْلًا» خدايا کاری کن که از من توفیقات و کارهایی سر زند که تو از من راضی باشی. حدیث داریم اگر می‌خواهید بدانید که خدا از شما راضی است یا نه اول ببینید در دلتان از خداوند راضی هستید یا خیر؟! اگر به یه کسی چیزی داده و به من نداده بدانیم و یقین داشته باشیم که به صلاحمان است که چنین می‌کند. همان طور که دکتر صلاح هرکس را می‌داند و به او می‌دهد، خداوند هم صلاح ما را می‌داند که می‌دهد یا نمی‌دهد. اگر شما از خدا کاملاً راضی بودید بدانید که خدا هم از شما راضی است. متأسفانه اکثر ما آدم‌ها از خدا ناراضی هستیم و در زندگی چون و چرا برای خداوند می‌آوریم. چرا خدا به من نداد به او نداد! چرا چرا چرا... حدیث داریم اگر می‌خواهید بدانید که خدا از شما راضی است یا نه اول ببینید در دلتان از خداوند راضی هستید یا خیر؟! حدیثی داریم که می‌فرماید: شما همچون مریض هستید و خداوند طبیب شما است. نبی اکرم(ص) فرمود: «یا عباد الله انتم کالمرضى و رب العالمین کالطبيب فصلح المرضی فیما یعلمه الطبیب و تدبیره به لافیمایشتهیه المریض و... الا فسلّموا لله امره تکنونوا من الفائزین.» [تنبيه الخواطر، ج ۲، ص ۱۱۷]

«بندگان خدا! شما چون بیمارید و پروردگار جهانیان مانند طبیب و بهبود حال بیمار در گرو توصیه های طبیب به اوست نه در آنچه بیمار می‌خواهد و پیشنهاد می‌کند هان در برابر فرمان خدا گردن نهید تا از رستگاران باشید.» . «یا ایّها النّاس انتم الفقراء و الله هو الغنیّ الحمید» [سوره فاطر، آیه ۱۵] ای مردم شما همه نیازمندان به خداوند هستید و تنها خداوند بی‌نیاز و ستوده است.» دکتر چیکار می‌کند؟! برای هرکسی نسخه‌ی خاص حال و اوضاع بیمارش را می‌دهد و مریض حق اعتراض ندارد چرا که می‌داند دکتر بهتر و بیشتر از او به اوضاع آگاه است و می‌داند که چه باید بکند. ما هم باید پیش خداوند همین جور باشیم؛ اگر به یه کسی چیزی داده و به من نداده بدانیم و یقین داشته باشیم که به صلاحمان است که چنین می‌کند. همان طور

که دکتر صلاح هرکس را می‌داند و به او می‌دهد، خداوند هم صلاح ما را می‌داند که می‌دهد یا نمی‌دهد.

راه وصال به خدا : خداوندی که چه گونه بودن و تلاش برای الهی شدن انسان را از و خواسته، «راه» وصال و «راهنما» را هم مشخص کرده است. در دعای توسل چهارده حجت خدا را قسم می‌دهیم و از آنان استمداد می‌جوییم. «وبه هریک از چهارده معصوم علیهم السلام می‌گوئیم : یا وَجِیهاً عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ» ائمه هدی چراغ راه بشریت اند و دلیل و راهنمای همه. در دعای امروز از خدای خویش می‌خواهیم راهنمایی برای کسب رضایت در پیش راهمان قرار دهد. خداوندی که چگونه بودن و تلاش برای الهی شدن انسان را از و خواسته، «راه» وصال و «راهنما» را هم مشخص کرده است.

راه تسلط شیطان بر انسان : وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ عَلَيَّ سَبِيلاً. و راهی برای تسلط شیطان بر من باقی مگذار. امام سجاد در فقره ای از دعای هفدهم صحیفه خطاب به خدای متعال عرض می‌کند: «اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ لَهُ فِي قُلُوبِنَا مَدْخَلاً، وَلَا تُوطِّنْ لَهُ فِيما لَدَيْنَا مَنْزِلاً». الهی در قلب ما برای او راهی قرار مده، و برای وی در شئون زندگی ما منزلی فراهم نیاور. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در خطبه هفتم نهج البلاغه می‌فرماید: «اتَّخَذُوا الشَّيْطَانَ لِأَمْرِهِمْ مَلَكاً، وَاتَّخَذَهُمْ لَهُ أَشْرَكَاً. فَبَاصَ وَفَرَّخَ فِي صُدُورِهِمْ. وَ دَبَّ وَ دَرَجَ فِي حُجُورِهِمْ. فَتَنَظَرُ بِأَعْيُنِهِمْ وَ نَطَقَ بِاللِّسَنَتِهِمْ». یعنی عده ای شیطان را پشوانه خود گرفتند و او از آنان دام‌ها بافت، در سینه‌هاشان جای گرفت و در کنارشان پرورش یافت. پس آنچه می‌دیدند، شیطان به آن‌ها می‌نمود و آنچه می‌گفتند سخن او بود. در این دعا برای رسیدن به رضایت الهی از واژه دلیل استفاده کرده اند اما برای دوری از تسلط شیطان واژه سبیل یعنی راه را به کار بردند. چون شیطان هیچ تسلطی بر انسان ندارد و در آیات و روایات آمده است که شیطان فقط انسان را وسوسه می‌کند. با این حال می‌بینیم که انسان گاهی راه نفوذ شیطان را در خود ایجاد می‌کند. البته پیامبر اکرم (ص) در خطبه شعبانیه فرمود که شیطان در ماه مبارک رمضان در زنجیر است ولی ممکن است انسان شیطان را دعوت کند و ردپایی از شیطان در وجود خود قرار دهد تا شیطان بر او مسلط شود. مثلاً وقتی کسی دروغ می‌گوید راهی را برای تسلط شیطان در خود ایجاد کرده است. اگر کسی می‌خواهد از جایگاهی خوب و با آسایش برخوردار باشد، باید برای مرضات الهی دلیلی پیدا کند و راه های نفوذ شیطان را بر خود ببندد که نتیجه آن فراهم شدن موجبات آسایش انسان و راهیابی به بهشت خواهد بود.

یا قاضِيَ خَوَائِجِ الطَّالِبِينَ. ای برآورنده حاجات جویندگان.

#دعای روز بیست و دوم ماه رمضان

اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لِيْ فِيْهِ اَبْوَابَ فَضْلِكَ، وَ اَنْزِلْ عَلَيَّ فِيْهِ بَرَكَاتِكَ، وَ وَفِّقْنِيْ فِيْهِ لِمَوْجِبَاتِ مَرْضَاتِكَ، وَ اَسْكِنْنِيْ فِيْهِ بُحْبُوْحَاتِ جَنّٰتِكَ، يَا مُجِيْبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ . خدایا در این ماه به روی من درهای فضل و کرم را مفتوح کن، و بر من برکات را نازل فرما، و بر موجبات رضا و خوشنودیت موفقم بدار، و در وسط بهشت هایت مرا مسکن و جایگاه بده، ای پذیرنده دعای مضطربین و پریشان حالها و درماندگان!

در این دعاچند نکته وجود دارد، ۱: باز شدن ابواب فضل و رحمت خدا بروی بندگان، ۲: نزول برکات خداوند بر بندگان، ۳: توفیق یافتن برای جلب رضا و خشنودی خداوند، ۴: سکونت پیدا کردن بندگان خوب در وسط‌های بهشت، ۵: پذیرفته شدن دعای مضطربین و پریشان حالها و درماندگان! .

ابواب فضل خدا : «اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لِيْ فِيْهِ اَبْوَابَ فَضْلِكَ» . خدایا درهای فضلت را به روی من باز کن؛ الان خداوند با فضل خود با ما معامله می‌کند و اگر بخواهد با عدلش با ما برخورد کند کار همه ما خراب است. در دعا می‌خوانیم «اَللّٰهُمَّ عَامِلِنَا بِفَضْلِكَ وَ لَا تُعَامِلِنَا بِعَدْلِكَ» [مازندرانی، ملاصالح، شرح اصول کافی، ج ۱۰، ص ۲۱۵]. منظور از ابواب (دربها) چیست؟ اگر به ظاهر آن نظر اندازیم می‌بینیم که ابواب همان موانعی هستند که برای وارد شدن به مکان‌های مورد نظر نیاز به فتح و گشودن آنها داریم که برای فتح و گشودن آنها نیز نیاز به مفتاح و کلید داریم آن هم کلیدی که مخصوص درب مورد نظر باشد چرا که اگر کلید هر درب در جای خود قرار نگیرد آن درب گشوده نمی‌شود مگر اینکه شاه کلید داشته باشیم که آن کلیدی است که تمام دربها را می‌گشاید... فضل خداوند به بندگان همان هدایت به صراط مستقیم است هدایتی که دربهای رحمت و بخشش خداوند را بر روی بندگان می‌گشاید که ما نیز در این روز از خداوند می‌خواهیم که ابواب فضل و رحمتش را بر روی ما بگشاید... و اگر به بطن آن نظر کنیم منظور از ابواب (دربها) همان دربها و ورودی‌هایی است که بر اساس رضا و خشنودی خداوند و یا خشم و غضب او باز می‌گردد،

منظور از فضل الهی چیست؟ : برای آنکه مختصراً از فضل الهی صحبت به میان آوریم اشاره می‌نماییم به دو آیه از قرآن کریم «وَلَوْ لَا فَضْلُ اللّٰهِ عَلَیْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ لَا تَبَعْتُمْ الشَّیْطَانَ اِلَّا قَلِيْلٌ؛ [نساء/سوره ۴، آیه ۸۳] یعنی و اگر فضل و رحمت الهی شامل حال شما نبود همانا جز اندکی همه از شیطان پیروی می‌کردید» «فَلَوْ لَا فَضْلُ اللّٰهِ عَلَیْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخٰسِرِيْنَ؛ [بقره آیه ۶۴] یعنی پس اگر فضل و رحمت خداوند شامل حال شما نبود البته در شمار زیانکاران عالم

بودید» همانطوری که در آیه اول مشاهده می‌نماییم خداوند (عزوجل) می‌فرماید: اگر فضل و رحمت خداوند شامل حال شما نبود جز اندکی همه از شیطان پیروی می‌نمودید، و این را می‌دانیم که پیروی از شیطان برابر است با ضلالت و گمراهی و ورود به خشم و غضب الهی و فضل خداوند، توفیق و عنایتش به بندگان و راهنمایی آنان به سوی عبادت و اطاعتش می‌باشد «يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ؛ [یونس آیه ۲۵] یعنی (خداوند) هر که را بخواهد به راه مستقیم هدایت می‌نماید» به طوری که در قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَتَّبِعُوا خُطَاةَ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» [بقره آیه ۱۶۸] یعنی و از وسوسه‌های شیطانی پیروی نکنید، به درستی که او برای شما دشمنی آشکار است» و در آیه دوم که می‌فرماید: اگر فضل و رحمت خداوند بر بندگان نبود و آنها را هدایت نمی‌نمود به حقیقت که آنان از شیطان پیروی نموده و مورد غضب الهی واقع می‌شدند و دوزخ بر آنان واجب می‌گشت و در حالی که از زیانکاران شده بودند چرا که «ان الانسان لفي خسر؛ [عصر آیه ۲] یعنی به درستی که انسان در خسران و زیان است» پس فضل خداوند به بندگان همان هدایت به صراط مستقیم است هدایتی که در بهای رحمت و بخشش خداوند را بر روی بندگان می‌گشاید که ما نیز در این روز از خداوند می‌خواهیم که ابواب فضل و رحمتش را بر روی ما بگشاید... برکات مادی شامل جمیع نعمت‌هایی است که انسان از آنها به عنوان مایحتاج زندگی خود استفاده می‌نماید مثل (آب، میوه جات، سبزیجات و...) و برکات معنوی شامل نعمت‌هایی است که انسان از آنها به عنوان راه و وسیله ای برای تقرب به ذات اقدس الهی استفاده می‌کند مثل (توبه، استغفار، ذکر، دعا و...) که ما نیز از خداوند در این روز می‌خواهیم که برکاتش را بر سر ما بباراند...

برکات مادی و معنوی: «و انزل علی فیه برکاتک» و در این روز بر من برکات را نازل فرما. در اول دعا از خداوند درخواست نمودیم که در بهای فضل و رحمتش را بر روی ما بگشاید، زیرا هنگامی که در بهای فضل و رحمت او بر روی بندگان گشوده شود آنگاه است که برکات و رحمت الهی بر سر بندگان فرود می‌آید که اگر بخواهیم به آن برکات اشاره نماییم آنها را به دو دسته تقسیم می‌کنیم: ۱- برکات مادی ۲- برکات معنوی، که برکات مادی شامل جمیع نعمت‌هایی است که انسان از آنها به عنوان مایحتاج زندگی خود استفاده می‌نماید که عبارت است مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقُثَاثِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَا (سبزی و خیار و سیر و عدس و پیاز و آب و میوه جات و سبزیجات و...) و برکات معنوی شامل نعمت‌هایی است که انسان از آنها به عنوان راه و وسیله ای برای تقرب به ذات اقدس الهی استفاده می‌کند مثل (توبه، استغفار، ذکر، دعا و...) که ما نیز از خداوند در این روز می‌خواهیم که برکاتش را بر سر ما بباراند...

موجبات رضایت الهی : «وَوَفَّقْنِي فِيهِ لِمَوْجِبَاتِ مَرْضَاتِكَ». خدایا من را به اموری که مورد رضای توست موفق بدار، اهل دعا و دستگیری از دیگران باشم. کاری بکنم که خدا از من راضی بشود. خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ...» [بقره آیه ۱۸۶] یعنی هنگامی که بندگان من از تو در مورد من سؤال می‌کنند، بگو که من نزدیک (آنها هستم) و اجابت می‌کنم دعای کسانی را که مرا می‌خوانند و از من درخواست می‌کنند. پس ما نیز در این روز از خداوند خواستاریم که ما را از خشم و غضب خود دور ساخته و به بهشت برینش که سرچشمه رضایت اوست، داخل سازد. با توجه به آیات و روایات رضایت خداوند در این است که بنده مؤمن از دستورات خداوند و رسولش اطاعت نموده و در انجام آنها قصور نورزد «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» [آل عمران آیه ۱۳۲] یعنی و از حکم خدا و رسول او فرمان برید، باشد که مشمول رحمت و لطف خداوند گردید» و به صورت جامع‌تر انجام واجبات و ترک محرمات الهی است که موجبات رضایت الهی را از بندگان خویش فراهم می‌سازد. تا به درجه «رضی الله عنهم و رضوعنه ذلک الفوز العظیم» [مائده آیه ۱۱۹] یعنی خداوند از آنان راضی است و آنان از پروردگار خویش که این رستگاری عظیم است» دست یابند که ما نیز از خداوند در این روز خواستاریم که ما را موفق بدارد تا اینکه به رضا و خشنودی او دست یابیم...

سکونت در وسط‌های بهشت : «وَأَسْكُنِي فِيهِ يُخْبِوَحَاتِ جَنَّاتِكَ». خدایا من را در وسط بهشت ساکن کن، شاید وسط بهشت محل سکونت اولیاء الهی است که آن را از خدا درخواست می‌کنیم، همان طور که می‌دانیم خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ...» [بقره آیه ۱۸۶] یعنی هنگامی که بندگان من از تو در مورد من سؤال می‌کنند، بگو که من نزدیک (آنها هستم) و اجابت می‌کنم دعای کسانی را که مرا می‌خوانند و از من درخواست می‌کنند. پس ما نیز در این روز از خداوند خواستاریم که ما را از خشم و غضب خود دور ساخته و به بهشت برینش که سرچشمه رضایت اوست، داخل سازد. از روایات اسلامی به خوبی استفاده می‌شود که میانه بهشت، «جنات الفردوس» را شامل می‌گردد؛ پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در روایتی فرمود: «... فَإِنَّهُ وَسَطُ الْجَنَّةِ وَ أَعْلَى الْجَنَّةِ...»؛ هنگامی که از خداوند متعال تقاضا می‌کنید، فردوس را تقاضا کنید که وسط بهشت، و قسمت اعلی و برتر آن است و بر فراز آن عرش خداست و از فردوس نهرهای بهشتی سرچشمه می‌گیرد! [روح المعانی؛ ج ۱۶؛ ص ۴۷. پیام قرآن، ج ۶، ص ۲۶۸].

يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ . ای خدایی که دعای مضطربین را اجابت می‌کنی.

#دعای روز بیست و سوم ماه رمضان

اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِيْ فِيْهِ فَضْلَ لَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَ صَيِّرْ اُمُوْرِيْ فِيْهِ مِنَ الْعُسْرِ اِلَى الْيُسْرِ، وَاَقْبِلْ مَعَاذِيْرِيْ، وَحُطِّ عَنِّي الذَّنْبَ وَالْوِزْرَ، يَا رَوْوْفًا بِعِبَادِهِ الصّٰلِحِيْنَ. خدایا در این ماه فضیلت شب قدر را نصیب و روزی من بگردان، و کلیه امور و کارهای مرا از سختی به آسانی برگردان، و عذرخواهی‌ها و پوزش طلبی‌هایم را بپذیر، و گناه و بار گران را از گُرده ام بردار و محو و نابود فرما، ای رئوف و مهربان به بندگان صالح و شایسته خویش .

{این دعادرمفاتیح برای روزبیست وهفتم ذکرشده است که باروایات اهل سنت که شب بیست وهفتم را شب قدر میدانند تناسب دارد. بهتر است روزبیست وهفتم دعای اَللّٰهُمَّ اغْسِلْنِيْ فِيْهِ مِنَ الذُّنُوْبِ که درمفاتیح برای بیست سوم ذکرشده خوانده شود که محل آن تغییرکرد} .

دراین دعاجند نکته وجوددارد، ۱: درک فضیلت وثواب شب قدر، ۲: گردیدن کارهای ما ازسختی وعسر به آسانی و یُسْر، ۳: قبول کردن عذرها و معذرت خواهی‌ها و پوزش طلبیها، ۴: ریزش برگهای وزر و گناه ازدروخت وجود انسان وبرداشته شدن بارهای گران از دوش انسان، ۵: رافت و مهربانی خداوند به بندگان صالح و شایسته خویش .

درک فضیلت شب قدر : «اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِيْ فِيْهِ فَضْلَ لَيْلَةِ الْقَدْرِ» . خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ؛ یعنی شب قدر از هزار ماه بهتر و والاتر است» چرا که در شب قدر قرآن نازل گردید «انا انزلناه فی لَیْلَةِ الْقَدْرِ؛ یعنی ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم» و در این شب سرنوشت انسان‌ها رقم می‌خورد و فرشتگان در این شب به زمین تنزل می‌کنند «تنزل الملائکة والروح فیها باذن ربهم من کل امر؛ یعنی ملائکه و روح به اذن ذات اقدس پروردگار از (برای) هر امر و فرمانی در (این شب) نازل می‌گردند» و این شب تا صبحگاه سلامت و رحمت است «سلام هی حتی مطلع الفجر؛ این شب تا صبحگاه رحمت و تحیت و سلامت است» که ما نیز در این روز از خداوند خواستاریم آن فضیلتی را که شب قدر دارد و با توجه به آیات بالا بیان گردید نصیب ما گرداند. [قدر آیه ۳ تا آیه ۶].

آیا شب بیست وسوم شب قدر است یا شب بیست وهفتم؟ : «در دعای روزبیست وهفتم درمفاتیح دارد: اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِيْ فِيْهِ فَضْلَ لَيْلَةِ الْقَدْرِ، خدایا روزی کن مرا در آن فضیلت شب قدر را» برادران اهل تسنن به شب بیست و هفتم اعتقاد دارند و این شب را احیاء نگه می‌دارند و اعمال شب قدر را به جا می‌آورند، شیعه هم البته شب بیست و هفتم احیاء دارد؛ اما تنها در اول شب . روایت شده است که حضرت زین العابدین علیه‌السلام این دعا را، در شب بیست وهفتم از اول تا آخر شب مکرر می‌خواند: اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِيْ التَّجَافِيْ عَنْ دَارِ الْعُزُوْرِ وَ الْإِنَابَةَ اِلَى دَارِ الْخُلُوْدِ وَ الْاِسْتِعْذَادَ

لِمَوْتٍ قَبْلَ حُلُولِ الْقَوْتِ . خدایا دوری از خانه فریب، و بازگشت به خانه جاویدان، و آمادگی برای مرگ پیش از رسیدن آن را روزیام گردان. تردیدی نیست در اینکه لیلۃ القدر در ماه رمضان است، چراکه جمع میان آیات قرآن همین معنی را اقتضا می‌کند. از یک سو می‌گوید: قرآن در ماه رمضان نازل شده (بقره: ۱۸۵) و از سوی دیگر می‌فرماید: در شب قدر نازل گردیده. ولی در اینکه کدام شب از شب‌های ماه رمضان است، گفت و گو بسیار است و در این زمینه تفسیرهای بسیاری شده، از جمله شب اول، شب هفدهم، شب نوزدهم، شب بیست و یکم، شب بیست و سوم، شب بیست و هفتم و شب بیست و نهم؛ ولی مشهور و معروف در روایات این است که در دهه آخر ماه رمضان و شب بیست و یکم یا بیست و سوم است. (تفسیر نمونه ج ۲۷: ۱۸۸)

تبدیل سختی به راحتی و آرامش : «و صیر اموری فیه من العسر الی اليسر» . منظور از (من العسر الی اليسر) چه می‌باشد؟ منظور از «من العسر الی اليسر»؛ از سختی به سوی آسایش و راحتی، می‌تواند همان وعده خداوند باشد که دو بار در یک سوره مکرر می‌فرماید: «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا؛ [انشراح آیه ۶] یعنی به درستی که همراه هر سختی آسانی می‌باشد» یعنی انسان هنگامی که سختی بر کار او باشد به حتم در کنار آن آسایش و راحتی خواهد داشت و منظور از راحت بودن عسر و سختی کار شاید صبری باشد که خداوند در تحمل آن کار به انسان می‌دهد تا به آن راحتی و آسایش دست یابد، چرا که خداوند نیز برای بندگان سختی نمی‌خواهد بلکه آسایش و راحتی را برای آنان می‌خواهد، چنانچه در قرآن می‌فرماید: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ؛ [بقره آیه ۱۵۸] خداوند برای شما آسانی و آسایش می‌خواهد و برای شما سختی و مشقت نمی‌خواهد» چرا که خداوند به انسانها به خاطر ضعیف بودنشان در خلقت تخفیف می‌دهد: «يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا؛ [نساء آیه ۲۸] یعنی خداوند می‌خواهد بر شما آسان گیرد. رابطه پذیرش عذر و بخشش گناهان : «اقبل معاذیری و حط عنی الذنب و الوزر» خداوند برای انسان‌ها آسایش و راحتی می‌خواهد و سختی و مشقت نمی‌خواهد پس باید یقین داشته باشیم که خداوند عذرهای بنده را می‌پذیرد، اما باید این نکته را رعایت کرد و آن این است که هنگامی که از روی جهالت و نادانی گناهی را انجام دادیم سریعاً به سوی خداوند بازگشته و به درگاهش توبه کنیم «ثم یتوبون من قریب؛ [نساء آیه ۱۷] سپس به زودی توبه کنند» که اگر این عمل را انجام دهیم خداوند نیز توبه ما را پذیرفته و گناهان ما را می‌آمرزد «فاولئک یتوب الله علیهم؛ [نساء آیه ۱۷] و باید این را بدانیم که هیچکس جز خداوند نمی‌تواند گناهان ما را ببامرزد «وَمَنْ يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ؛ [آل عمران آیه ۱۳۵]».

یا رؤوفاً بعباده الصالحین. ای مهربان به بندگان شایسته خویش.

#دعای روز بیست و چهارم ماه رمضان

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ فِیْهِ مَا یَرْضِیْكَ، وَاَعُوْذُ بِكَ مِمَّا یُؤْذِیْكَ، وَاَسْأَلُكَ التَّوْفِیْقَ فِیْهِ لِأَنْ اَطِیْعَكَ وَلَا اَعْصِیْكَ، یَا جَوَادَ السَّائِلِیْنَ. خدایا در این ماه آنچه تو را خشنود می‌کند و رضای تو در آنست از تو درخواست می‌کنم، و از آنچه تو را ناخشنود می‌کند و موجب اذیت تو میشود به تو پناه می‌برم، و از تو توفیق می‌خواهم که تحت فرمان تو باشم و تو را اطاعت کنم و هیچگاه معصیت و نافرمانی نکنم، ای عطا بخش سؤال کنندگان و بخشنده به نیازمندان.

در این دعاچند نکته وجود دارد، ۱: در خواست انجام کارهایی که موجب رضای خشنودی خداوند است، ۲: پناه بردن به خدا از آنچه در نزد خدا ناپسند است و موجب اذیت اوست، ۳: توفیق اطاعت و فرمانبرداری از خداوند و معصیت نکردن، ۴: خداوند جواد است و عطا بخش به سؤال کنندگان و بخشنده به نیازمندان.

موجبات رضایت خدا: «اللهم انی اسئلك فیه ما یرضیک» چه چیزهایی موجب رضایت پروردگار عالمیان می‌گردد؟ در جواب می‌گوییم هر عملی را که خداوند انسان‌ها را به انجام آن امر فرموده است: موجبات رضایت خداوند از بندگان است که اگر بنده ای به آن دستورات عمل نماید رضایت خداوند را برای خود واجب نموده و اگر نافرمانی از آن دستورات نماید خشم و غضب الهی را بر خود واجب نموده است. اگر می‌خواهید بدانید که خدا از شما راضی هست یا نه، ببینید خودتان در ته دل از خدا راضی هستید؟ اگر راضی باشید، خدا هم از شما راضی است. حدیث داریم که شما مانند بیمار هستید و خدا مانند دکتر و طبیب. همانطور که دکتر هر چه بگوید، بیمار می‌پذیرد، خدا هر چه به ما داد، ما هم باید رضایت داشته باشیم. اگر در مصیبت‌ها و نداری‌ها از خدا گله نکنیم و تسلیم خدا باشیم، یعنی اینکه ما از خدا راضی هستیم و خدا هم از ما رضایت دارد. اما خیلی سخت است که انسان ذره ای گله از خدا نداشته باشد. به عنوان مثال: انفاق کردن، اقامه نماز، پرداخت زکات از موجبات رضایت الهی از بندگان و دروغ و تهمت و غیبت، از موجبات خشم و غضب پروردگار عالمیان می‌باشد که ما در این روز از خداوند خواستاریم ما را جزو کسانی قرار دهد که به دنبال جلب رضایت او باشیم نه خشم و غضب او که همانا خداوند سخت عذاب است «أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» [مائده/سوره ۵، آیه ۹۸].

اعمال ناپسند نزد خدا: «و اعوذیک مما یؤذیک» منظور از مما یؤذیک چه می‌باشد؟ در اینجا منظور از مما یؤذیک: آنچه که ترا ناپسند است، انجام اعمالی است که خداوند انسان را از انجام آن اعمال منع نموده است. مثل: دروغ، غیبت، تهمت، فحش که هنگامی که انسانی یکی از این اعمال را انجام دهد موجبات عذاب و عقوبت الهی را فراهم می‌سازد. به عنوان مثال: امام موسی

بن جعفر (علیه السلام) در حدیثی فرمودند: ان الله حرم الجنة على كل بذی قليل الحياء لا یبالی ما قال و ما قیل فیه؛ یعنی خداوند بهشت را حرام نموده بر کسانی که دارای زبانی فحاش‌اند و حیای آنها کم است، باک ندارند از اینکه خودشان چه می‌گویند و باک ندارند که درباره آنان چه گفته می‌شود. که این نمونه‌ای از اعمالی است که در پیشگاه خداوند زشت و ناپسند است.

درخواست توفیق : «و اسئلك التوفیق فیه لان اطیعك و لا اعصیک» خدایا از تو توفیق می‌خواهم که در ماه رمضان اطاعت تو را کنم و گناه انجام ندهم! روایت داریم از امام نهم (علیه السلام) که فرمود: مؤمن باید سه خصلت داشته باشد. اول توفیق داشته باشد، دوم خودش را موعظه کند و سوم اینکه نصیحت دیگران را قبول کند. «اللَّهُ وَ مِمَّنْ یَحْتَاجُ إِلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: تَوْفِیقٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، وَ وَاعِظٍ مِنْ نَفْسِهِ، وَ قَبُولٍ مِمَّنْ یَنْصَحُهُ»؛ [بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۶۵، ح ۳]. برای "توفیق" معانی مختلفی را ذکر کرده اند؛ از جمله اینکه گفته اند توفیق به معنای موفق بودن و یا تصدیق کردن است. اما یک معنا با متن حدیث سازگارتر است و آن اینکه بگوییم توفیق، ارشاد شدن فردی به سمت خیر و فراهم شدن شرایط کارخیرازسوی خداوند است. [جوهری؛ ذیل «وفق»]

سرانجام اطاعت یا نافرمانی خدا : إِنَّ اللَّهَ سُيْحَانُهُ جَعَلَ الطَّاعَةَ غَنِيمَةً الْأَكْبَاسِ عِنْدَ تَقْرِيبِ الْعَجْزَةِ. [حکمت ۳۲۳ نهج البلاغه] خداوند سبحان اطاعت را غنیمت هوشیاران خردمند قرار داده در آن هنگام که مردم ناتوان تصور نمایند. هر بنده‌ای برای آنکه به هدایت و رستگاری دست یابد لازمه آن این است که اطاعت خداوند و رسولش را نماید، چرا که رسول، فرستاده خداوند است که دستورات خدا را برای مردم بیان می‌دارد. اگر کسی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) اطاعت نکند یقیناً خدا را اطاعت نکرده و کسی که خدا را اطاعت نکند از پیروان شیطان گشته و کافر تلقی می‌گردد به طوری که خداوند عزوجل در قرآن کریم می‌فرماید: «قل اطيعوا الله و الرسول فان تولوا فان الله لا يحب الكافرين»؛ [آل عمران/سوره ۳، آیه ۳۲] یعنی بگو اطاعت خداوند و رسولش را کنید پس اگر روی برگردانید به درستی که خداوند کافران را دوست ندارد» و «إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»؛ [مائده/سوره ۵، آیه ۶۷] یعنی و خداوند قوم کافر را هدایت نمی‌کند. امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید: مَا عَرَفَ اللَّهُ مَنْ عَصَاهُ؛ خدا را نشناخته آن که نافرمانی اش کند. [تحف العقول، ص ۲۹۴]. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: لَا تَنْتَظِرُوا إِلَى صَغِيرِ الذَّنْبِ وَلَكِنْ انظُرُوا إِلَى مَا اجْتَرَأْتُمْ؛ به کوچکی گناه نگاه نکنید بلکه به چیزی [نافرمانی خدا] که بر آن جرات یافته اید بنگرید. [جهاد النفس، ح ۴۰۵].

يَا جَوَادَ السَّائِلِينَ. ای عطا بخش سؤال کنندگان.

#دعای روز بیست و پنجم ماه رمضان

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِيْ فِيْهِ مُجِبًّا لَاؤْلِيَّائِكَ، وَمُعَادِيًّا لَاَعْدَائِكَ، مُسْتَنَّاً بِسُنَّةِ خَاتَمِ اَنْبِيَائِكَ، يَا عَاصِمَ قُلُوْبِ النَّبِيِّينَ. خدایا در این ماه مرا محب و دل بسته و دوست دوستان قرار بده «تولی»، و مرا دشمنی کننده با دشمنان قرار بده «تبری»، و مرا پیرو راه و روش و سنت خاتم پیغمبران قرار بده، ای ای نگهدارنده و عصمت بخش دل‌های پیغمبران!

در این دعاچند نکته وجود دارد، ۱: محبت و دوستی با دوستان خدا {تولی}، ۲: عداوت و دشمنی با دشمنان خدا {تبری}، ۳: پیروی کردن از سنت خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله، ۴: خداوند نگهدارنده و عصمت بخش دل‌های پیغمبران است.

دوستی با دوستان و دشمنی با دشمنان: «اللهم اجعلنی فیہ محبا لاولیاءک و معادیا لاعداک». حدیث است که به حقیقت ایمان نمی‌رسید مگر آنکه نزدیک‌ترین خویشان خود را برای خدا دوست نداشته باشید، چون متدین نیست و دورترین افراد را برای اینکه متدین است، دوست داشته باشید. امام باقر (علیه السلام) به شخصی فرمودند: «اگر اراده کردی که بفهمی بهشتی و یا جهنمی هستی، به قلبت مراجعه کن، اگر دیدی اهل طاعت را دوست داری، اهل بهشت و اگر اهل گناه را دوست داری، اهل جهنم هستی و انسان در قیامت با کسی که او را دوست دارد، محشور می‌شود.»

تولی و تبری: «تولی و تبری» دو اصطلاح قرآنی است که از دیدگاه شیعه از جمله فروع دین و از واجبات اسلام شمرده می‌شود. این دو واژه، به ترتیب، به معنای دوستی با دوستان خدا و نزدیکی به اهل حق، و دشمنی با دشمنان خدا و دوری از اهل باطل است. تولی در ۵۷ سوره از قرآن و ۲۳۳ بار، و تبری در ۲۰ سوره و ۳۰ بار به کار رفته است. تولی و تبری به دوستی با خدا و دوستان وی و دشمنی با دشمنان خداست. برخی مفسران آیه ۱۵۷ اعراف، «عَزَّوَهُ» را به تبری از دشمنان پیامبر (ص) و «نَصْرُوهُ» را به تولی پیامبر (ص) معنا کرده [بیان السعاده، ج ۲، ص ۲۱۱]. مدار دین بر حب و بغض فی الله است، [عدة الصابرين، ج ۱، ص ۸۹]. از این رو ایمان راستین، محکوم معادله تولی و تبری است که مؤمن بر اساس آن هم باید از انوار ارباب کمال و اهل حق استضائه کرده و همنشینی و دوستی با آن‌ها را برگزیند و هم باید از رفاقت و دوستی هواپرستان و اهل بدعت پرهیزد تا به صراط مستقیم الهی که همان ایمان خالص است دست یابد [مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۱۰]: «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ». [حمدآیه ۶۷] هم به تولی و تبری اشاره دارد. در خبر است که خداوند به برخی از انبیا وحی می‌کند: به مردم بگویند کارهایی که در دنیا انجام داده اید، از

عبادت و زهد و تقوا، به نحوی سود آن‌ها به خودتان بازمی‌گردد؛ بنگرید برای من چه کرده‌اید؟ آیا هرگز دوستی از دوستان مرا دوست داشته‌اید؟ یا با دشمنان من دشمنی کرده‌اید؟ اگر عبادت آسمانیان و زمینیان همراه شما باشد و در آن دوستی با دوستان من و دشمنی با دشمنان من نباشد آن عبادت به کار شما نیاید. [کشف الاسرار، ج ۲، ص ۸۳]

معرفی اولیاء الله: همان‌طور که در آیات و روایات موجود می‌باشد اولیاء خداوند همان یاران و بندگان مخلص خداوند هستند که هیچ‌گاه از فرمان خداوند و رسولش سرپیچی ننمودند، شاید سؤال شود اولیاء شامل چه کسانی می‌شود؟ که در جواب باید گفته می‌شود که انبیاء، ائمه معصومین (علیهم‌السلام) و شهدای در راه خدا و تمام عبادالله المخلصین جزو اولیای خداوند می‌باشند اما از نظر رتبه و مقام با هم متفاوتند، به طور مثال: پیامبر اکرم (ص) یکی از اولیای خداوند می‌باشد، اما رتبه و مقام ایشان در پیشگاه ذات اقدس احدیت مقام نبوت و رساندن رسالت است به طوری که خداوند (عزوجل) در قرآن خطاب به رسول مکرم اسلام می‌فرماید: «قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحبکم الله و یغفرکم ذنوبکم واللہ غفور رحیم؛ [آل عمران/سوره ۳، آیه ۳۱] یعنی بگو (ای پیغمبر) اگر خدا را دوست می‌دارید، مرا پیروی کنید که خدا شما را دوست می‌دارد و گناه شما را می‌بخشد که خداوند آمرزنده و مهربان است» چرا که «لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنه...» [احزاب/سوره ۳۳، آیه ۲۱] یعنی قطعاً برای شما در (اقتدا) به رسول خدا سرمشقی نیکو است» و این را هم می‌دانیم که تمام انبیای الهی از اولیاء الله می‌باشند اما از نظر رتبه خداوند در قرآن می‌فرماید: «تلك الرسل فضلنا بعضهم على بعض منهم من کلام الله و رفع بعضهم درجات؛ [بقره/سوره ۲، آیه ۲۵۳] یعنی این پیغمبران را برخی بر بعضی برتری و فضیلت دادیم، برخی با خدا سخن گفته و بعضی مقام رفیع یافته».

اولیاء الشیطان یا اعداء الله: برای آنکه بدانیم اعداء الله چه کسانی هستند باید اشاره کنیم به شیطان رانده شده از درگاه حق که از زمان خلقت حضرت آدم ابوالبشر (علیه‌السلام) شیطان تنها کسی بود که به نافرمانی از ذات اقدس الهی اراده نموده و با تکبر و غرور خود به سرمنشا دشمنی با خداوند معروف گردید، اما این نکته لازم است که در اینجا بیان گردد و آن این است که ذات اقدس ربوبیت دارای مقامی است که هیچ موجودی نمی‌تواند در برابر او به دشمنی برخیزد بلکه خداوند برای امتحان و رتبه بندی مخلوقاتش آن هم برای آنکه خود مخلوقات درک کنند که ظرفیت آنان در چه حد است و در چه رتبه و مقامی باید قرار بگیرند امتحان را قرار داد و کسانی که از این امتحانات که به دستورات و قضا و قدر الهی می‌باشد با موفقیت بگذرند آن هنگام است که نزد خداوند اجر و قربی دارند ولی اگر خلاف آن صورت پذیرد آنگاه است که نزد

خداوند جایگاهی نخواهند داشت و یکی از کسانی که در امتحان همه چیز خود را از دست داد ابلیس یا همان شیطان معروف است که همه جا سرک می‌کشد و در قرآن از او به دشمن بزرگ انسان تعبیر گردیده است: «انه لکم عدو مبین؛ [بقره آیه ۱۶۸] یعنی همانا شیطان برای شما دشمنی آشکار است» که خداوند (عزوجل) امر فرموده است که از او یعنی شیطان تبعیت نکنید «ولا تتبعوا خطوات الشیطان؛ [بقره آیه ۱۶۸] . و (از) وسوسه‌های شیطان پیروی نکنید» چرا که او «یخرجونهم من النور الی الظلمات؛ [بقره آیه ۲۵۷] یعنی خارج می‌کند ایشان را از نور به سوی تاریکی» و چون وسوسه‌های شیطانی بر خلاف سعادت و رستگاری انسان‌هاست و خداوند می‌خواهد تمام انسان‌ها مسیر سعادت و رستگاری را بیمایند، پس در اینجاست که شیطان به دشمن خداوند معروف است و همان‌طور که می‌دانیم شیطان هم برای خود یاران و پیروانی دارد که به وسیله آن‌ها وسوسه‌ها و خطوات خود را به نسل آدم ابوالبشر و جنیان تلقین می‌کند. چنانچه خداوند در قرآن می‌فرماید: «وان الشیاطین لیوحون الی اولیاءهم؛ [انعام آیه ۱۲۱] یعنی به درستی که شیاطین (جن و انس) سخت به دوستان و پیروان خود وسوسه کنند تا با شما به جدال و منازعه برخیزند»

سنت شکنی‌های آخرالزمان : «مُسْتَنَّا بِسْمِ اللَّهِ خَاتِمِ أَنْبِیَائِكَ» در این قسمت از این دعا از خداوند خواستاریم که ما را توفیق دهد تا از راه و روش پیامبر اعظم (ص) که به سنت تعبیر گردیده است پیروی کنیم چرا که امروزه مشاهده می‌شود چقدر سنت‌های پیامبر گرامی اسلام مظلوم واقع شده است و کسی اهمیت زیادی بر این سنت‌ها قائل نیست، شاید گفته شود که مثالی بیاورد تا روشن گردد، ما هم می‌گوییم مثال بارز آن ازدواج است که صراحتاً پیامبر اکرم (ص) فرمودند: النکاح سنتی فمن رغب عن سنتی فلیس منی: یعنی ازدواج سنت من است پس هر کس از آن دوری گزیند و روی گردان شود، از من نیست. اما امروزه می‌بینیم که با غلوهای زبانی و بادهای اندرونی بعضی‌ها خود را مدرنیته نشان داده و سنتی را که پیامبر اسلام (ص) بر اساس خواست خداوند پایه گذارده‌اند با وسوسه‌های شیطانی زیر پا گذاشته و با سخت‌گیری‌های بیجا و غیر عقلانی آن سنت نیکو را مانند یک هیولای وحشتناک جلوه‌گر نموده‌اند. آن هم سنتی را که امام زین‌العابدین (علیه‌السلام) هنگامی که بر سفره طعام بودند استخوانی را که اندکی گوشت داشت برداشتند و فرمودند: پس از توافق دختر و پسر برای ازدواج، این امر به اندازه پاک کردن باقی مانده گوشت از این استخوان است. یعنی به قدری ازدواج باید آسان صورت پذیرد که هیچ دختر و پسر بدون همسر نباشند.

یا عاصِمَ قُلُوبِ النَّبِیِّینَ . ای نگهدار دل‌های پیامبران.

#دعای روز بیست و ششم ماه رمضان

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ سَعِيَّ فِيْهِ مَشْكُوْرًا، وَ ذَنْبِيْ فِيْهِ مَغْفُوْرًا، وَ عَمَلِيْ فِيْهِ مَقْبُوْلًا، وَ عَيْبِيْ فِيْهِ مَسْتُوْرًا، يَا اَسْمَعَ السَّمْعِيْنَ. خدایا در این ماه سعی و تلاش و کوشش مرا در راه طاعت بپذیر و مورد سپاس و قدردانی قرار بده، و گناه مرا مورد آمرزش قرار بده و ببخش، و عمل و کردارم را پذیرفته مقبول درگاهت قرار بده، و عیب ظاهری و باطنی مرا پوشیده دار و مستور گردان، ای شنواترین شنوایان و ای بهترین شنوای دعای دعا کنندگان.

در این دعاچند نکته وجود دارد، ۱: قبولی سعی و کوشش بندگان در راه بندگی و اطاعت خدا و مورد سپاس و قدردانی قرار گرفتن، ۲: غفران و بخشش خداوند و آمرزیده شدن گناهان توبه کنندگان، ۳: قبول شدن اعمال و کردار ناچیز بندگان، ۴: پوشیده شدن عیبهای ظاهری و باطنی بندگان، ۵: خداوند شنواترین شنوایان و بهترین شنوای دعای دعا کنندگان است.

قبولی سعی و تلاش از جانب خدا : «اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ سَعِيَّ فِيْهِ مَشْكُوْرًا». در این بخش از دعا می‌خوانیم، خدایا سعی و تلاش ما را در ماه رمضان بپذیر! واژه «مشکوراً» به معنای «تشکر کن» است و مقصود آن در این دعا «پذیر» و «قبول کن» است. وی می‌افزاید: آدم زحمت می‌کشد و روزه می‌گیرد، گرسنه و تشنه می‌شود؛ اما غذا و آب نمی‌خورد و کم‌خوابی ماه رمضان را تحمل می‌کند و اگر خدا تلاش‌های ما را قبول نکند، کاری از ما ساخته نیست. اگر زحمتی و رنجی کشیده شود و حاصلی در پی نداشته باشد، اتفاق ناگواری افتاده است. اگر عمل انسان و سعی و تلاش او مورد رضایت خدا قرار بگیرد و پروردگار به عین عنایت در آن بنگرد و از او بخرد، چنین عملی «سعی مشکور» است یعنی سعی که سپاس الهی و تشکر را به همراه دارد. گاهی ما باید غصه‌ی این مطلب را بخوریم که نکند اعمال ما را آفت بزنند. مثلاً یک غیبت می‌تواند تمام زحمات ما را هدر دهد. اگر غیبت کنید چهل روز اعمال خوب شما در نامه اعمال شخص غیبت شونده نوشته می‌شود و اگر عمل خوبی نداشته باشید، گناهان آن شخص در نامه اعمال شما نوشته می‌شود. این روایت از معصوم (علیه‌السلام) است. «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا». آیا به شما خبر دهم که زیان‌کارترین افراد چه کسانی‌اند؟ آنان که در زندگی دنیا، تلاششان گم شده و نابود می‌شود و در عین حال، خیال می‌کنند که نیکو عمل می‌کنند! [کَهِف آیه ۱۰۳ و ۱۰۴]. این خطاب الهی فقط به پیامبر نیست به همه ماست به آنانی که می‌روند و نمی‌رسند، عمل می‌کنند و نتیجه نمی‌گیرند، می‌جویند و نمی‌یابند، رنج می‌برند و گنج نمی‌برند، تلاششان بی‌فایده است و سعیشان بدون شکر! و این خسران است. اگر عمل انسان و سعی و تلاش او مورد رضایت خدا قرار بگیرد و

پروردگار به عین عنایت در آن بنگرد و از او بخرد، چنین عملی «سعی مشکور» است یعنی سعی که سپاس الهی و تشکر را به همراه دارد. اما سعی مشکور آن است که آمیزه‌هایی از خلوص و صدق داشته باشد. «صبغة الله» در آن باشد. ایمان و عمل صالح، طلب آخرت و در زمره ابرار بودن و... شرایط رسیدن به سعی مشکور است. آری، وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا. هرکس «آخرت» را بجوید و بطلبد و برای آن تلاش و سعی شایسته

بنماید و دارای ایمان هم باشد، چنین کسانی سعی‌شان «مشکور» است. [اسراء آیه ۱۹]

عدم تجسس در عیوب مردم : در پی عیوب مردم نباشیم! باید به خودمان پردازیم و ببینیم که خودمان چه کار کرده ایم؛ آیا هیچ عیبی نداریم؟ گل بی عیب خداست و ممکن نیست که ما عیب نداشته باشیم. در روایت آمده که «چه می‌شود انسان را، یک خار کوچک را در چشم رقیقش می‌بیند؛ اما شاخه ای که در چشم خودش رفته را نمی‌بیند.» این روایت کنایه از این است که انسان عیب‌های بزرگ خود را نمی‌بیند؛ اما عیب کوچک مردم را می‌بیند. این حدیث از معصوم است که خوش بحال کسی که عیب خودش را می‌بیند و عیب کس دیگری کاری ندارد **طلب بخشش گناهان و قبولی اعمال :** «وَذُنُوبِي فِيهِ مَغْفُورًا وَ عَمَلِي فِيهِ مَقْبُولًا» در این فراز از دعای روز بیست و ششم ماه رمضان از خدا می‌خواهیم تا گناهان ما را بیامزد و اعمالمان را قبول کند! از خدا می‌خواهیم تا گناهانی که پیش از ماه رمضان انجام داده ایم را ببخشد؛ چون ماه رمضان، فصل درآمد معنوی و کسب ثواب است، حتی خوابیدن و نفس کشیدن در این ماه عبادت محسوب می‌شود. در ماه رمضان این همه درآمد وجود دارد و آیا امکان ندارد با این همه درآمد کسب شده، انسان جان خودش را از گرو دریاورد؟ پیامبر اسلام در خطبه شعبانیه می‌فرماید: «پشتتان از گناه سنگین شده و به گرو رفته است و در ماه رمضان بدنتان را از گرو در بیاورید». برخی هنگام نماز صبح نمی‌توانند به خاطر سنگینی بلند شوند که از آثار گناه است. شخصی به امام حسن عسکری (علیه السلام) گفت که هر شب قصد می‌کنم تا نماز شب بخوانم؛ اما نمی‌شود، امام فرمود: «گناه تو را زنجیر کرده است.» دلیل اینکه کسی دلش می‌خواهد نماز شب بخواند اما نمی‌تواند، انجام گناه است و با استغفار می‌تواند آن را رفع کند.

ستار العیوبی خدا : «وَعَبِيْبِي فِيْهِ مَسْتُوْرًا» خدایا کاری کن تا عیب من مستور باشد و کسی از عیوبم مطلع نباشد! خدا «ستار العیوب» است و نگذاشته تا کسی از گناهان ما اطلاع پیدا کند. حدیث است اگر گناه بوداشت دونفر کنار هم نمی‌نشستند. اگر عیب آدم عیان می‌شد کسی جنازه کسی را دفن نمی‌کرد. لوتکاشتم ماتدافنتم . اگر از باطن هم خبردار میشدید، یکدیگر را دفن نمی‌کردید یا اَسْمَعَ السَّامِعِينَ. ای خدایی که از همه شنونده‌ها تو شنواتری!

#دعای روز بیست و هفتم ماه رمضان

اَللّٰهُمَّ اغْسِلْنِيْ فِيْهِ مِنَ الذُّنُوْبِ، وَطَهِّرْنِيْ فِيْهِ مِنَ الْعُيُوْبِ، وَامْتَحِنْ قَلْبِيْ فِيْهِ بِتَقْوَى الْقُلُوْبِ، يَا مُقِيلَ عَثَرَاتِ الْمُذْنِبِيْنَ. خدایا در این ماه مرا از چرک و کثافات گناهان شست و شو ده و پاکیزه گردان، و مرا از هر عیب و نقصی پاک ساز و تطهیر کن، و دلم را در آزمایش و امتحان در رتبه دل‌های اهل تقوی قرار بده، ای نادیده گیرنده و پذیرنده عذر لغزش‌های گناهکاران.

{این دعا را در مفاتیح برای روز بیست و سوم آورده است که مناسبتش برای این روز است و دعای روز بیست و هفتم که در مفاتیح ذکر شده اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِيْ فِيْهِ فَضْلَ لَيْلَةِ الْقَدْرِ.. مناسب روز بیست و سوم است که محلش تغییر کرد}.

در این دعا چند نکته وجود دارد، ۱: شستشوی جسم و روح از چرک و کثافات گناهان، ۲: طهارت و پاکیزگی جسم و روح از عیبه‌ها و نقصها، ۳: امتحان شدن قلب و درخواست قرار گرفتن قلب در رتبه قلبهای باتقویان.

پاک شدن از گناهان : «اَللّٰهُمَّ اغْسِلْنِيْ فِيْهِ مِنَ الذُّنُوْبِ» خدایا در این روز مرا از گناهان پاکیزه گردان. همانطور که در روایات و آیات قرآن کریم آمده است خداوند تمام گناهان بندگان خویش را می‌بخشد و از آنها در می‌گذرد «ان الله يغفر الذنوب جميعا؛ [زمر آیه ۵۳] یعنی به درستی که خداوند تمامی گناهان را می‌آمرزد» ولی خداوند تنها یک گناه را نمی‌بخشد و آن هم شرک و رزیدن به ذات اقدس اوست «ان الله لا يغفر ان يشرك به...؛ [نساء آیه ۴۸] یعنی به درستی که خداوند کسی را که برای او شریک قایل شود، نمی‌آمرزد» حال می‌خواهیم بدانیم که در این دعا منظور از اَللّٰهُمَّ اغْسِلْنِيْ، خدایا مرا شستشو ده، چه می‌باشد؟ برای جواب باید به این نکته اشاره کنیم که آب پاک کننده تمام کثافات و پلیدی‌هاست به طوری که آب هر کثافت و پلیدی را در هر مکانی که باشد از بین می‌برد و پاکیزگی و نظافت را بر جای می‌گذارد به طوری که اثری از آن کثافت نخواهد ماند که آنگاه است که می‌گوییم مکان مورد نظر ما شستشو شده و پاک گردیده است و دلیل اینکه از خداوند خواستاریم که اَللّٰهُمَّ اغْسِلْنِيْ فِيْهِ مِنَ الذُّنُوْبِ، ما را از گناهان شستشو داده و پاک گرداند به خاطر این است که دیگر اثری از گناه در جسم و روح ما وجود نداشته باشد تا اینکه کثافات و پلیدی‌های گناه مانعی برای رسیدن به قرب الی الله نشوند، پس منظور از غسل همان پاک و طاهر شدن از پلیدی‌های گناهان است، که در این روزمانیز از پروردگار عالمیان خواستاریم که ما را از گناهان پاک گرداند تا بتوانیم به درجات عالی معنوی دست یابیم

پاکسازی عیوب : «وطهرنی فی‌ه من العیوب» و مرا در این روز از هر عیب و نقصی پاک ساز. انسان در طول زندگی خود دانسته یا ندانسته اشتباهات و خطاهای فاحشی را انجام می‌دهد که

این اشتباهات و خطاها به عیب تعبیر می‌گردد به فرض مثال شخصی که بسیار دروغ می‌گوید دروغگویی عیب بزرگ او تلقی می‌گردد که آن عیب در دنیا و آخرت گریبانگیر او می‌شود، چرا که یک عیب مولد هزاران عیب دیگر است که ممکن است جامعه‌ای را به نابودی بکشد، چنانچه در روایات و احادیث موجود است اسلام دستور بر پوشش عیوب الناس مخصوصا مسلمانان را دارد چرا که اگر عیبی از شخصی که دارای احترام و آبروست و عده بسیاری از او تبعیت می‌کنند، فاش شود آنگاه است که دو اتفاق مهم ممکن است رخ دهد: اول اینکه آن شخص بی‌آبرو گشته و شخصیت او در پیش همگان متلاشی می‌گردد که ممکن است این عمل، آن شخص را به کارهای خطرناکی وادارد و دوم اینکه ممکن است افراد بسیاری که از او تبعیت می‌کنند به علت اعتماد به او عیب او را حسن دانسته و به اشاعه آن عیب در بین مردمان پردازند که هر دو حالت آن برای یک جامعه بسیار خطرناک است، حال شاید سؤال شود پس در مقابل چنین رفتارهایی چه باید بکنیم؟ که ما در جواب می‌گوییم که اولاً هر انسانی به اندازه کافی دارای عیوب می‌باشد که اگر بخواهد به عیوب نفس خود نظر کند تا آخر عمر باید در اصلاح آنها بکوشد چرا که انسانی که خود مریض است اول باید مرض خود را درمان کند، بعد مرض دیگران را، که با این عمل خود به خود جامعه و افراد آن نیز اصلاح می‌گردند به طوری که اگر شخصی عیوب خود را اصلاح کند کسانی که از او تبعیت می‌کنند و از او الگو می‌گیرند نیز از عمل اصلاح شده و پسندیده او تبعیت می‌کنند و ثانیاً انسان‌ها در صورت مشاهده عیبی در برادر مسلمان و دینی خود می‌توانند به صورت مخفیانه و نامحسوس آن عیب را به آن شخص گوشزد کنند تا به اصلاح آن پردازد و باید اینرا هم در نظر گرفت که خداوند ستار العیوب است و عیبها را میپوشاند و خداوندی که برپوشندگی عیبها معروف است هیچگاه نمیخواهد بنده‌ای عیب بنده دیگری را فاش گرداند.

قلب‌های خداترس: «وامتحن قلبی فیه بتقوی القلوب» و در این روز دلم را در آزمایش، رتبه دل‌های اهل تقوا بخش، کسانی که تقوای الهی پیشه میکنند در روز قیامت از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند چرا که آنان از نافرمانی دستورات ذات اقدس پروردگار دوری گزیدند و سر تسلیم به امر و فرمان او فرود آوردند چنانچه خداوند: والذین اتقوا فوقهم یوم القیامه...؛ [بقره آیه ۲۱۲] یعنی مقام تقوا پیشه گان در روز قیامت بسی برتر و بالاتر از کافران است» و آنان نزد پروردگار خویش دارای رتبه و مقامی والا هستند که خداوند به آنان وعده فرموده است که «الذین اتقوا عند ربهم جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها و ازواج مطهره و رضوان من الله و الله بصیر بالعباد؛ [آل عمران آیه ۱۵]

یا مُقِیلَ عَثَرَاتِ الْمُذْنِبِینَ. ای پذیرنده عذر لغزش‌های گناهکاران.

#دعای روز بیست و هشتم ماه رمضان

اَللّٰهُمَّ وَفِّرْ حَظِّيْ فِيْهِ مِنَ التَّوْفَلِ، وَ اَكْرِمْ نِيَّ فِيْهِ بِاِخْصَارِ الْمَسَائِلِ، وَ قَرِّبْ فِيْهِ وَ سَيِّلَتِيْ اِلَيْكَ مِنْ بَيْنِ الْوَسَائِلِ، يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ الْخَاحُ الْمُلْحِيْنَ. {مطابق نسخه مصباح کفعمی: اَللّٰهُمَّ وَفِّرْ حَظِّيْ فِيْهِ مِنَ التَّوْفَلِ، وَ اَكْرِمْ نِيَّ فِيْهِ بِاِخْصَارِ الْاَخْزَارِ مِنَ الْمَسَائِلِ، وَ قَرِّبْ وَ سَيِّلَتِيْ اِلَيْكَ مِنْ بَيْنِ الْوَسَائِلِ، يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ الْخَاحُ الْمُلْحِيْنَ} خدایا در این ماه به اعمال نافله و مستحبات من بهره وافر عطا فرما و بهره ام را از مستحبات فراوان کن، و برای حاضر و آماده ساختن اموری که در دنیا و آخرت به آن نیاز دارم در حقم کرم فرما و گرامی دار مرا به حاضر کردن و یا حاضر داشتن مسائل و یا به حاضر و آماده ساختن مسائل (یعنی اموری که مسئول آنم در دنیا و آخرت)، و وسیله و راه تقرب جستن و نزدیک شدنم را به سویت از میان وسیله ها و راهها نزدیک و آسان گردان، ای آنکه که سماحت و سماجت و الحاح و پا فشاری بندگان تو را از کار لطف و جود و بخشش باز نخواهد داشت!

در این دعاچند نکته وجود دارد، ۱: طلب حظ و بهره وافر از خداوند برای انجام دادن نافله ها و مستحبات، ۲: حاضر و آماده ساختن اموری که در دنیا و آخرت بنده به آن نیاز دارد، ۳: نزدیک و آسان شدن وسیله و راه تقرب جستن و نزدیک شدن به پروردگار از میان وسیله ها و راههای گوناگون {به یک معنی: حضور ذهن داشتن به مسائل و وظایف و اموری که بر عهده بنده است. به معنای دیگر آمادگی قبل از مرگ برای پاسخگویی به سؤالات و بازخواست‌ها}، ۴: سماحت و سماجت و الحاح و پا فشاری بندگان خداوند را از کار لطف و جود و بخشش باز نخواهد داشت!

وَ اَكْرِمْ نِيَّ فِيْهِ بِاِخْصَارِ الْمَسَائِلِ - از خداوند می‌خواهیم ما را به جواب دادن و حاضر کردن مسائل یاری رساند تا بتوانیم مسائل را جواب دهیم؛ انسان باید اهل سؤال باشد و اگر چیزی را نمی‌داند، بپرسد و برای یافتن پاسخ مناسب پرس و جو و بررسی کند.

وَ اَكْرِمْ نِيَّ فِيْهِ بِاِخْصَارِ الْمَسَائِلِ - مرا در این ماه گرامی بدار تا مسائل را در ذهن خود حاضر داشته باشم، مسائل عام است و آن اموری است مورد مسئولیت من است و تنها مسائل شرعی مراد نیست بلکه تمام وظایفی که انسان باید انجام دهد را شامل می‌شود.

وَ قَرِّبْ فِيْهِ وَ سَيِّلَتِيْ اِلَيْكَ مِنْ بَيْنِ الْوَسَائِلِ - از خداوند می‌خواهیم از میان وسائل، وسیله رسیدنم به حضورش را نزدیک گرداند؛ وسیله در اصل به معنای تقرب جستن یا چیزی است که از روی علاقه و رغبت سبب تقرب به دیگری می‌شود. نویسنده الهی‌نامه اظهار کرد: شفاعت پیامبران، امامان و صالحان نیز یکی از مصادیق وسیله است که سبب تقرب انسان به خدا

می‌گردد. وی گفت: بنابر آن‌چه در روایات ذکر شده است وجود مقدس پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) وسیله‌ای برای تقرب جستن به خداوند هستند و با توسل ایشان می‌توان به قرب الهی رسید.

وَقَرَّبَ فِيهِ وَسِيلَتِي إِلَيْكَ مِنْ بَيْنِ الْوَسَائِلِ - خدایا در بین وسایل، آن وسیله‌ای که من را زودتر به تو می‌رساند به من نزدیک کن. «وسیله» به معنی «تَقَرَّبَ جستن» و یا چیزی است که باعث تقرب می‌شود و یا نتیجه‌ای که از تقرب حاصل می‌گردد. و به این ترتیب، «وسیله» مفهوم بسیار وسیعی دارد که هر کار نیک و شایسته‌ای را شامل می‌شود، و هر صفت برجسته، در مفهوم آن درج است؛ چرا که همه این‌ها موجب قرب پروردگار است. در جمله‌های بسیار پر مغزی، که از علی علیه السلام در خطبه ۱۱۰ «نهج البلاغه» نقل شده، می‌خوانیم: «بهترین وسیله‌ای که بندگان با آن به درگاه خدا تقرب می‌جویند، ایمان به خدا، برپا داشتن نماز، اداء زکات، روزه ماه رمضان، حج و عمره، صله رحم، انفاق و بخشش در راه خدا در نهان و آشکار، و تمام اعمال نیکی است که انسان را از سقوط و پستی نجات می‌دهد». همچنین شفاعت پیامبران و بندگان صالح خدا و مقربان درگاه او - که طبق صریح آیات قرآن در پیشگاه او پذیرفته می‌شود - یکی دیگر از وسایل تقرب به او است. اشتباه نشود، منظور از توسل به مقربان درگاه پروردگار، این نیست که انسان چیزی را از پیامبر (ص) یا امام (ع)، مستقلاً تقاضا کند و یا حلّ مشکلی را از او بخواهد، بلکه هدف آن است که خود را در راه آنان قرار دهد و هماهنگ با برنامه‌های آنها شده و خدا را به مقام آنان بخواند، تا خدا هم اجازه شفاعت در مورد آنان را بدهد.

وَقَرَّبَ فِيهِ وَسِيلَتِي إِلَيْكَ مِنْ بَيْنِ الْوَسَائِلِ - وسایلی که انسان را به سوی خداوند می‌کشاند، کم نیست، لکن بدیهی است که همه وسایل از یک میزان اهمیت و قوت برخوردار نیستند و طبعاً به یک اندازه انسان را به خدا نزدیک نمی‌کنند. و از آن جا که شوق دیدار محبوب لحظه‌ای محب را به حال خود رها نمی‌کند و او را وادار می‌کند که هر چه زودتر و بهتر به وصال محبوبش نائل شود، لذا دلدادۀ خداوند نیز به دنبال وسیله‌ای می‌گردد که او را به بهترین وجه به قرب خدا برساند. لذا در این دعای شریف از خداوند متعال می‌خواهیم که در بین وسایل، آن وسیله‌ای را که با توسل بدان راه به سوی پروردگار نزدیک می‌شود، به ما معرفی و توسل بدان را توفیق دهد.

بهره بردن از نوافل: «اللَّهُمَّ وَفِّرْ حَظِّي فِيهِ مِنَ النَّوَافِلِ» خدایا، حظ مرا از نوافل زیاد کن، چون ماه رمضان ماه نوافل است؛ در حدیث قدسی آمده: «لَا يَزَالُ الْعَبْدُ يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّوَافِلِ حَتَّىٰ أَحِبُّهُ فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَبَصَرَهُ الَّذِي يَبْصُرُ بِهِ وَلِسَانَهُ الَّذِي يَنْطِقُ بِهِ وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا؛ وسائل الشیعه ج ۳ ص ۵۳» همیشه بنده نزدیک می‌شود به من به نوافل، یعنی به

طاعات و عبادات نافله، مثل نماز غیر واجب، روزه غیر رمضان، قرائت قرآن، تسبیح، ذکر، فکر، توجه تام به مبدأ، معاونت و کمک به فقرا و مساکین و ... به خدا تقرب می‌جوید: تا اینکه من او را دوست می‌دارم و وقتی من دوست او شدم، من گوش، چشم، زبان، دست و پای او می‌شوم پس با من بشنود، ببیند، حرف بزند. در اسلام انواع نوافل وجود دارد و خوب است که ما به همه آنها اقدام نماییم . ۱. تهجد و نماز شب از مهمترین و گل سرسبد تمام نوافل است؛ در سوره اسراء آیه ۷۲ می‌خوانیم: «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا/ و پاسی از شب را (از خواب برخیز، و) قرآن (و نماز) بخوان! این یک وظیفه اضافی برای توست؛ امید است پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایش برانگیزد!». ۲. نوافل شبانه روز؛ نافله نماز صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشاء . ۳. تمامی تعقیبات نماز و ذکرها از نوافل است . ۴. عمل به تمام فضائل اخلاقی توصیه شده از سوی خدا، رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) نیز می‌تواند از نوافل باشد. نوافل از عباداتی است که مستحب است ولی انجام آن بسیار مورد مدح و تاکید است، مخصوصاً در نظر ائمه ما و مخصوصاً در نظر مطهر و مبارک امام زمان (علیه السلام) بسیار مورد توجه است . تاکید امام زمان علیه السلام بر نافله : مرحوم محدث قمی در مفاتیح الجنان حکایت شخصی را نقل می‌کند در میان برف و کولاک ترکیه که به حضرت حجت بن الحسن علیه السلام توسل کرد و به محضر امام رسید و حضرت به آن شخص فرمود علیک بالجامعة، زیارت جامعه را بخوان، او کسی بود که نمی‌فهمید زیارت جامعه چیست ولی یک وقت دید حضور ذهن دارد و آن را خواند در ادامه حضرت به او فرمود عاشورا می‌خوانی؟ گفت نه، حضرت فرمود عاشورا عاشورا عاشورا، دید به ذهنش آمده و توانست بخواند، دوباره حضرت برگشت و فرمود هنوز نرفته‌ای؟ گفت خیر، حضرت فرمود نافله نافله نافله، او نافله‌ها را خواند و حضرت دستش را گرفت. توجه شیخ انصاری قدس سره به نوافل : عباداتی که شیخ انصاری از سن بلوغ تا آخر عمر به آنها مواظبت داشت - گذشته از فرائض و نوافل شبانه روز و ادعیه و تعقیبات - عبارت بوده است از قرائت يك جزء قرآن و نماز جعفر طیار و زیارت جامعه و عاشورا در هر روز. حضرت آیت الله بهجت در این رابطه می‌فرماید: مرحوم شیخ انصاری با این که يك چشم داشت و شب نمی‌توانست مطالعه کند، در روز این همه درس، تألیف و عبادت داشت، هر روز زیارت عاشورا را با صد لعن و سلام، در بالاسر مرقد حضرت امیر علیه السلام نیم ساعت ایستاده می‌خوانده، و نماز جعفر، و يك جزء قرآن را همراه با توفیق معنوی انجام می‌داده است. مرحوم حضرت آیت الله بهجت که از شاگردان مرحوم آیت الله غروی اصفهانی بودند درباره استاد خود می‌فرمود: مرحوم آقا شیخ محمد حسین، طوری بود که اگر کسی به فعالیت‌های علمی اش توجه می‌کرد، تصوّر

می‌کرد در شبانه روز هیچ کاری غیر از مطالعه و تحقیق ندارد، و اگر کسی از برنامه‌های عبادی ایشان اطلاع پیدا می‌کرد، فکر می‌کرد غیر از عبادت به کاری نمی‌پردازد. در کنار این فعالیت‌های علمی، آن قدر مقید به برنامه‌های عبادتی بودند که هر کس این‌ها را می‌دید، فکر می‌کرد که اصلاً به هیچ چیز غیر از عبادت نمی‌رسد. هر روز زیارت عاشورا و هر روز نماز جعفر طیار از برنامه‌های عادی ایشان بود. روزهای پنج‌شنبه طبق سنتی که علمای نجف دارند و معمولاً روز پنج‌شنبه یا جمعه یک روزه هفتگی دارند ضمن توسل به اهل بیت علیهم السلام که زمینه‌ای بود برای دیدار دوستان و استادان و شاگردان با همدیگر، مرحوم آقا شیخ محمد حسین در این روزه شان مقید بود که خود پای سماور بنشیند، و خود او همه کفش‌ها را جفت کند، و در عین حال، زبانش مرتب در حال حرکت بود؛ خیلی تند تند یک چیزی را می‌خواندند. ما متوجه نمی‌شدیم که این چه ذکر است که ایشان این قدر در نشستن و برخاستن به گفتن آن مقید بود.

نمازهای نافله : در شبانه روز برای نمازهای یومیه، نمازهای نافله وجود دارد که انسان به وسیله آن‌ها می‌تواند به خداوند (عزوجل) بیش از پیش تقرب جوید چرا که نمازهای نافله، نمازهای اضافه بر نمازهای واجب در شبانه روز می‌باشند که ضعف‌های نمازگزار در نمازهای واجب را از نظر توجه و حضور قلب در نماز به سوی خالق یکتا جبران می‌نمایند.

کیفیت نمازهای نافله : نمازهای نافله غیر از روز جمعه سی و چهار رکعت است که هشت رکعت آن نافله ظهر و هشت رکعت آن نافله عصر و چهار رکعت آن نافله مغرب و دو رکعت آن نافله عشا و یازده رکعت نافله شب (که هشت رکعت آن به عنوان نافله شب و دو رکعت شفع و یک رکعت وتر بوده) و دو رکعت نافله صبح می‌باشد که در روز جمعه نافله ظهر و عصر هر کدام ده رکعت می‌شود.

وقت نمازهای نافله : وقت نافله نماز صبح: نافله صبح قبل از نماز صبح باید خوانده شود که زمان آن بعد از گذشتن نصف شب به مقدار خواندن یازده رکعت نافله شب بوده که احتیاط آن است که قبل از فجر اول خوانده نشود مگر آنکه بعد از نافله شب بلافاصله خوانده شود که در این صورت مانعی ندارد. وقت نافله نماز ظهر: نافله ظهر پیش از نماز ظهر باید خوانده شود که وقت فضیلت آن، از اول ظهر تا موقعی است که آن مقدار از سایه شاخص که بعد از ظهر پیدا می‌شود به اندازه دو هفتم آن شود. وقت نافله نماز عصر: نافله عصر پیش از نماز عصر خوانده می‌شود که وقت فضیلت آن تا موقعی است که آن مقدار از سایه شاخص که بعد از ظهر پیدا می‌شود به چهار هفتم آن برسد. وقت نماز نافله مغرب: نافله مغرب بعد از تمام شدن نماز مغرب است تا هنگامی

که سرخی طرف مغرب که بعد از غروب کردن آفتاب در آسمان پیدا می‌شود، از بین برود. وقت نماز نافله عشا: نافله عشا بعد از تمام شدن نماز عشا می‌باشد که تا نصف شب می‌توان خواند ولی بهتر است بلافاصله بعد از نماز عشا خوانده شود. وقت نافله شب: نافله شب را از نصف شب تا اذان صبح می‌توان خواند و بهتر است نزدیک اذان صبح خوانده شود.

آمادگی قبل از مرگ : «واکرمنی فیه باحضار المسائل» منظور از باحضار المسائل چیست؟ هر یک از ما ممکن است که امروز و لحظه ای که در آن نفس می‌کشیم و پلک می‌زنیم آخرین لحظات عمر ما باشد و باید بار سفر از این دنیای وانفسا بسته و به عالم آخرت که جاودان و همیشگی است سفر کنیم و آگاهیم که خداوند از ما و از هر چه که در این دنیا با هر مسئولیتی و سمتی انجام داده ایم سؤال و بازخواست خواهد نمود. «ان تبدوا ما فی انفسکم او تغفوه یحاسبکم به الله؛ [بقره/سوره ۲، آیه ۲۸۴] هر چه که در آشکار و نهان (انجام داده‌اید) خداوند از شما محاسبه خواهد نمود» و هر کسی نتیجه اعمال خود را می‌بیند «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ، وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ؛ [زلزال/سوره ۹۹، آیه ۷ و ۸] یعنی کسی که به مقدار ذره‌ای کار نیک انجام داده باشد پاداشش را می‌بیند و کسی که به مقدار ذره‌ای کار زشتی انجام داده باشد کیفر آن را می‌بیند» که با توجه به آیات و توضیح بالا در می‌یابیم منظور از «بالحضار المسائل» همان آمادگی قبل از مرگ برای پاسخگویی به بازخواست‌هایی است که از طرف ذات اقدس از انسان می‌گردد، چرا که همه مسئولیم و داشتن مسئولیت در دنیا بسیار سنگین است و انسان را در عالم آخرت گرفتار بازخواست بیشتری می‌نماید، که ما از خداوند خواستاریم که در این روز ما را برای حاضر نمودن خود برای چنین روزی یاری نماید.

اطاعت اعضا و جوارح از خدا : «و قرب فیه وسیلتی الیک من بین الوسائل» منظور از وسیلتی چه می‌باشد؟ همان طور که می‌دانیم در آخرت از تک تک اعضای بدن انسان، سوال خواهد شد که آیا در مسیر طاعت الهی بوده اند یا نه که با توجه به آن در می‌یابیم شاید منظور از «وسیلتی» در این دعا همان اعضا و جوارح انسان باشد که از خداوند می‌خواهیم که وسایل (اعضا و جوارح) ما را نزدیک خود سازد. یعنی اعضا و جوارح ما را تابع و فرمان بردار ذات اقدسش گرداند نه تابع شیطان ملعون و رانده شده از درگاهش، که اطاعت و فرمانبرداری از ذات اقدس خداوند مساوی با سعادت جاودانی است، اما نافرمانی از ذات اقدس او شقاوت ابدی است. که ما نیز در این روز از خداوند خواستاریم تمام اعضا و جوارح ما را تابع دستوراتش نموده و از شیطان ملعون دور سازد.

يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ الْإِلْحَاحُ الْمُلِحِّينَ. ای آنکه سرگرمش نکند اصرار و سماجت اصرارکنندگان.

#دعای روز بیست و نهم ماه رمضان

اَللّٰهُمَّ عَشِّنِيْ فِيْهِ بِالرَّحْمَةِ، وَارْزُقْنِيْ فِيْهِ التَّوْفِيْقَ وَ الْعِصْمَةَ، وَ طَهِّرْ قَلْبِيْ مِنْ غَيَاهِبِ التَّهْمَةِ، يَا رَحِيْمًا بِعِبَادِهِ الْمُؤْمِنِيْنَ. خدایا در این ماه مرا سر تا پایا به رحمت خودت بپوشان، و به من توفیق بده و حفظ از گناهان را روزی ام فرما، و دلم را از تاریکی‌های تهمت و شک و اوهام باطل پاک بدار، ای خدایی که به بندگان با ایمان رحیم و مهربان هستی .

در این دعا چند نکته وجود دارد، ۱: تحت پوشش رحمت و مهربانی خدا قرار گرفتن، ۲: توفیق یافتن برای انجام کارهای خیر و محفوظ شدن از گناهان، ۳: پاک‌ی دل از تاریکی‌های شک و اوهام باطل و از تیرگی‌های تهمت، ۴: خدای رحیم نسبت به بندگان مؤمن رحیم و مهربان است .

پوشش رحمت خدا : «اَللّٰهُمَّ عَشِّنِيْ فِيْهِ بِالرَّحْمَةِ» ای خدا من را به رحمت خودت بپوشان؛ «عش» به معنی مخفی کردن است؛ اگر کسی عیب جنس را بپوشاند در اصطلاح می‌گویند: عش در معامله کرده است و در حدیث آمده است که: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ عَشَّ مُسْلِمًا» [من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۷۳]؛ کسی که آب در شیر می‌ریزد به مردم می‌فروشد مسلمان نیست؛ کسی که مال عیب‌دار را به دیگری می‌فروشد و عیب آن را مخفی می‌کند، مسلمان نیست و هم چنین آدمی خیر هم نمی‌بیند. اگر رحمت الهی شامل حال ما بشود خیر زیادی به ما می‌رسد.

توفیق بهترین رفیق : «وَ ارْزُقْنِيْ فِيْهِ التَّوْفِيْقَ وَ الْعِصْمَةَ» خدایا به من توفیق بده؛ تا موفق به نماز شب بشوم؛ توفیق خواندن دعای ابو حمزه را عنایت کن و...! امام علی علیه السلام : كَيْفَ يَتَمَتَّعُ بِالْعِبَادَةِ مَنْ لَمْ يُعِنَهُ التَّوْفِيْقُ ؟! چگونه از عبادت بهره مند شود کسی که توفیق یاریش نکرده است! امام علی علیه السلام : إِنَّ اللَّهَ سَبْحَانَهُ إِذَا أَرَادَ بَعْدَ خَيْرٍ وَفَّقَهُ لِنَفَازِ أَجَلِهِ فِي أَحْسَنِ عَمَلِهِ، وَ رَزَقَهُ مُبَادَرَةَ مَهْلِهِ فِي طَاعَتِهِ قَبْلَ الْفَوْتِ . هرگاه خداوند خوبی بنده ای را بخواهد به او توفیق می‌دهد تا عمرش را در بهترین کارهایش سپری کند و شتافتن در طاعت او، پیش از فرا رسیدن مرگ را روزیش گرداند . امام زین العابدین و امام باقر علیهما السلام - در هر روز ماه رمضان با این دعا - می‌گفتند: اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَ وَفَّقْنِيْ فِيْهِ لِلَّيْلَةِ الْقَدْرِ عَلٰی أَفْضَلِ حَالٍ تُحِبُّ أَنْ يَكُوْنَ عَلَيْهَا أَحَدٌ مِنْ أَوْلِيَّائِكَ وَأَرْضَاهَا لَكَ . بار خدایا! بر محمد و آل او درود فرست و مرا توفیق ده تا در شب قدر بهترین حالتی را که دوست داری هر يك از دوستان تو داشته باشند و بیش از هر حالی مورد رضایت توست، داشته باشم. [میزان الحکمه، جلد سیزدهم] . امام جواد (علیه السلام) فرمودند: مؤمن به سه خصلت محتاج است که اولین آن‌ها توفیق است. دوم. مؤمن به واعظ درونی محتاج است تا همیشه حواس او جمع باشد و از احوال دنیا عبرت آموزی کند؛ سوم. «قبولٌ مِنْ مَنْ يَنْصَحُهُ» هرکس که تورانصیحت می‌کند از او بپذیر [مستدرک ج ۸، ص ۳۲۹].

نجات از آلودگیهای تهمت و شک : «و طَهَّرْ قَلْبِي مِنْ غَيَاهِبِ التَّهْمَةِ» قلب من را از آلودگی‌های شک پاکیزه کن؛ یعنی من گرفتار شک نباشم؛ بعضی‌ها دچار شک هستند و وسوسه خناس به سراغ ایشان می‌آید و از مبداء تا معاد انسان را در شک می‌اندازد؛ خدایا من را از این گرفتاری نجاتم بده. کسانی که گرفتار وسوسه هستند و در همه مسائل شک می‌کنند روزی صد مرتبه ذکر شریف «لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظيم» را بگویند. [اصول کافی، ج ۲، ص ۵۲۳] پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) خطاب به سلمان می‌فرمایند: أَكْثَرُ مِنْ قَوْلٍ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ... این ذکر را زیاد بگو، فَإِنَّهَا كُنْزٌ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ، [وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۳۰۹]. شک و تردید در اعتقادات دو گونه است. یکی ابتدایی و موقت که زمینه‌ی یقین است؛ دوم شک دائمی و همیشگی. شک‌های دائمی از مرض‌های روحی است و سلامت روحی و جسمی، فرد و جامعه را در معرض خطر می‌اندازد. بنابراین، باید با دقت معالجه گردد. توضیح این که همان گونه یقین و علم باعث آرامش روح و موجب تکامل انسان است؛ درمقابل شک و تردید موجب اضطراب و سلب آرامش و مانع حرکت و تکامل است. به همین جهت در اسلام شک با شرک برابری میکند. "عَنْ سُفْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَهُوَ يَقُولُ كُلُّ قَلْبٍ فِيهِ شَكٌّ لُشْرٌ" [کافی، ج ۲، ص ۱۲۹].

تیرگیهای تهمت : «و طَهَّرْ قَلْبِي مِنْ غَيَاهِبِ التَّهْمَةِ» دلم را از تیرگی‌ها و گرفتگی‌های تهمت تطهیر کن؛ خدایا قلب مرا از تاریکی‌های تهمت نجات ده؛ در این مطلب نیز دو نکته وجود دارد؛ یکی اینکه تهمت چیست و چند درجه دارد؟ و دوم تهمت چند گونه در جامعه انجام می‌گیرد؟ تهمت دارای درجاتی است که شدیدترین درجه آن خود آن است که انسان بداند این تهمت است و آن را به شخصی نسبت می‌دهد و دلیل آن هم به خاطر دلایلی همچون انگیزه‌های نفسانی، انتقام گرفتن و یا خودشیرینی نزد دیگران است. دوم اینکه براساس حدس و گمان این نسبت را به کسی بدهیم، در حالی که واقعیت ندارد. سوم اینکه براساس شک این نسبت را به شخصی نسبت بدهیم به این شکل که آیا فلان شخص این عیب را دارد یا نه. چهارم اینکه تهمتی را از دیگران بشنویم و آن را نقل کنیم. در حالی که حق نقل کردن تهمت به دیگران را نداریم. در حدیث داریم که همه این موارد از مصادیق تهمت است. نکته پایانی دعا واژه طهر قلبی است یعنی اینکه قلب مرا از تهمت‌ها پاکیزه کن از این جمله فهمیده می‌شود کسی که به دیگران تهمت می‌زند اولین ضرر آن متوجه خودش است و آن اینکه قلبش نجس، خبیث و آلوده می‌شود. لذا باید از خدا بخواهیم قلبمان را پاکیزه کند.

يَا رَحِيماً بِعِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ. ای خدایی که نسبت به بنده‌های مؤمنان اهل ترحم و مهربانی هستی.

#دعای روز سی‌ام ماه رمضان

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِيْ فِيْهِ بِالشُّكْرِ وَالْقَبُوْلِ، عَلٰى مَا تَرْضَاهُ وَ يَرْضَاهُ الرَّسُوْلُ، مُحْكَمَةً فُرُوْعُهُ بِالاصْوَلِ، بِحَقِّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ الطّٰهَرِيْنَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ . خدایا در این ماه روزه مرا مورد قدردانی و قبول قرار بده، و قدر دانی و قبول را بر طبق خوشنودی خودت و پسند رسولت قرار بده، و فروع دینم را بر پایه اصول دینم محکم و استوار گردان، به حق آقا و سرورمان محمد و اهل بیت پاکش، و سپاس و ستایش خاص پروردگار جهانیان است.

در این دعا چند نکته وجود دارد، ۱: درخواست قدر دانی و قبولی روزه ماه رمضان و سپاسگزاری بر انجام این عبادت، ۲: مورد رضایت و قبول خدا و رسول قرار گرفتن روزه گرفتن، ۳: استوارشدن فروع دین بر اصول دین، ۴: آقا و سرور همه ی ماها محمد و اهل بیت پاکش است، ۵: سپاس و حمد و ستایش خاص پروردگار جهانیان است .

تشکر و سپاسگزاری خدا از بنده : شکر، شناخت احسان و نشر آن است که در وصف خدا و بنده هر دو آمده است. [لسان العرب، ج ۴، ص ۴۲۳] در وصف خداوند؛ مانند «إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ

شُكْرُ ﴿ط: ۳۴﴾ وَالشُّكْرُ حَلِيمٌ ﴿لقن: ۱۷﴾ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِيْ بِالشُّكْرِ وَ الْقَبُوْلِ

ماه رمضان: ... تَشْكُرُ مَنْ شَكَرَكَ، اگر کسی شکر تو را به جا آورد تو شکر او را به جا می‌آوری. وَ أَنْتَ اللَّهُمَّتَهُ شُكْرَكَ؛ و اصلاً شکر کردن را تو به او الهام کردی. منظور از شکرگزاری خداوند آن است که وی به مقداری که بندگان در مسیر طاعت او گام برمی‌دارند، آنها را مشمول مواهب و الطاف خویش می‌سازد، و از آنها تشکر و سپاس‌گزاری می‌کند، و از فضل خود بیش از آنچه استحقاق دارند بر آنها می‌افزاید: «فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَ يَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ». اما آنها که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، پاداششان را به طور کامل خواهد داد و از فضل و بخشش خود، بر آنها خواهد افزود. [نساء، ۱۷۳]

ارزش عبادت به مقبولیت : «اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِيْ فِيْهِ بِالشُّكْرِ وَالْقَبُوْلِ» خدایا قرار بده روزه مرا در این ماه مورد قدردانی و قبول بر طبق خوشنودی تو و پسند رسول تو باشد و استوار باشد فرعش بر اصل به حق آقای ما محمد و خاندان پاکش و ستایش خاص پروردگار جهانیان است. ارزش هر طاعت به مقبولیت آن است، تا نماز ما قبول نشود ارتقا نمی‌یابد و بالا نمی‌رود تا روزه ما پذیرفته نشود اثرگذار نیست و ارجی و اوجی ندارد قبول اعمال به نیت و اخلاص و تقید و عبودیت در برابر خداست. سی روز روزه گرفتیم و نماز به پا داشتیم امروز از او می‌خواهیم روزه مان را مقرون به شکر و قبول قرار بده و آن گونه که تو و رسولت از آن راضی باشی. آری، خداوند روزه ای را ارزش می‌نهد و می‌پذیرد که آمیزه ای از پرهیز و ایمان باشد. در این حال شکر و

سپاس الهی نسبت به عبادت بنده، همان مهر قبول اوست او آن هنگام طاعت را قبول می‌کند که «خداپسند» باشد الگو گیری از سنت‌های او اطاعت و رضایت خدا را به همراه دارد. طاعت و عبادتی که آلوده گناه باشد ارزشی ندارد دهانی که به روزه بسته شده اما به غیبت و تهمت همواره گشوده است، مهر روزه را هم شکسته! شنیده ایم زنی زبان به غیبت گشود در حالی که روزه بود، پیامبر فرمود: برو بخور! دیگر روزه نیستی! از خدا می‌طلبیم دل و زبانمان را از گناه دور بدارد و روزه ما را مقبول و مورد رضایت خود پیامبر و اهل بیتش قرار دهد. و مهر «شکر» و «قبول» آن‌ها را بر آن ثبت کند.

چگونگی رضایت خدا از انسان : «علی ما تَرْضَاهُ وَ يَرْضَاهُ الرَّسُولُ» رضایت و خشنودی خدا در چیست و چگونه خداوند از انسان راضی می‌شود؟ رضایت و خشنودی خدا امری نسبی است، به این معنا که خداوند مجموعه قوانینی را برای تکامل و پیشرفت بشریت و سعادت و خوشبختی آنان فرستاده است، آن قوانین تشریعی که به صورت وحی و کتاب آسمانی و تفسیر و تفصیل آن توسط اولیای الهی و معصوم در اختیار انسان قرار گرفته، مجموعه ای از بایدها و نبایدها را تشکیل می‌دهد، انسان کامل کسی است که با اطاعت کلیه قوانین الهی، رضایت و خشنودی خدا را کسب کرده باشد، از سویی می‌دانیم همه انسان‌ها از لحاظ معرفت و شناخت، ایمان و معنویت، اطاعت و تسلیم‌پذیری عملی فرمان الهی یکسان نیستند، خداوند از چهارده معصوم (علیهم‌السلام) راضی و خشنود است، چنان که از سلمان و ابوذر و مقداد نیز رازی و خضوع‌اند است. اما میزان و نسبت رضایت مندی خداوند به میزان عمل آنان از لحاظ کمیت و کیفیت و اخلاص و معرفت آنان بستگی دارد. از سویی می‌دانیم برخی اعمال از ویژگی‌های برتر و ممتازی برخوردارند، به گونه ای که می‌توان آن‌ها را به عنوان اصول و زیر کارهای جلب رضایت و خشنودی خداوند دانست. باید به قرآن که زبان خداوند است، مراجعه نمود و از زبان او کشف کرد که انجام چه کارهایی موجب جلب رضایت حضرتش می‌گردد. رضایت و خشنودی خدا در بیش از سی آیه بیان شده است. به برخی از آیات که تقریباً دربردارنده محتوای بقیه آیات و بیان‌کننده همه ویژگی‌هایی است که رضایت خداوند را جلب می‌کند اشاره می‌شود. رضوان و رضایت خدا شامل کسانی می‌گردد که : ۱. ایمان به خدا و قیامت داشته باشند . ۲. خانه و وطن خویش را برای حفظ دینشان رها کنند و هجرت نمایند . ۳. با مال جان خویش در راه خدا جهاد نمایند . ۴. پیوسته پیرو ولایت و رهبری باشند . ۵. رضایت خدا را در صدق و راستی (گفتار و عمل) باید جست و جو کرد . عملی که موجب رضایت خداوند از حضرت اسماعیل (علیه‌السلام) شد. قرآن در مورد حضرت اسماعیل (علیه‌السلام) می‌فرماید: اسماعیل همواره مورد رضایت و خشنودی

پروردگارش بود، چه این که او خوش قول و صادق الوعد بوده و پیوسته خانواده اش را به نماز و زکات توصیه می نمود. در سوره توبه می فرماید: رضایت و خشنودی خدا شامل حال مردان و زنان مؤمنی می گردد که : ۱. در برابر مسلمانان احساس مسئولیت می کنند و یار و یاور یکدیگرند و همدیگر را تأیید و تقویت می کنند . ۲. پیوسته امر به معروف و نهی از منکر می کنند . ۳. در اقامه نماز و برافراشته شدن فرهنگ و محتوای آن تلاش می کنند . ۴. زکات مال خویش را می پردازند و از دستگیری فقرا و مستمندان غفلت ندارند . ۵. پیرو خدا و پیامبر هستند. خشنودی خدا جز با یاد خدا به دست نمی آید. آخرین سخن این که تا انسان به مقام عبودیت و بندگی محض نرسد و از این راه نفس مطمئنه را تحصیل نکند، نمی تواند به رتبه راضیه و مرضیه، که مقام رضا و خشنودی متقابل خدا و بنده است، نایل گردد. تحصیل آن نیز با ذکر عملی خداوند میسر است: **الا بذكر الله تطمئن القلوب.** [رعد/سوره ۱۳، آیه ۲۸].

فروع واحکام ریشه دار : «مُحَكَّمَةٌ فُرُوعُهُ بِالْأَصُولِ» خدایا فروع و احکامی را به ما بیاموز که محکم و ریشه دار باشد. غیر کلمه «محکم» دوری گزیدن از بسیاری از کسانی است که استنباط از قرآن و احادیث را به صورت غیر محکم و اصولی دارند برخی از کسانی که در دانشگاه ها درس خوانده اند و احیاناً دروس اسلامی را سپری کرده اند متأسفانه به خود جرأت می دهند به ترجمه و تفسیر آیات می پردازند و احکام را استخراج می کنند اینها فروع غیر مستحکم است زیرا مبتنی بر اصول نیست و منافقین نیز چنین استنباطاتی داشتند بنابراین ما باید استنباطات احکامی را که توسط مراجع و فقها به شکل محکم استنباط شده و فروع آن بر اصول مبتنی است، تبعیت کنیم. معنای دومی برای عبادت وجود دارد و آن اینکه مراد از اصول، «عقاید» باشد و مراد از فروع «احکام فقهیه» در این صورت معنای عبادت این است که خدایا روزه مرا قبول بفرما به شکلی که فروع احکام فرعیه ای که من انجام می دهم مبتنی بر اصول و عقاید خودم باشد. نتیجه می گیریم ما در اصول و عقاید باید مسائل اصول عقاید را فرا بگیریم که مقصود از اصول می تواند دو معنا را در پی داشته باشد معنای اول اصول عقاید است که تقلیدی نیست و باید مبلغین، عقاید را به همه به ویژه نسل جوان بیاموزند معنای دوم یعنی کلیات مسائل فقهی نه جزئیات مانند دو رکعتی بودن نماز صبح و اول وقت نماز خواندن که اصول احکام هستند اما علاوه بر اینها یکسری احکام فقهی فرعی وجود دارد که باید مستند بر احکام کلی فقه باشد.

فروع دین و اصول دین : «مُحَكَّمَةٌ فُرُوعُهُ بِالْأَصُولِ» و فروع آن را بواسطه آن اصول محکم گردان؛ مسائل دین بنا به تقسیمی دو دسته هستند : الف - اصول دین: اصول دین پنج بود - دانستش گنج بود . که از این پنج مورد، توحید و نبوت و معاد جزو اصول دین هستند و عدل و

معاد از اصول مذهب اند. ب- فروع دین، عبارتند از نماز و روزه و حج و... که ده مورد است. و این که در این جا می‌گوییم اصول آن فرع محکم باشد به معنی آن است که هنگامی که من به فروعی مثل نماز و روزه مشغول هستم در همان حال در اصول دینم هم اهل یقین باشم و باور داشته باشم که خدا دارم. یکی از علماء می‌فرمودند: به حضرت عباس قسم که ما خدا داریم؛ اگر این عبادت که از فروع می‌باشد به اصول وصل بود ثمر می‌دهد. مثال: میوه اگر بر شاخه‌ای نشسته است که به ریشه راه دارد و به آن ارتباط پیدا کرده؛ این میوه باقی می‌ماند و شیرین می‌گردد اما اگر شاخه شکست و به ریشه و اصول آن درخت مرتبط نبود آن میوه بعد از مدتی خشک می‌شود و از بین می‌رود؛ حال اگر نماز و روزه ما هم بر اساس باور باشد و یقین داشته باشیم که خدایی هست؛ این عمل برای ما خواهد ماند اما اگر عبادت ما از روی شک باشد و پشتوانه آن یقین بر خواسته از اصول دین نباشد آن عمل از بین خواهد رفت.

بحق محمد و آل طاهرین : در پایان دعا‌های سی روزه و در پایان ماه مبارک در این دعا می‌فرماید: بِحَقِّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. به حق مولای ما حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و خاندان پاکش و ستایش خاص پروردگار جهانیان است. امام صادق فرمودند که رسول الله می‌فرماید: خدایا تو بهترین اجابت کننده هستی، بهترین کسی هستی که ما اورا صدا می‌کنیم و بهترین کسی هستی که از او سؤال می‌کنیم. «أَسْأَلُكَ بِنُورٍ وَجْهِكَ وَ أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ وَ قُدْرَتِكَ وَ جَبَرُوتِكَ وَ أَسْأَلُكَ بِمَلَكُوتِكَ وَ دِرْعِكَ الْحَصِينَةِ وَ بِجَمْعِكَ وَ أَرْكَانِكَ كُلِّهَا» رسول گرامی اسلام خداوند را به عزت و جلال و جبروتش سوگند می‌دهد، سپس می‌گوید: «وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ بِحَقِّ الْأَوْصِيَاءِ بَعْدَ مُحَمَّدٍ» خدایا به حق محمد و به حق اوصیاء بعد از محمد. «أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا» بر محمد و آل محمد درود فرست و حاجاتم را برآورده کن. [الکافی، ج ۲، ص ۵۸۴، ح ۱۹]. امام صادق (علیه السلام) در این روایت به صراحت سنت اهل بیت (علیهم السلام) را به ما آموزش می‌دهد و می‌فرمایند زمانی که دعا می‌کنید، بگویید: «وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ بِحَقِّ الْأَوْصِيَاءِ بَعْدَ مُحَمَّدٍ». از حضرت (امام صادق (ع)) روایت کرده که برای دنیا و آخرت و رفع درد چشم این دعا را بعد از نماز صبح و مغرب بخوانند: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْكَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلِ النُّورَ فِي بَصَرِي وَ الْبَصِيرَةَ فِي دِينِي وَ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَ الْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي وَ السَّلَامَةَ فِي نَفْسِي وَ السَّعَةَ فِي رِزْقِي وَ الشُّكْرَ لَكَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي .